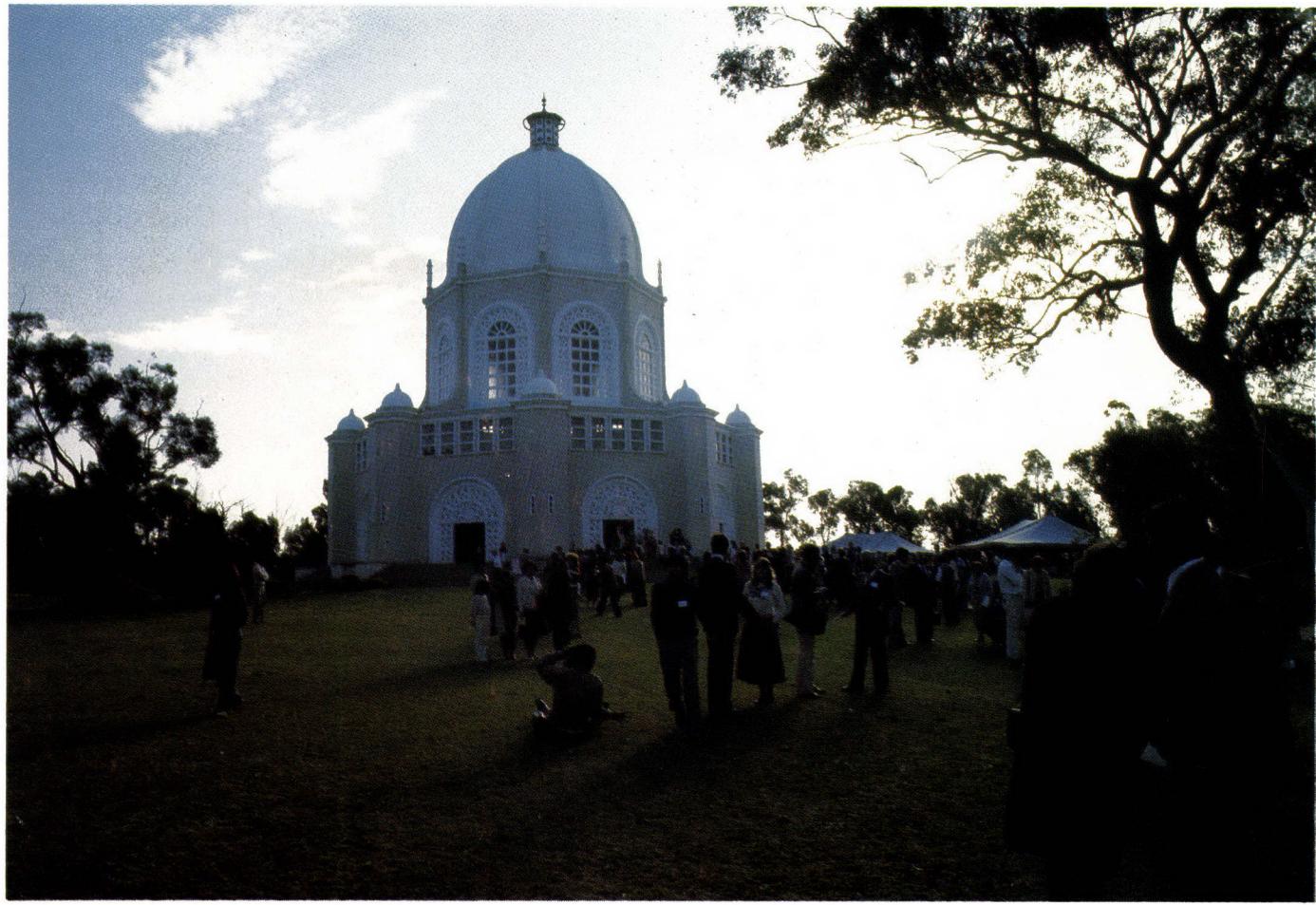


عندليب





گنج زری بود درین خاکدان کو د جهان را بجومی میشمُرد
پیه هن خاکی به گنجی فلند روح و خرد سوی سموات بزد

عبدالیب

نشریه محل و حاکمی ملی بحث ایمان کانادا
بربان فارسی



شماره بیت هشتم «منسل»

No. 28

سال هفتم

Volume VII

۱۴۵
سبعين

پائیز ۱۳۶۷ شمسی

Fall 1988

'ANDALÍB

7200 LESLIE STREET
THORNHILL, ONTARIO, CANADA
L3T 6L8

حق تھا بمحظات

فهرست مُنْدَرِ حَاجَات

۴-۳ ۵ ۷-۶ ۱۳-۸ ۱۸-۲۴ ۲۱-۲۹ ۲۴-۲۲ ۲۷-۲۵ ۲۸ ۲۹ ۳۴-۳۰ ۳۷-۳۵ ۴۵-۳۸ ۴۷-۴۶ ۴۸ ۴۹ ۵۴-۵۰ ۵۵ ۵۷-۵۶ ۶۲-۵۸ ۶۴-۶۳ ۶۷-۶۵ ۷۰-۶۸ ۷۱ ۷۸-۷۲ ۸۲-۷۹ ۸۴-۸۳	۱- لوح جمال قدم نمجل جلاله ۲- لوح مبارک حضرت عبدالبهاء ۳- تلکس های معهد اعلی (ترجمه) ۴- نطق ایادی امرالله جناب دکترورقا ۵- خدا یا این چه فضی است که عنایت فرمودی ۶- تاریخ زرین شهادت (زندگانی و شهادت جناب فدرس شیرخ) ۷- تاریخ زرین شهادت (شرح حال و شهادت خانم ایران رحیم پور) ۸- اطلاعیه مهم ۹- زنبق سرخ (شعر) ۱۰- شمایل مبارک عبدالبهاء (شعر) ۱۱- جبر و اختیار ۱۲- ادغام احبابی شرق و غرب ۱۳- اسرائیل و فلسطین در نظر بهائیان ۱۴- خادمه باوغا ۱۵- گوهره میشه در ته دریا نشسته است (شعر) ۱۶- شعرو ادب فارسی (می) ۱۷- زیارتگاه من بشرویه ۱۸- ازنامه های شهید مجید شاهپور مرکزی ۱۹- سخنی چند با خوانندگان ارجمند ۲۰- حوادث مرگبارناشی از شرب مسکرات ۲۱- دمی درنگ درخم بیرنگ ۲۲- سخن دلپذیر ۲۳- قدر و منزلت موسیقی در دیانت بهائی ۲۴- اطلاعیه موسسه معارف امری ۲۵- اخبار و بشارات امریه ۲۶- اخبار مصور ۲۷- نامه هائی از دوستان شرح عکسها
--	---

روی جلد - مشرق الاذکار سیدنى

روی جلد داخل - متعارج بر فیق اعلی وافق ابی جناب بوراکاولین علیه رضوان الله
پشت جلد

خارج - کانونشن ملی ایران سنه ۱۹۷۴

داخل - جشن نوروزی یاران عزیز سنگال

هو الله تعالى شأنه العظمة والاقتدار

احْمَدُ لِلَّهِ الدُّجَى فَحَى بِصَاحِحِ اسْمِ الْعَظِيمِ
 بِبَابِ أَفْدَهِ الْعِلْمِ وَعَرْقِهِ الْمُقْتَمِ وَأَمْرِهِ الْعَظِيمِ
 وَالصَّلَاةِ وَالسَّلَامِ عَلَى سَيِّدِ الْأَبْنَىِ، الَّذِي بَرَّ لَنَا مَائِدَةَ الْعِلْمِ وَسَالِتْ لِطْحَانَهُ، وَعَلَىَ اللَّهِ وَاصْحَابِ الدِّينِ
 بِهِمْ مَاجِ بَحْرٍ بِسَيَانٍ فِي الْمَكَانِ وَلَطْقِ الْلَّهَانِ فِي الْمَكَوْتِ الْبَرَّ، إِنَّ الْمَلَكَ لِلَّهِ لِمَقْدِرِ الْعِزْزِ الْمَنَانِ
 هَذِهِ الْكِتَابُ مِنْ لَدِي الْمُطْهُومِ إِلَى الَّذِي حَضَرَ امْوَالَ الْوَجْهِ وَفَازَ بِاُبُورِ نَسِيَّةِ الْكِتابِ إِنَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ
 نَاسَةَ اِمَامِ وَجْهِ حَاضِرٍ مَلاَحِظَهُ شَدِّ بِرَاسِتِي مِنْ كُوِيمِ اِينِ عَبْدِ اِرَأْوَلِ اِيَامِ اِلَى حِينِ اَهْلِ اِيرَانِ رَابِعَدِ
 وَانْصَافِ دَعْوَتِ نَبُودَهُ فِي اَحْيَيْتِهِ مِنْ فَنْسِي بَيْنِ دُوَّصَفَتِ مِبَارَكَهُ مَرْزِيَنِ بَشَدِ اِرَانِ مَحْسُوبِ نَبُودَهُ
 نَيْسَتِ دِرْخُوزَهُ ذَكْرِ اِمَامَتِ وَالْفَقْطَاعِ شَدِ اِسْمَدِ اَنْكَهَ حَسَنِ جَلِيلِ جَلَالِهِ كُلَّ رَاهِنِجَهُ ذَكْرِ شَدِ مَنْتُورِهِ مَرْزِيَنِ دَارِدَهُ
 عَلَى كُلِّ شَيْئِيْ قَدِيرِ وَقَمِيِّ اِرَادَاتِ دَرْدِ سَاجِيْ كِتابِ اَنْقَطَاعِ كَلْمَهِ مِبَارَكَهُ مُحَكَمَهُ حَضَرَتِ خَسِيلِ اوْكَرِ نَبُودِيْمَ
 شَایِدِ عَرْفَشِ عَالَمِ رَامَعَطَرِ نَمَادِ وَامِمِ رَاگَاهِ سَازِدِ دِرْسِنِیَّكَهُ نَارِ طَلَمِ مَزِودِ شَتَّلِ وَحَكْمِ بِرَاحِرَاقِ هِیْكَلِ
 خَسِيلِ زَمانِ رُوحِ مَاسَاهِ فَدَاهِ اَرَآنِ مَطْلَعِ شَرَكِ صَادِرِ ظَهِيرَتِ اَنَّحَرَتِ اَنْجَهُ رَاهِكِ رَايِهِ اَشِ اَزْعَوَالِمِ
 مَعَانِي وَبِيَانِ حُكْمَتِ دِرْغَانِ قَطْعِ نَسُودِ حِسِيَّيَّكَهُ اَنَّحَرَتِ اَمْعَلَقِ نَبُودَهُ دَرْمَارِ جَهِیْلِ بِاِمرِحَقِ باَوِ
 بِسِيدِ وَعَرْضِ نَبُودِ آنِکَوَنِ لَكَ حَاجَتِهِ قَالَ اَمَا اَلِيكَ فَلَا لِعَرْسِتَهُ اِنْ سَعَفَ اِینِ بِيَانِ حَتَّاَيِّقِ وَجَوِ دِرَبَنُورِ لَعَطَانِ
 مَنْتُورِ فَرْمَوَدِ اَلْكَلْفَنِيِّ بِحَرَاتِ اِینِ بِيَانِ فَارِزِ نَسُودِ اوْزِ عَالَمِ وَعَالَمِيَانِ بَگَزِرِهِ وَبِهَا اِرَادَهِ تَمَسَّكِ جَوِیدِ

محزون نباش از آنچه بر تو وارد شده از حق جل جلاله مطلبیم ابوا بفضل و عطا ابر وجوه او لیا گشای
 و مفتح واره اوست قادر و توانا للد احمد بعیان مخصوصه فائز شدی و بنور ایمان منور از حق
 مطلبیم ترا تایید فرماید و فائزهاید سه که سبب بخات ابدیست آن هو القوی لعیم الحکم او لیا را
 قبل مظلوم سلام بر سان این مظلوم لازال از برای او لیا مسئلت نموده آنچه را که سبب علو و سمو و عدالت
 نعمت بوده شیخ دلکت هدالوح العریز البیاع السلام والبص آرعیکت و علی الدین قالوا اللهم
 درب من فی السّوّات والاصین احمد له اذ به مقصود افتدۃ العارفین .

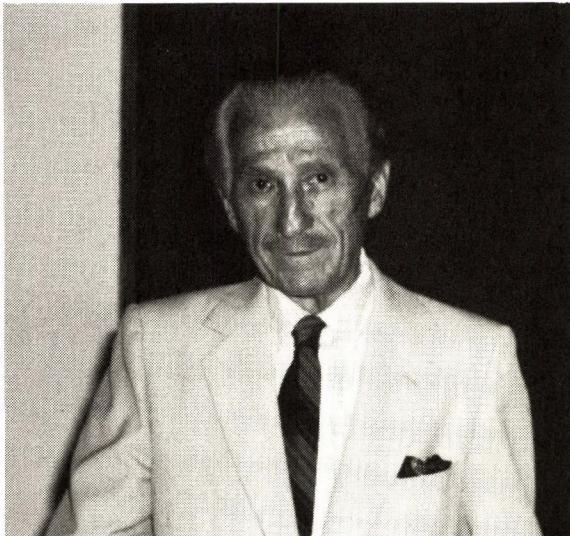


بُسْنَ اِجْمَائِ الْتَّيْ وَ اِمَامِ رَحْمَن عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِنَ الْبَهَارِ الْاَبْهَى

ہُوَالْعَد

ای پاران و اما، رحمن نامہ شما فی الحقيقة سرو شود، اما فی بخشید و بسب اید و ای گشت زیر دلیل
 تمازّر از نصایح و وصایای عبد البهاء بود اگر لوح جمال مبارک مثل کلمات مکونه و اشرفات و
 تمجیّات و بشارات و کلمات و طرازات ثابت شود و بوجب یک بصیرت از نصایح آئی عمل
 گردد انسان بدرجہ کمال رسد مرکز شوھات رخاییه شود و مصدر رکھالات انسانیه گردد و انوار مکوت
 از رویی و خوی اوبتاید . ای اجمای الی این نصایح و وصایای جمال مبارک بجهت آن ارقام علی
 صادر شده که عمل گردد و ایکه فرائت شود بسیار لفوس قرائت این لوح نیایند و تحسین کنند
 ولی بوجب کلمہ عمل نیایند حال احکم لله شما از نصایح عبد البهاء مشارشده اید و منجب گشته اید
 عزم آن دارید که بوجب نصایح عمل نمایید پس بتوشید تا انوار نصایح جمال مبارک از زجاجہ قلب شما
 ساطع شود و پرتوی بر ارکان نزد و آثار انقطاع و انجذاب محبت ته از رویی و خوی شما طاہر و آشکار
 گردد من شب و روز دعا میکنم و از برای شما نیاید ایت الیه میطلیم و توفیقات صمدانیه میخوم که جمیع مکونی
 گردد و انوار مکوت ابھی جان و دل حتی ارکان شماره روش نماید و علیکم ابھی آلا بھی ع ع

ترجمه ملکسماکی و اصله از معهد اعلی



ترجمه تلکس و اصله از ارض اقدس

۱۹ دسامبر ۱۹۸۸

قلوب از ضایعه واردہ بر عالم بهائی در فقدان همکار سابق خود جناب بورا کاولين Mr. Borrah kavelin خال ناپذیر ، هشیاری و توجه شدید ، خوشبینی ذاتی ، ثقه و اعتماد پایدار و امانت خالص و بی شائبه از جمله صفات عالیه و درخشانی محسوب که طی قریب نیم قرن خدمات پرجسته ایشان به امری که در ترویج و مدافعت آن تا آخر العیات ممتازه شان کوشیدند ، ظاهر و باهر . مباشرت طولانیشان در امور اداری بهائی از سال ۱۹۴۱ با عضویت نه سال در محفل روحانی محلی نیویورک آغاز و متضمن ۱۳ سال عضویت در محفل روحانی محلی ایالات متحده ، دو سال در هیئت بین المللی بهائی و متعاقباً ربع قرن در بیت العدل اعظم گردید . خدمات

۳ اکتبر ۱۹۸۸

خطاب به جمیع محافل روحانیه ملیه

با مسرت ، در لیله انعقاد جشن ولادت حضرت باب در سراسر عالم ، شاهد افزایش عدد جوامع ملیه ای هستیم که مباشرتشان به ابتکارات تبلیغی راه را برای اقبال گروهی هموار میسازد . سی و پنج محفل ملی همزمان گزارش میدهند که از رضوان هذه السنه مجموعاً یک ربع میلیون نفوس جدیده با مر الی داخل گشته اند . از فعالیت های چشمگیری که در زمینه امر مبرم تحکیم و تقویت مبذول داشته و با آن وسیله ضامن حفظ انتصاراتی میشوند که با دشواری تمام بدست آمده ، سپاسگزاریم . فرستی است در نهایت اغتنام که یاران و محافل روحانیه در هر کجا هستند مجاهدات پر ثمر و توأم با فداکاری خویش را مضاعف و توجه را به فعالیت های بس مهم تبلیغی معطوف سازند که مقدرات امر نجات بخش جهانی حضرت بهاء الله را به مرحله ای رساند که صلی عمومی و بسیار قدیم آرزومندان ندای جان بخش حضرتش ، لبیک گوید .

بریت العدل اعلم

با نهایت مسرت اعلام میدارد که طی هفته گذشته در مرکز جهانی مشاورات مهمه ای با اعضای ارشد دوائر جامعه بین المللی بهائی ارض اقدس، نیویورک، رُنو و نیز نمایندگان پنج محفل روحانی ملی، صورت گرفت.

تبادل نظرهای مفصلی پیرامون فعالیت های متضاغعه امور خارجی امرالله، جریان یافت. از ملاحظه شواهد نزدیک شدن هرچه بیشتر ارتباطات در زمینه همکاری با سازمان ملل متحد، مؤسسات تابعه آن و کثیری از حکومات ملی که منجر به توسعه نطاق نفوذ امرالله در صحنه ابتكارات و فعالیتهای بین المللی شده، بسیار دلگرم و مشغوف.

از بررسی مطالبی که دال بر افزایش فرصت هایی است که طی آن پیام نجات بخش عمومی حضرت بهاء الله به مناطق شاسعه چین، اتحاد شوروی و اروپای شرقی ابلاغ گردد، قلبا مسرور و از اعتدال حیثیت و شئون امرالله در سطح جهانی، شادمان. از عموم یاران دعوت مینماید در تقدیم دعا و شکرانه باستان حضرت بهاء الله بخاطر الطاف و برکات و فیره حضرتش، بما ملحق گردند.

بیت العدل عظیم

متنوعه ایشان بالاخص با اقدامات مدبرانه در مساعدت به توسعه و پیشرفت مؤسسات روابط خارجی جامعه بین المللی بهائی، مهارت و کفایت در ترویج موقرانه مصالح مالی امرالله، سابقه درخشنان در رابطه با تملک اراضی و اماکن مهمه و از جمله قصر مزرعه و بیت عبدالله پاشا، شاخص و نمایان.

در اعتاب مقدسه با اشتیاق و صمیمانه دعا می کنیم که روح شریفشان در ملکوت ابهی به اجر جزیل مأجور و جمال قدم قرینه محبوب فلور و فرزندان عزیزشان را غرق رحمت و اعانت الهی فرماید.

توصیه میشود در کلیه مشارق اذکار و در سراسر عالم بهائی باحترامشان جلسات تذکر شایسته منعقد گردد.

بیت العدل عظیم



خادمان محبّ عزیز و رهایت تحریر و تأسیف صعود شخص ممتاز نفس شخصیت حباب بورا کاولین علیه ضوان شه
وشانه را بسیار رحمانی عموماً و بفرسنه محترمه کار علیه فلور خشم و فرزندان گرامی ایشان خصوصیت عرض نموده
وارآن روح پاک که قریب پجاه سال از حیات خود اصرف خدمت و محبت عالم انسانی کرده و حال پهبان
تمانک الٰهی عروج نموده طلب تائید و توصیه نیایند.
«بیت تحریر عزیز»

نطیجت ایادی امرالله حب و کفر علیم حب و رقا در ششمین انجمن شور روحانی مین المللی

اول ماه سه ۱۹۸۸ (ترجمہ)

یاران عزیز محبوب

در آغاز نقشه شش ساله بیت العدل اعظم که با تحولاتی عظیم و شکرف در ششون مختلفه اجتماع مقارن شد، میدانی جدید برای توسعه سریع امرالله بدست آمد و هدف و مقصد ظهور حضرت بهاء الله در انتظار مقامات دولتی، روسای کشورها و داشمندان و محققین که حتی از وجود آن بی خبر بودند، ظاهر و عیان کشت

در این فرصت مناسب، بیت العدل اعظم اهمیت آگاهی بر قوانین و نظمات منزله از حضرت بهاء الله را مورد تأکید قرار داده و در نقشه شش ساله ترجمه کتاب مستطاب اقدس را بزبان انگلیسی یکی از اهداف عالیه این نقشه جلیلہ مقرر فرمودند.

در میان احکام و فرمانیں نازله در این سفر کریم، حکم حقوق الله است که در گذشته ایام اجرایش منحصر به احبابی ایران بود و یاران مغرب زمین پس از انتشار "مجموعه‌ای از نصوص مبارکه و دستخطهای بیت العدل اعظم الهی در باره حقوق الله" که توسط "دانره مطالعه نصوص و الواح مرکز جهانی بهائی" تهیه و تنظیم شده بود، برای حکم الهی آگاهی یافتند.

حقوق الله لصطلاحی است عربی که از دو کلمه "حقوق" (جمع حق) و "الله" (خدا) ترکیب یافته که معنایش "حقوق خداوند" است که فرد سهی از مایملک و در آمد خود را به پیشگاه پروردگار تقدیم مینماید.

حضرت بهاء الله در لوحی خطاب به جناب زین در مورد حقوق الله فرموده اند که انتشار و ارتفاع امرالله منوط باسباب مادیه است. لذا بمحض این بیان مبارک توسعه و تقدم امر الهی و استقرار نظم بدیع و مدنیت نوین جهانی بدون اسباب مادی مقدور نخواهد بود.

جر ثومه این حکم مقدس برای اولین بار بوسیله حضرت رب اعلی در کتاب مبارک بیان انشاء و کلمه حقوق الله از فم مبارکش جاری شد. حضرت بهاء الله با تغییراتی آنرا قبول فرمودند و در شمار احکام و مقررات آئین خویش قرار دادند.

با وجود آنکه حقوق الله یکی از مهمترین قوانین کتاب اقدس محسوب، ما نباید کلمه "حق" را در منطق و مفهوم جامد و بی انعطاف قانونی و حقوقی آن، که در دائرة المعارف و کتاب لغت بمعنای "حکم اجباری که بواسطه مقامی مختار تعیین و تکلیف شده"، تلقی نمائیم. "حقوق الله" حکمی نیست که با جبر و فشار اعمال شود بل وظیفه‌ای است روحانی متکی بر حب و شوق مومن بالله که مشتاق است باراده محبوش عامل باشد. در این حکم مجالی برای فشار و تهدید و ارعاب وجود نداشته و اطاعت است که نمودار حد اکثر درجه عشق و میل باطنی است.

حقوق الله ، با توجه به کیفیت خاص و منحصرش ، عظمت و خصوص و قدرت و فروتنی را در هم می‌آمیزد . این فرضیه یکی از اساسی ترین احکام دیانت بهائی و در عداد صلاة و صوم است و اهمیت آن از این کلمات مقدّسه حضرت بهاء الله واضح می‌شود که می‌فرمایند : 'بکو يا قوم اول امر عرفان حق جل جله و آخر آن استقامت و بعد تطهیر مال و عند القوم بما امر الله بوده ...' (۳۱)

با مطالعه آثار منزله از حضرت بهاء الله و حضرت عبدالبهاء در باره حقوق الله به چهار نکته اساسی بر میخوریم :

اول - حضرت بهاء الله در کتاب مستطاب اقدس می‌فرمایند : 'والذى تملّك مأة منتقال من النهب فتسعة عشر منتقالاً لله فاطر الأرض والسماء . اياكم يا قوم ان تمنعوا افسكم عن هذا الفضل العظيم ...' (۱۰) و حضرت عبدالبهاء تأکید می‌فرمایند که حقوق الله بر باقیمانده از مصارفات سالیانه شخص تعلق می‌کشد .

پرداخت حقوق الله مبتنی است بر محاسبه در آمد شخص بر اساس واحد طلا . هرگاه عواید سالانه فرد ، پس از کسر کامل مصارفش در آن سال ، به قیمتی معادل ارزش ۱۹ منتقال طلا (برابر با ۳/۲۲۴۵۶ اونس یا ۱۹/۶۹ گرم) برسد ، ۱۹٪ این مبلغ حقوق الله است که باید تقدیم شود . محاسبه مصارف و وسائل لازم برای امرار معاش ، که از پرداخت حقوق الله معاف است ، به بلوغ روحانی و وجودان هر فرد مؤمن بستگی دارد . برای آن نمی توان میزان و معیاری تعیین نمود زیرا که منوط است به شرایط زندگانی و موقعیت اجتماعی و درجه تعلقات روحانی و انقطاع از مادیات در مورد هر یک از مؤمنین .

نکته دوم آنکه تأدیه حقوق الله بمتابه مفناطیسی است که جالب برکات و تائیدات الهی و منبع رحمت و عطوفت ربانی است . حضرت بهاء الله در آثار مقدّسه اش فیض مدرار برکات لانهایه اش را بر مجریان این حکم مبذول می‌فرماید .

ایضاً در کتاب مستطاب اقدس از کلک ابھی نازل : '... والذى عمل بما امر ينزل عليه بركة من سماء عطا ربه الفياض المعلى الباذل القديم ...' (۱۰)

در لوح دیگر زیارت می کنیم که : 'ان الذين وفوا بعهودهم و عقودهم ونذورهم و ادوا امانات الله و حقوقه انهم من اهل الفردوس الاعلى ...' (۲۶)

در یکی از الواح صادره از قلم حضرت عبدالبهاء متوجه می‌شویم که : '... لفوسوکه اطاعت این امر میرم نمودند پهربخت آسمانی موفق و در دو جهان روی روشن و مشام از نسم عنایت معطر کردند ...' (۶۲)

نکته سوم آنکه بهمان میزان که تأدیه حقوق الله سبب جلب مواهب و برکات الهی است - غفلت یا عدم اجرای آن موجب محرومیت و در حکم خیانت در مالی است که حقاً به خداوند تعلق دارد .

این وجهه باید باراده کامل و مطلق ' مرجع كل امور ' (۹۶) مصروف ترویج مصالح عمومیه امریه گردد . و

کننده حقوق الله ، در اداره و نعوه مصرف آن حقی نداشته و ندارد .

در کتاب مستطاب اقدس ، قلم اعلیٰ کسانی را که از ادای حقوق الله غفلت میورزند مخاطب ساخته و میفرماید : " یا قوم لاتخو نوافي حقوق الله و لاتصرفو افها الا بعد اذنه ... " (۱۰)

و متعاقب آن میافزایند : ... من خان الله يخان بالعدل و الذى عمل بما امر ينزل عليه البركة من سماه عطا ربه الفیاض المعطى الباذل القديم ... (١٠)

در آنصورت عدم تأديه حقوق الله يا صرف آن در امور دیگر ولو آنکه در امور خیریه و عام المنفعه خرج شود ، در حکم تصرف در اموال الهی و بمثابه خیانت در امانت تلقی شده است . پرداخت تبرعات بمنظور مصارف خیریه و هدفهای عام المنفعه ، چون تقدیم به صندوق های مختلفه ، باید تنها پس از آنکه تقدیم کننده از پرداخت دین الهی فارغ شود ، صورت گیرد .

و آخرين نکته آنکه خداوند متعال مقرر فرموده که تأدیه حقوق الله سبب نعمت و برکت بوده و روح آدمی را در جمیع عوالم روحانی و لایزال الهی یاری و مدد مینماید.

حضرت بهاء الله میفرمایند : ... خزانه ملک و ملکات در یوم ظهور مذکور نه ولنی الله مقبول نه ولنی خردی از اولیاء در ساحت اقدس اعلی مذکور و بطراز قبول مزین ... (۳۹)

مقام رفیع حقوق الله و منزلت استثنائی آن در میان سائر احکام حضرت بهاء الله مرهون حرمت و تقدس شخصی است که با آن عنایت شده . حضرت عبدالبهاء در این باره با استناد به بیانات حضرت بهاء الله میفرمایند : نهایت امانت را باید در حقوق مجری دارید . حقوق مقدمه است .

بنظور حفظ حرمت و تقدس این حکم ، حضرت بباء الله قویاً مطالبه حقوق الله را منع فرموده اند . هیچک از نفوس یا مؤسّسات و مشروعات مجاز به مطالبه آن نیستند و هرگاه ضروری تشخیص گردد باید اهمیت آن بطور عمومی به یاران تذکر داده شود . تنها بلوغ روحانی است که موجب آکاهی وجودان یاران میشود ولاغیر . در لوحی خطاب به جناب حاجی امین ، دومنین امین حقوق الله ، حضرت بباء الله میفرمایند : " احدي مطالبه حقوق الله ننماید و اين بسته پرضاي خود نفوس است ... " (۵۱)

و ایضاً: ... از عالم بگذرید و از یک ذره عَزَ امرالله مگذرید . امین علمه بهائی هم باید در اینفقره ذکری ننماید این معلق و منوط باقیال خود نقوص است . امرالله و مانزل فی الكتاب را که شنیده اند من شاء فلیعمل و من شاء فلیترک ... (۸)

حقوق الله مراحل متفاوتی را پشت سر گذاشته و مفهوم آن دستخوش تحولاتی گوناگون گشته که عمدتاً مربوط به درجه رشد روحانی و میزان مطالعات و ادراکمان از آثار مبارکه است.

اکثری از پاران تصور می کنند حقوق الله نیز وسیله ای برای جمع آوری تبرعات است و هدف آن تقویت بنیه و امکانات مادی امرالله میباشد .

اگرچه پرداخت حقوق الله تا میزان زیادی به رفع نیازهای امرالله کمک می کند و وسیله ای است مهم بجهت استقرار و استحکام بنای قصر مشید نظم بدیع حضرت بهاء الله ، که چون کاملًا تمکن یابد منبع دائم الجریان عواید در اختیار مرکز امرالله خواهد بود تا در راه ترویج امر و رفع نیازمندیهای دائم التزايد استقرار یک نظم نوین جهانی مصرف کردد ، ولی در واقع هدف و مقصد حقوق الله بمراتب برتر، والاتر، اعظم و روحانی تر از آن است که به تصور ما آید .

طی سالهای ۷۹ - ۱۹۷۸ پس از وقوع دگر گونهای و انقلاب ایران ، زمانی که مهمترین منبع عوائد امرالله مقطوع گشت ، این عبد از بیت العدل اعظم استدعا نمود اجازه فرمایند حکم حقوق الله در بعضی از ممالک غربی مجری شود . بیت العدل اعظم در جواب فرمودند که حقوق الله یکی از احکام مهمه ای است که اجرائیش مستلزم فرصت و مشورت در آینده میباشد . در آن زمان حکمت این بیان بر این عبد معلوم نشد تا آنکه آثار مبارکه را با دقت و تمعن بیشتر مطالعه نمودم و متوجه شدم حقوق الله که ممکن است جنبه مادی و قابل لمس عهد و میثاق الهی تعییر شود ، فی الحقیقه جریانی است روحانی و آموزنده و طریقی است بمنظور استحکام علّه محبت و اخلاص میان انسان و خدای او و بنا بر این اجرایش مستلزم مطالعه و تعقیق .

حضرت بهاء الله در کتاب مستطاب اقدس میفرمایند : ... آن فی ذلك لحكم و صالح لم يحط بها علم احد الا الله العالم الغيمرو... (۱۰)

لهذا ما نباید انتظار آنرا داشته باشیم که جوهر و حکمت مندمج در این حکم مقدس را درک نمائیم . این جوهر و حکمت در خزانه علم الهی مکنون و با تکامل و ترقی روح انسانی در عوالم الهی مرتبط خواهد بود . آنچه را ما با درک انسانی خود در میباییم آنست که ادای حقوق الله نشانه ای است از حب و اطاعت و پرهانی است بر استحکام و استقامت و رمزی است از صحت عمل و امانت ما در قبال عهد و میثاق حضرت بهاء الله . تقديم حقوق الله سبب ایجاد و توسعه کفیاتی روحانی در ما خواهد شد که ما را پسونی کمال رهنمون میشود ، موجب هماهنگی و تعادل مجہودات مادی ما میگردد ، ما را از حرص و زیاده خواهی که در طبیعت بشری ، مکنون است و همین که مطلق العنان گردد بصورت عامل باز دارنده مانع رشد روحانی ما خواهد شد ، محافظه می نماید . وقتی انسان درک نماید که سهمی از عوایدش باکلیل قبول پروردگارش مکل خواهد بود حضور خداوند در جمیع امورش محسوس و ملحوظ می گردد و بدون تردید جهد خواهد نمود در پرتو عدل و راستی و اتخاذ روشهای صحیح و اصولی نوعی زندگانی کند که مال تقدیمی اش لایق اتفاق سبیل حق باشد .

نکته مهم و قابل توجه آنکه ولو مشابهت هائی ظاهری میان حقوق الله و سایر تبرعات مشهود و جمیع آنها ثمرات عشق و محبت و شوق و اخلاص مؤمنین به آئین رب العالمین است ، مع ذلك چهار تفاوت عده بعجم میخورد :

۱ - تأديه حقوق الله بر جمیع تقديمی ها و تبرعات سائره اولویت دارد چه که متعلق به حق است .

تقدیمی تبرّعات یاران به صندوقهای امری باید از دارائی افراد صورت گیرد نه از آنچه برای حق منظور گردیده است .

۲ - تقدیم حقوق الله بموجب نص صریح کتاب مستطاب اقدس تکلیفی است که باید طبق قوانین و مقرراتی خاص ادا شود در صورتیکه تبرّعات دیگر از احکام شرعیه نبوده بلکه صرفاً نمایانگر روح فدایکاری ، اتفاق ، انقطاع و علو طبع تقدیم کننده است که بنظر رفع نیازهای اداری و تشکیلاتی امرالله پرداخت میشود .

۳ - میزان حقوق الله با محاسبات دقیقه معینه ای صورت میپذیرد ، حال آنکه قواعد و نظامات معینی در باره فوصل زمانی و یا میزان تقدیم تبرّعات به صندوقهای امریه موجود نیست .

۴ - مصرف حقوق الله انحصاراً در اختیار مرکز امر است و لاغیر در صورتیکه در صرف تبرّعات سائزه میل و اراده تقدیم کننده مأخذ و مؤثر خواهد بود .

پلاتردید آگاهی و درک یاران بر حقوق الله سؤالات فراوانی بدنبال میآورد که نحوه محاسبه و تعیین موارد معافیت قسمتی از اموال شخصی از حقوق الله ، از آنجمله است . باید توجه داشت آنچه در کتاب اقدس در باره حقوق الله نازل شده صرفاً پایه های اساسی این فرضیه است و جمال مبارک تنها به تعیین این خطوط اصلی و لصول کلی اقتناع فرموده اند . حضرتش قواعد و قوانین خاصی تدوین ننمودند . در کلیه آثار مبارکه مرتبط با این موضوع ، عرف استغناء و بی نیازی پروردگار متضوع است و رائمه شفت ، احسان و رحمت او مشمول .

از مکتوبی که بعلم کاتب در سال ۱۸۷۸ خطاب به یکی از مومنین اولیه مرقوم چنین بر می آید که برای اولین بار قبول حقوق الله از احبابی ایران در سال مذکور معمول و مجری گردیده .
بنا براین تا القضاى پنجسال از تاریخ صدور حکم حقوق الله ، حضرت بهاء الله از قبول آن امتناع فرموده اند و در بسیاری از موارد حقوق الله تقدیمی یاران بایشان مسترد شد . شاید بتوان چنین استنباط کرد چون جمال قدم در سمت مرکز امر مبارکش تنها مقام دریافت کننده حقوق الله بوده اند ، نخواسته اند بجزئیات پردازند بلکه باراده غالبه امور جزئیه و فرعیه را به بیت العدل اعظم معول نموده اند که مجاز به صدور احکام غیر منصوصه در کتاب است .

زمانی که کتاب مستطاب اقدس بایران رسید و یاران بضمون آن آگاهی یافتند ، یک هیئت مشورتی ، که عملاً در حکم هسته اولیه محافل روحانیه محلیه بود ، در طهران تشکیل شد . در خلاصه مذاکرات آن هیئت میخوانیم که امر نشر و ترویج حکم حقوق الله یکی از اهداف آن هیئت در ۱۰۱ سال قبل بوده است .

از دیاد اشتیاق مومنین در اجرای حکم الله آنان را بر آن داشت که از ساحت جمال اقدس ابھی توضیح و تبیین مسائل مبهمه حقوق الله را استدعا نمایند . این تقاضا به شرف قبول مفتر و متعاقباً در الواح مختلفه بتحقیق بیوست . مهمترین اثر تبیینی و ارشادی - در جواب سؤالات جناب زین - در قالب رساله سؤال و جواب و در حکم تکمله و ضمیمه کتاب مستطاب اقدس شرف‌صدور یافت .

تبیینات و راهنمایی های بیشتر بواسطه حضرت مولی الوری ، حضرت ولی عزیز امرالله و در عقود اخیره از

سوی بیت العدل اعظم الهی در موارد مبهمه دیگری از حقوق الله عرضه شد که میتوان آنها را در مجموعه ای که در مرکز جهانی موجود است مطالعه نمود.

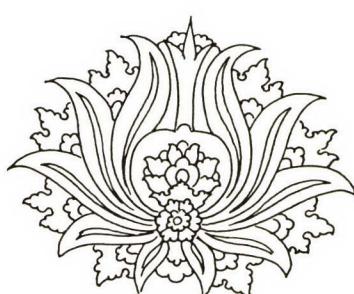
با رشد میزان آکاهی احبابی الهی و افزایش بی سابقه پیجیدگی نظام اجتماعی و اقتصادی هیئت اجتماع، جامعه بهائی بزودی شاهد صدور احکام و ارشاداتی در زمینه حقوق الله از سوی معهد اعلیٰ خواهد بود. و در حال حاضر بموجب پیام بیت العدل اعظم مورخ اول مارس ۱۹۸۴، تا انتشار نصوص مصربه و آثار مقدسه در باره فرضیه حقوق الله، یاران مختارند بر پایه قضاوت و وجودان خود حقوق الله را محاسبه و ادای تکلیف نمایند.

بطور کلی، در عین آنکه استقرار قواعد و روشهای موضوعه ممکن است جنبه های گوناگون حقوق الله را روشن و مشخص نماید ولی نهایتاً اجرای شایسته و دقیق آنها به میزان رشد روحانی و تعقیق و درک یاران از آثار مبارکه بستگی دارد.

بر این اساس است که بیت العدل اعظم یکی از اهداف اساسیه نقشه شش ساله را اولویت و اهمیت تعلیم حقوق الله قرار فرموده که راه را برای اجرای این حکم الهی در عالم بهائی هموار و مهیا سازد و بدین منظور از مؤسّسات جلیله امر الهی چون محافل روحانیه ملیه و هیئت های مشاورین قاره ای خواسته اند در نهایت علاقه و صمیمیت با مؤسّسه حقوق الله در اجرای امر مهم انتشار و تعلیم این حکم الهی به جامعه بهائی بطور وسیع و فراکیر، همکاری نمایند.

طی دو سال گذشته تعدادی از محافل روحانیه ملیه - و علی الخصوص محافل روحانی ملی بهائیان آمریکا و کانادا و چند محفل ملی در نقاط دیگر جهان - معارضت های قابل توجه در اجرای این هدف عالی مبذول داشته اند و امید میروند در آینده تعدادی بیشتر از محافل به جمع این معارضین بپیونددند.

بر اثر تلاش و کوشش این قبیل محافل روحانیه ملیه، تعدادی از یاران غربی، قبل از آنکه اجرای این حکم رسماً ابلاغ شود، به تقدیم حقوق الله مبادرت نموده و مبنیانند. این مطلب موجب گشته امیدوار شویم که تعلیم و آموزش این موضوع در قلمرو وسیعتری صورت گیرد و در نتیجه با اختتام نقشه شش ساله، عالم بهائی به مقام و موقعیت والتری از پیشرفت و کمال روحانی نایل آید.



«از جنب ناصر رئوفی آرافی»

خُدِّا این چه فصلی است که عنايت فرمودی و این چه احافی است که ارزان کردی

کلیه بھائیان • (۹) نیز علاوه بر "حافظت نصوص مقدسه و صیانتشان از تصرف و تحریف" (۱۰) و "تجزیه و تفکیک و تنظیم و تنسيق و ربط و تطبیق آیات و آثار مبارکه" (۱۱) بمنتظر هدایت من علی الارض و "اداره امور جامعه یاران در سراسر دنیا" (۱۲) با الهام از همان حقایق و معانی مودوعه در آیات و الواح الهیه تا کنون بتصور دستخطهای منیع و پیامهای مهیمن عمومی بی شماری مبادرت ورزیده که عالم انسانی علی الخصوص جوامع بھائی را حتی در اقصی نقاط عالم بدان مفتخر و متباهی ساخته و از مضامین و مفاهیم عالیه اش متنبه و متذکر داشته است "انه یلهمم ما یشاء و هو المدیر العلیم" (۱۳)

این مجمع که "مرجع کل امور" (۱۴) است بدبینو سیله یاران راستان را به "همت در تحسین اخلاق و انصاف بصفات و کمالات رحمائیه که ما به الامتیاز حیات فردی و اجتماعی بھائی است" (۱۵) ترغیب و جملگی پیروان اسم اعظم راهم آهنگ ، هم صدا ، هم قوه و پرشور و نشاط به "تقویت مبانی الفت و تفاهیم بین اقوام و ملل و استقرار صلح عمومی و مجاهدت در سبیل نورانیت و تهذیب نفوس و ترقی و اصلاح عالم" (۱۶) هدایت و قیادت مینماید و در این سبیل چنان ابواب رحمت و اسعه اش بروجه عالمیان مفتوح که حتی اطفال خردسال بھائی در سراسر گیتی از فیض نصایح مشفقاته اش همچو پدری مهربان و

از همان لحظه تاریخی که سکان هدایت "سفینه امرالله" (۱) به کف باکفایت "رجال العدل" (۲) سپرده شد عالم و عالمیان در پرتو درخشان هدایتش روشن و از فیض حیاتبخش الہاماتش جانی تازه و طراوت و لطافتی بدیع یافت .

بیت العدل اعظم الهی که فرمان تأسیس آن در زندان عکا در بجبوحه بلایا و رزا یا از قلم اعلی صادر (۳) و یکی از اهم نوایا و مقاصد اهل بھاء محسوب مقارن اختتام موقفيت آمیز نقشه منیعه دهساله (۴) و در انتهای قرن اول اظهار امر علی (۵) ظهور الله تحقق پذیرفت و اکنون که در آستانه بیست و ششمین سنه تأسیس آن "معهد اعلی" (۶) میباشیم شاهد "ترویج مصالح امرالله و اعلان و انتشار و تبلیغ دین الله" (۷) در سراسر عالم با سرعتی روز افزون بوده که در ظل رهنمودهای ملهمانه آن هیئت برگزیده صورت میپذیرد .

همچنانکه هیاکل قدسیه این آئین ربانی با نزول صدها مجلد الواح و مکاتیب و توقعات مبارکه اساس و بنیان کور اعظم پانصد هزار ساله ای را نهادند و شالوده نظم بدیع جهان آرائی را گذاشتند که بفرموده شارع قدیر قوله عزیزانه :

"قد اضطراب النظم من هذا النظم الاعظم و اختلف الترتيب بهذا البدیع الذي ما شهدت عین الابداع شبهه ... (۸) دیوان عدل اعظم الهی "سرچشمہ اقدامات و اجرائات

ساریه دافعه نافذه قدسیه حلول نموده و مجسم و مشخص و مصور گردیده است) (۲۵) در ظل اجرای نصوص الهی و انجام فریضه شور و همت و کوشش حواریون حضرت بهاء الله (۲۶) مرآة جنت ابھی گردد " و یوم تبدل الارض غير الارض را بر عالمیان ثابت و محقق نماید " (۲۷)

شکر و سپاس لانهایه پروردگاری را سزاست در زمانیکه توده های عظیم ناس با وضعی رقت بار در پنجه محنت اسیر و در ورطه سهمناک غفلت و نادانی غوطه ور و از نیسان تقوی و صداقت بی بهره و نصیب جمهور مُؤمنین و مُؤمنات از سبیل هدایت بیت العدل اعظم الهی مزوقند و مذاقشان از حلالوت نصایح و اقوال " اهل البهاء الذين ذكر هم في كتاب الاسماء " (۲۸) شیرین و افتده و قلوشان به شعله امید و اتکال مشعل فروزان " مطالع الامر في بلاده " (۲۹) که هادی سبیل و راهگشای یاران میباشد روشن و منیر است .

شکر و سپاس لانهایه خداوندی را سزاست در حینیکه امواج بلایا و مصائب ملل و اقوام مختلفه را در بر گرفته و آنی آنان را از گزند حوادث مصون نداشته این فته مظلومه در حصن حصین قیادت خردمندانه آن ساحت رفیع ملجا و پناه یافته و در حین بروز شدائید و مصائب در کهف منیع ارشادات مدبرانه اش محفوظ و مصون میباشد و آن " وكلاء الله بين عباده " (۳۰) که به ریاست امرالله معین گردیده اند " بمدافعته و محافظه امر حضرت احادیث و استخلاص از قیود مقتوریت و مظلومیت " (۳۱) میپردازند و در حالیکه در هر نقطه و مکانی آثار شک و تشویش ظاهر و عیان است بفضل و موهبت بیدریغش قلوب منسوبین اسم اعظمش را گلستانی از ثقه و اعتماد میسازد .

غمخواری دلسوز مستقیض و بهره مند میباشد و در حالیکه آن مل جاء و مرجع اهل بباء در نهایت عظمت و جلال در قلب " کوم الله " (۱۷) در مقر جبروتی دارالتشریع مستقر و " بمحافظه و اتساع و ارتقاء مرکز دائم الاستقرار روحانی و اداری امرالله در دو مدینه عکا و حیفا " (۱۸) مشغول و مالوف و حشمت و شکوهشان انظار جهانیان را خیره و متیر ساخته هر اقدامی که بوسیله فردی از افراد یاران در سبیل جمال جانان بكمال روح و ریحان تحقق پذیرد هرچند هم ناجیز و کوچک پنظر آید چنان مقبول درگاه مقدسشان قرار میگیرد که آنرا مورد تحسین و تمجید قرار داده و با عنایات بی حد و حصرشان فرد را به ادعیه حاره خویش در آن شطر مقدس مطمئن میسازند و بدینترتیب " بهداشت و تمشیت و توحید مساعی و تحکیم وحدت مجہودات اهل بها " (۱۹) میپردازند .

" خدایا این چه فضیلت که عنایت فرمودی و این چه احسانیست که ارزان کردی ... " (۲۰) " بیت العدل الذى جعله الله مصدر كل خیر و مصونا من كل خطأ " (۲۱) بمتابه شیرازه استوار و متین اوراق تشکیلات و تاسیسات وسیع النطاق جهانی بهائیان را در بر گرفته و با " ایجاد مؤسسات لازمه " (۲۲) و " اتخاذ تدابیری در مواظبت از معاهد و تشکیلات امریه که مبادا از مقامات مخصوصه خود تخطی نمایند یا از حقوق و مزایای خویش غفلت ورزند " (۲۳) آنان را بسوی ترقی و تکامل و بلوغ روحانی و معنوی پیش برد و بدینوسیله اساس و ارکان این مؤسسات را استحکام و " تمهید مقدمات تاسیس نظم بدبیع جهان آرای جمال ابھی " (۲۴) رافراهم آورده است تا عالم ادنی بتائید الهی و هدایت و قیادت مشروعات و تأسیسات بھیه که در آن بفرموده حضرت ولی عزیز و محیوب امرالله (قوه

بواسطه اجرائات بیت العدل اعظم استقرار می بخشد (۴۲)

شاهد تاسیس بیت العدل اعظم میباشند که یکی از دو وصی حضرت بهاء الله و حضرت عبدالبهاءست و مقصد اعلایش آنکه قدرت و سیطره الهیه که از مصدر شریفه ربانیه جاری گشته تسلسل و استمرار یابد " (۴۳)

شاهد بنیان مرجع تشریعیه ای هستند که " قوانین و احکام غیر منصوصه را تشریع " (۴۴) و " بمقتضای زمان آثرا نسخ و تبدیل " (۴۵) و " اسباب حکمیت " (۴۶) و " حل اختلافات حاصله بین بریه " (۴۷) را تدارک بیند و به " صدور حکم و تعیین مجازات و موارد کسر حدود و احکام الهیه " (۴۸) پردازد و بدینترتیب " ترویج و صیانت عدل الهی کند که یکانه ضامن امن و امان و استقرار حکومت نظم و قانون در عالم امکان است " (۴۹) ×

شکر و سپاس لانهایه ایزد یکتائی را سزاست که ما بندگان نالایق درگاه خویش را به عبودیت و خاکساری آستان مقدسش گماشت و بر اطاعت محضه اوامر سامیه اش حکم نهاد . در این مقام جمال قدم جلّ شانه الاعظم میفرمایند قوله عزّ بیانه : "... امور ملت معلق است برجال بیت العدل الهی ... آنچه را مصلحت وقت دانند معمول دارند نقوصیه لوجه الله بر خدمت امر قیام نمایند ایشان ملهمند بالهامت غیبی الهی برکل اطاعت لازم " (۵۰) مرکز میثاق نیر آفاق باین بیان احلى ناطق . قوله تبارک و تعالی " ... کتاب اقدس مرجع جمیع امم و احکام الهی در آن مصّرح احکام غیر مذکور راجع بقرار بیت العدل دیگر اسباب اختلافی نه و من يتعد ذلك فاولئک هم التأعون و اولئک هم الطالمون و اولئک هم الاعداء المبغضون " (۵۱) ...

شکر و سپاس لانهایه کردگاری را سزاست در عالمیکه از یک سو حیل و فتن متزایده سیاسیه دسته های متشتت ناس را هر روز پراکنده تر و از سوی دیگر تقایلید کور کورانه و تعصبات جاهلانه تفرقه و جدائی پیروان ادیان مختلفه را افزون ساخته و جهان و جهانیان را به تجهیز هر چه بیشتر سازو برگ نظامی و تهاجم و تجاوز بر علیه یکدیگر وا میدارد . مرجع کل امور و " دافع اختلافات " (۳۲) و " حافظ ناموس نفووس " (۳۳) به " توضیح مسائل مبهمه " (۳۴) و " عقد شور و اخذ تصمیم در جمیع قضایای مابه الاختلاف " (۳۵) و " حفظ حقوق شخصی و تامین ابتکار و آزادی افراد یاران مشغول و بارهبری حکیمانه خویش در ترویج و تنقیذ احکام و مبادی امرالله وصیانت و تعمیم حسن اخلاق بموجب صدور احکام نیر آفاق " (۳۶) وحدت و انسجام یاران حضرت رحمن را در جمیع بقاع عالم با تمسک به حبل متین عهد و میثاق که " ضامن اصالت و کافل وحدت اصلیه امر مبین بوده و باعث ترقی و تقدم جهانگیر آئین نازئینش گردیده " (۳۷) استحکام و استكمال می بخشد و در ایجاد الفت و محبت سالکین سبیل وفا را بمیزانی از بلوغ روحانی و معنوی رسانده که مصدق بیان مبارک حضرت عبدالبهاء متحقق گردیده است . قوله العزیز " قلوب را حکم قلب واحد دادی و نفووس را رابطه شخص منفرد ..." (۳۹)

شکر و سپاس لانهایه آمرزگاری راسزاست که در این یوم مبارک و قرن نورانی (۴۰) دلدادگان جمال بیمثالش شاهد و ناظر تحقق وعود و بشارات شارع قدیر امر اعظمش در لوح مبارک کرم (۴۱) میباشند که میفرمایند قوله الاحلى : "... سوف تجري سفينة الله عليك و يظهر أهل البهاء الذين ذكرهم في كتاب الأسماء" شاهد ظهور و بروز همان قوه عظیمه میثاقی هستند که مقاصد جانفرزایش را

آغازش سنه ۱۹۵۳ ميلادي و اختتامش سنه ۱۹۶۳ ميلادي بود يعني همان سالی که بيت العدل اعظم تاسيس یافت.

۵ - اظهار امر علنی حضرت بهاء الله در ۲۲ آپريل ۱۸۶۳ در حالیکه از سن مبارکشان ۴۷ سال میگذشت در بوستان متعلق به نجیب پاشا که نجیبیه نام داشت و در خارج شهر بغداد بود صورت گرفت.

۶ - حضرت ولی عزیز امرالله در آثار مبارکه خویش بيت العدل اعظم را بچنین خطابی مخاطب فرموده اند (جزوی بيت العدل اعظم الهی تالیف حضرت ایادی عزیز امرالله جناب فروتن ص ۲۰)

۷ - از جمله وظائف و اختیارات مختصه بيت العدل اعظم (اقتباس از ترجمه قانون اساسی بيت العدل اعظم ص ۴)

۸ - كتاب مستطاب اقدس

۹ - حضرت ولی عزیز امرالله در آثار مبارکه خویش بيت العدل اعظم را بچنین خطابی مخاطب فرموده اند (ص ۲۰ جزوی بيت العدل اعظم الهی)

۱۰ - ۱۱ - و ۱۲ از جمله وظائف و اختیارات مختصه بيت العدل اعظم (اقتباس از ترجمه قانون اساسی بيت العدل اعظم ص ۳ و ۴)

۱۳ - از بیانات مبارکه حضرت بهاء الله در کلمات فردوسیه.

۱۴ - در آثار حضرت عبدالبهاء بيت العدل اعظم بچنین خطابی بيان گردیده اند ص ۱۹ جزوی بيت العدل اعظم الهی)

۱۵ و ۱۶ از جمله وظائف و اختیارات مختصه بيت العدل اعظم (اقتباس از ترجمه قانون اساسی بيت العدل اعظم ص ۴)

و ايضا میفرمایند : "... بيت عدل آنچه بالاتفاق و يا باکثریت آراء تحقق يابد همان حق و مراد الله است من تجاوز عند فهو من احب الشفاق و اظهر التفاقي و اعرض عن رب الميثاق ..." (۵۲) ... پس اگر در دهان صد هزار زبان بکشایم و بهر زیان حمد و ستایش تو نمایم از عهده شکر الطاف در نیایم که چنین موهبتی مبذول فرمودی و چنین احسانی رایگان داشتی ..." انتهى

۱ - در آثار مبارکه اشاره بدو سفینه گردیده است حضرت ولی عزیز امرالله در تبیین قسمتی از لوح مبارک کرمل در توقيع منیع نوروز ۱۱۱ میفرمایند ..." و شبهه ای تبوده و نیست که مقصود از این سفینه که در آخر این لوح مذکور سفینه احکام است نه سفینه امرالله که ملاحسن شارع اعظم جمال اقدس ابی و رکابش کافه اهل بها ... سفینه ئی است که راکبینش رجال بيت عدل اعظم ..." .

و این جریان سفینه احکام اشاره باستقرار دیوان عدل الهی که فی الحقيقة دارالتشريع است ..

۲ - اعضاء بيت العدل اعظم از قلم اعلى بچنین خطابی مخاطب گردیده اند (ترجمه قانون اساسی بيت العدل اعظم ص ۵)

۳ - فرمان تاسيس و مقام و منزلت و اختیارات و وظائف این مشروع عظیم روحانی در كتاب مستطاب اقدس و الواح عدیده دیگری مانند اشراقات ، بشارات ، لوح دنیا ، کلمات فردوسیه و لوح مبارک کرمل از آسمان اراده شارع قدیر نازل .

۴ - نقشه منیعه دهساله يا جهاد کبیر اکبر

- وظائف و اختیارات مختصه بیت العدل اعظم (اقتباس از ترجمه قانون اساسی ... ص ۳ و ۴)
- ۳۲ - در آثار حضرت عبدالبهاء بیت العدل اعظم بچنین خطابی مخاطب گردیده اند (ص ۱۹ جزوی بیت العدل اعظم الهی)
- ۳۸ - ترجمه قانون اساسی بیت العدل اعظم ص ۲
- ۳۹ - مجموعه مناجاتهای حضرت عبدالبهاء ص ۹۹
- ۴۰ - خطابات مبارکه حضرت عبدالبهاء - ۴۱ - شهر حیفا چهار بار بقدوم جمال قدم جل اسمه الاعظم مشرف شده (برای توضیح بیشتر به مجله عنديب شماره صفحه مراجعه شود)
- ۴۲ و ۴۳ ترجمه قانون اساسی بیت العدل اعظم ص ۲) ۴۴ - ۴۵ - ۴۶ - ۴۷ - ۴۸ و ۴۹ از جمله وظائف و اختیارات مختصه بیت العدل اعظم (اقتباس از ترجمه قانون اساسی بیت العدل اعظم الهی ص ۵) ×
- ۵۰ - کتاب مستطاب اشرافات اشراق هشتم (ص ۲۷)
- ۵۱ - مکاتیب مبارکه حضرت عبدالبهاء جلد سوم (ص ۵۰۰)
- ۵۲ - الواح مبارکه وصایا
- ۵۳ - مجموعه مناجاتهای حضرت عبدالبهاء جلد ۳ (ص ۶۷) × تحکیم ممالک و تعمیر بلاد - تمهید وسائلی جهت وصول و صرف و اداره و حفظ تبرعات و موقوفات وساير املاکی که تحت اشراف خود دارند ، فیصله اختلافات مرجعه ، تدارک وسائل فعاله جهت تنفيذ آراء صادره نيز از جمله وظائف و اختیارات مختصه بیت العدل اعظم میباشد .



- ۱۲ - مقصود کوه کرمل ، جبل الله ، تل الهی ، کوه مقدس خداست حضرت پباء الله پس از آنکه کوه کرمل را بقدوم مبارک متبرک فرمودند در لوحی خطاب بحاج عبدالمحمد به این بیان احلى ناطق قوله عز بیانه : " چند یومی است که کوم الله مقر عرش واقع شده و این مقامی است که در کتب قبل مذکور و مسطور ندای حضرت روح در این مقام مرتفع و انبیای الهی کل را بظهور در این مقام بشارت داده اند این است تل الهی از یومی که خلق شده تا این ایام منتظر کاس لقا بوده الحمد لله باآن فائز شد و در مقامات متعدده ندا مرتفع و عرف ذکر ساطع و نور وجه لامع ظاهر شد آنچه که در کتب الهی از قبل مسطور بوده طوبی للفائزین و و یل للغافلین " (رحیق مختوم جلد دوم ص ۳۹۴)
- ۱۸ و ۱۹ از جمله وظائف و اختیارات مختصه بیت العدل اعظم (اقتباس از ترجمه قانون اساسی بیت العدل اعظم ص ۴)
- ۲۰ - مجموعه مناجاتهای حضرت عبدالبهاء جلد ۳ ص ۹۹

- ۲۱ - الواح مبارکه وصایا
- ۲۲ - ۲۳ و ۲۴ از جمله وظائف و اختیارات مختصه بیت العدل اعظم اقتباس از ترجمه قانون اساسی بیت العدل اعظم ص ۴ و ۵)
- ۲۵ - توقيع منیع مبارک نوروز ۱۰۱
- ۲۶ - در آثار مبارکه منظور پیروان ابن آئین مبین است .
- ۲۷ - از توافقی دریه حضرت ولی عزیز امرالله که قسمتی از آن در پیام رضوان ۱۴۵ بدیع بیت العدل اعظم مندرج است .
- ۲۸ - ۲۹ و ۳۰ اعضاء بیت العدل اعظم در آثار حضرت پباء الله بچنین خطابات بیان گردیده اند (قانون اساسی بیت العدل اعظم ص ۵)
- ۳۱ - ۳۲ - ۳۳ - ۳۴ - ۳۵ و ۳۶ از جمله

تاریخ زرین شهادت

بعنوان
سرکار خام
فائزه شیرخ



فردوس بودم صبح به زاهدان رسیدم و تا ظهر گرفتار نظافت و کارهای بچه ها بودیم که خبر آوردنند ماشینی (کامیونی) در حال حرکت به طرف مشهد است و چند نفر از احبا نیز با آن سفر میکنند . (چون در آن وقت اتوبوس بسیار کم ایاب و ذهاب مینمود) لذا مصلحت دیدند که من هم با آنها بروم عصر آنروز بطرف کاراز حرکت کردیم و کامیون را بار زده و الزاماً بالای بار رفتم .

از نرده های دور کامیون نیز بلند تر بار زده بودند و هیچ جای تکیه دادن نبود چند نفر احباب که آنجا بودند همه را شناختم و چند نفر مسافر غیر بهائی هم سوار شدند بهر حال ماشین حركت کرد ، ماه اردیبهشت بود همه خوابیدند بطوریکه سرهاشان وسط ماشین بود ، خانمهای احبا بچه را از من گرفته و پس از محبت باو بمن پس دادند و گفتند تو هم قدری استراحت کن گفتم نه باید مواطن بچه ها باشم فواد هم وسط خوابیده بود بسیار خسته بودم

زندگانی و شهادت فدرس شیرخ علیله رضوان الله

با تائیدات و توفیقات جمال اقدس ابھی شرح حال فدرس شیرخ فرزند عزیzman را که در واقعه انقلاب اخیر ایران جام شهادت نوشیده جهت مجله عندلیب مینگارم .

فردوس دومین فرزند ما بود که در زابل محل مهاجرتی بدنیا آمد زیرا ما در هنگام نقشه چهل و پنج ماهه با آن دیار پس از ازدواج مهاجرت کرده و حدود بیست سال در آنچا اقامت داشتیم در آغاز طفولیت او کودکی سالم و پر جنب و جوش بود و این حالت و سلامت برای همیشه با او بود دو ماه نیم داشت که به یک چشم دردی که مخصوص آن منطقه بود دچار شد و میباشد در نظافت کامل و تاریکی مطلق بسر برد و اگر غیر از این میبود عواقب وخیمی داشت البته با دقت فراوان بهبود کامل یافت ولی از برای من پس از پرستاری و خستگی احساسی دست داد که مایل شدم برای ملاقات مادر و خواهر و برادران خود به طهران بروم و قدری ایام را با آنها و دوستان خود بگذرانم در آن موقع وسائل مسافرت خیلی سخت بود و چون خانمی از احبا عازم بود منهم با ایشان با اتوبوس تا زاهدان حرکت کردیم در راه همسرم شیرخ نیز تا زاهدان همراه ما آمد فرزند اول ما فواد دوسره بود و فدرس حدود سه ماهه در راه زابل و زاهدان شب ماشین در حرکت بود و من اصلاً نخوابیدم و مراقب بچه ها بخصوص

تحویل بگیرید همینطور هم شد نزدیک زاهدان عطا الله شبرخ همسرم را دیدم که به کمک من میآید با هم رفتم و بچه را گرفتیم در راه که میرفتیم قبل از زاهدان به حرمک که رسیدم (محل تقاطع راه بین زابل و زاهدان و مشهد است) در آنجا مردم دسته دسته چمع شده بودند و میگفتند امام رضا معجزه کرده است و بچه ای از ماشین افتاده هیچ چیزش نشده وقتی ما رسیدیم و فهمیدند بچه بهائی بوده همه در شگفت بودند آری در نزد حق همه بشر یکسانند و لطف او شامل حال جمیع بندگان میباشد بهر حال بهمراه همسرم وارد بیمارستان شدیم و طفل را سالم و بدون آسیب در آغوش دکتر دیدیم همسرم که در زاهدان شنیده بود کودکی در بیابان پیدا شده و یکساله است (چون فدرس خیلی چاق بوده خیال کرده بودند یکساله است) اول نرفته بود مجدد وقتی با اصرار دوستان رفت و بچه را دید گفت فدرس است و زود برای کمک به من آمد. دکتری مسیحی که بچه را معاینه کرده بود تصور مینمود که نام بچه پطرس است .

بهر حال بچه را گرفته منزل آقای سهیلی روحشان شاد وارد شدیم .

عده ای از احبا قبل رفته بودند بیمارستان که بچه را بگیرند ولی به آنها نداده بودند. بعد از ورد به منزل آقای سهیلی بعضی از احبا برای دیدار بچه آمدند . بهر حال این بود سرگذشت افتادن فدرس از کامیون و نجات او اما او در سن ۸ سالگی الی ۱۵ سالگی بود که به محافل و مجالس میرفتیم و احبا را ملاقات میکردیم . ناشرین نفحات الله که به زابل میآمدند و صحبت میکردند گفتار شان خیلی در فدرس عزیز موثر بود بطوريکه هر هنگام با احبا دور هم بودیم او برای بچه ها صحبت میکرد و پشت میز میرفت و مثل یک ناطق علاقمند بچه ها را مشغول میکرد .

چون مسافران کلا یکبار از ماشین پیاده شده و قدری استراحت نموده بودند ولی من یکسره در بالای کامیون روی بار نشسته و مواطن نورچشمان خود بودم لذا پس از اینکه مجدد ماشین حرکت کرد با خود گفتم کمی استراحت کنم بعد دو باره می نشینم قدری دراز کشیدم و فدرس را که لای پتو بود شیر دادم فهمیدم چقدر گذشت که بی اختیار از شدت خستگی خوابم برد یکوقت از خواب بیدار شدم دیدم فواد بالای سرم خوابیده دست بردم زیر پتو که بچه را بغل کنم دیدم فدرس در میان پتو نیست و پتو خالی است ناراحت شدم بنای داد و فریاد گذاشم همه بیدار شدند گفتم بچه ام نیست خدایا چه کنم از خانمها پرسیدم بچه پیش شما ها نیست آنها گفتند ما به تو دادیم بهر حال راننده ملتفت شد کامیون را نگهداشت و خیلی ناراحت شد دو سه نفر از مسافرین راه خود را گرفتند و رفتند زیرا من گفتم باید برگردیم و بچه را پیدا کنیم بیچاره راننده میگفت من سال قبل برادر ۱۸ ساله خود را از دست دادم انقدر ناراحت نشدم بهر حال کامیون برگشت در راه تا صبح دو طرف کامیون را می دیدیم ولی یکمرتبه یک حیوانی را دیدیم از جلو چراغ ماشین گذشت گفتم خدایا شاید این حیوان بچه را از بین برده باشد و بار دیگر مرغ سفید بزرگی در حال پرواز بود بالاخره ژاندارمی از یک اطاق که در بیابان بود با طوع خورشید بیرون آمد راننده کامیون با آن ژاندارم صحبت کرد و بعد که آمد از او پرسیدم ای آقا چه خبر از بچه من داری گفت راحت باش بچهات صحیح و سالم الان در زاهدان است او کنار چاده بوده ماشینی در حال گذشتن و رفتن به زاهدان بوده یکنفر آن بالای ماشین بیدار نشسته بوده بچه را می بیند برداشته با خود میبرد داخل ماشین فقط یک زن در ماشین بوده که آنهم بچه کوچک شیری داشته و بچه را شیر میدهد و حالا شما بروید بچه را

و عذاب و شکنجه گردید بخصوص در زندان طهران رنج بسیار دید و در اثر زدن محکم بگوشش پرده گوشش پاره شد و ۲۳ ماه در آن زندان بود و سپس او را به زندان زاهدان منتقل نمودند و تا آخر حیات آنچا بود دوستان و همسرش به ملاقات او میرفتند.

به خاطر دارم که در ایام طفولیت که شش و یا هفت ساله بود پس از مراجعت از احتمالی که با حضور همه احبا زابل تشکیل شده بود هنگام شب در منزل در تخت خواب خود نشسته بود باو گفتم چرا نمیخواهی گفت میخواهم پدام منم میتوانم مثل سایر احبا محلی داشته باشم که با اشخاص غیر بهائی راجع با مر مبارک صحبت کنم گفتم البته انشاء الله خواهی توانست برای خود محلی داشته باشی خوشحال شد باری سر انجام قرار دادگاه که مدت‌ها قبل برای او صادر شده بود در روز ۹ می ۱۹۸۶ و در شب اول رمضان اجرا شد و او را بدارآویختند و پس از سه سال زندانی از متاعب روزگار فارغ و آزاد شد. در تشییع جنازه او که فردای آنروز انجام پذیرفت متجاوز از ۶۰۰ نفر شرکت نمودند که همه حالت توجهی مخصوص داشتند. این بود شرح مختصری از حیات فرزندم فدرس شبرخ که با قلمی ناتوان برشه تحریر در آمد.

توضیح زیر در مورد شهید مجید لازم بنظر میرسد. دوستان و آشنایانی که از مهد امرالله آمده اند بعضًا داستانهای از استقامت و شجاعت و اخلاص و مراتب فضیلت اخلاقی و عشق و علاقه مفرط شهید مجید با مر الهی بیان میدارند که کلاً حکایت از صفاتی درون و تقوی خالص آن نفس پاک در دوران حیات فانی مینماید روحش شاد و روشن در عالم باقی تابناک باد. ضمناً سرکار خانم عطائیه آزاده (نیک نفس) نیز شرح حال حیات فدرس علیه رضوان الله را تهیه و برای عندلیب فرستاده اند که تقریباً مطالبش با شرح حال مندرجه در فوق مطابق است از ایشان نیز متشکریم.

عندلیب

چون پدرش چاپخانه داشت دیگر کم کم به چاپخانه میرفت و با علاقه به کمک پدرش میپرداخت وقتی از زابل به زاهدان رفتیم که در آنجا اقامت کنیم پدرش قبل از ما حرکت کرد و بفردوس و برادرانش سفارش کرد دست به ماشینها نزند تا خودم بر گردم ولی من یکروز صبح به چاپخانه که آنطرف حیاط بود رفتم دیدم فدرس رفته زیر ماشین بزرگ چاپ نشسته بالباس کار و تمام لباسهایش چرب شده و دستهایش پر از روغن و پیچ‌های ماشین را باز کرده وقتی پدرش آمد گفت خودت باید بیندی و همین کا را هم انجام داد و ماشین را دو مرتبه بست. دوران دبیرستان را بخوبی در رشته ریاضی گذراند زیرا به برقیاضیات علاقه داشت و در تشکیلات امری بخدمات نیز مشغول بود و عضویت لجنات و محفل روحانی نیز مفتخر گردید و سپس با دختری روحانی بنام الهه متین ازدواج کرد و خداوند دو پسر به آنها عنایت فرمود بنام شمیم و شروین و چون همسرم شبرخ برای معالجه عازم خارج از وطن گردید همه کارها را باو سپرد و او الحق بخوبی از عهده برآمد چون بعد از مدتی چاپخانه توسعه یافت و بوضع مدرن کارهای چاپی انجام میشد و مراجعین هم نسبتاً زیاد بودند به همه کارها شرعاً رسیدگی میکرد و نیز در تشکیلات هم به خدمت مشغول بود و در موقع لزوم اگر کاری از دستش بر میآمد به احبا هم خدمت میکرد. در انقلاب اخیر ایران که عده از احبا گرفتار شدند او هم گرفتار شد و مدت سه ماه در زاهدان زندانی گردید و پس از آزادی از زندان روز بعد چند مامور به چاپخانه آمده و کلیدهای چاپخانه را گرفته و سپس منزل او را که در طبقه فوقانی بود نیز تصاحب کردند و خلاصه هر چه بود از دست او خارج شد پس از چندی به طهران رفت تا بهتر بتواند برای باز پس گرفتن اموال خود بمراجع مربوطه مراجعه کند ولی کسی به گفته‌های او توجهی ننمود و بالاخره باز در طهران دستگیر شد و بزندان افتاد و دچار رنج

تاریخ زرین شهادت

(از سرکار خانم اشرف حبیم پور)



شرح حال و شهادت خانم ایران حبیم پور علیها رضوان‌الله

مینماید و او اظهار میدارد که چون اطلاعاتش در مورد مسائل مذهبی کافی نیست ترجیح میدهد در حضور دبیران علوم دینی دبیرستانش بحث تبلیغی انجام شود لذا با اینکه تابستان بود دو نفر از دبیران را حاضر میکند مادرم نیز مرحوم سید عباس علوی را دعوت مینماید بحث آغاز می‌شود بعلت کمبود معلومات دبیران و اطلاعات وسیع جناب علوی جلسه با تسلط و حاکمیت کامل جناب علوی خاتمه می‌پذیرد ولی نظر به ضعف معلومات دبیران و بالنتیجه سکوت آنان نتیجه لازم از جلسه حاصل نمی‌گردد. باری پس از مسافت بخارج چندی بعلت جاذبه مظاهر مادی تمدن غرب و سپس تشکیل خانواده و تلقینات منقی همسر شعله استیاق اولیه در دلش خاموش میگردد و گاهی هم خواهران بهائی خود را بدليل اینکه دین آباء و اجدادی را ترک نموده اند " سست " عنصر می‌نامید.

پس از گذشت سالها بعلت بروخورد با مسائل و مشکلات زندگی مجدداً به مسائل معنوی و مذهبی

حاله عزیز و ارجمند شهیده مجیده سرکار خانم ایران حبیم پور (خرمائی) در دی ماه سال ۱۳۱۷ شمسی در خانواده ای مسلمان در طهران دیده به جهان گشود . او دختر چهارم خانواده ای بود که دارای ۵ دختر بودند . مادرم که دختر بزرگ این خانواده بود پس از ازدواج توسط مادر بزرگم (مادر پدرم) تبلیغ و در سال ۱۳۲۷ با مرد مبارک مومن شد . مادرم پس از اقبال به امر مبارک به تبلیغ خانواده مسلمان خود همت کماشت و از جمله با خاله شهیدم هنگامی که بیش از ۱۷ سال نداشت و عازم آلمان بود مسائل امری را مطرح کرد و او که دختری با هوش و کنگناو بود به دقت به صحبت های مادرم گوش میدهد و همان شب جناب طاهره (قره العین) را در خواب می‌بیند که با عظمت و جلال خاصی به جلسه ای که از اجتماع عده ای از اعاظم تشکیل شده بود وارد می‌شوند و همه باحترام و رود ایشان از جا بر میخیزند و ادای احترام می‌نمایند حضرت طاهره به طرف او آمده و دست روی شانه اش گذارده و می‌فرمایند " تو بنشین تو از خود ما هستی " با توجه باینکه در صحبت های تبلیغی با مادرم او تحت تاثیر شخصیت حضرت طاهره قرار گرفته بود این خواب تاثیر عمیقی در روح حساسش میگذارد فردای آن روز با حالتی منقلب خواب را برای افراد فامیل و مادرم تعریف میکند مادرم مجدداً بحث تبلیغی را آغاز

میگذارد و تا این تاریخ فعالیت برای گرفتن بچه به نتیجه نرسیده است . این کودک هنوز توسط هیچیک از فامیل رویت نشده است .

آخرین تماس تلفنی با ایشان توسط یکی از خاله های من که مسلمان و مقیم ایران است انجام گرفت که در جواب سوال اینکه کی آزاد می شوی اظهار داشته بود که محاکمه تمام شده و بزوی تکلیف روش خواهد شد و دیگر تلفن کردن لازم نیست و چون مدتی خبری نمی شود دوباره تلفن میکنند و این بار خبر وحشتناک اعدام او را میدهند . بقرار اطلاع او را در تاریخ ۲۲ اردیبهشت ۱۳۶۱ به جوخه آتش سپرده اند در حالیکه تا آن تاریخ حدود ۱۹ ماه در زندان بوده است .

خبر شهادت خاله عزیزم حدود نه ماه بعد بما رسید اورا نزدیک پایگاه وحدتی نیروی هوایی در دزفول به خاک سپرندند ولی مدفن واقعی او در خاک نیست بلکه در قلب ما و در قلب همه کسانی است که به شهادت و جانبازی در راه عقیده و ایمان به خداوند ارج می نهند .

او در زندگی شخصی انسانی برجسته و با اطلاع و اهل مطالعه بود و عکس های زیادی از او در حال گرفتن جائزه به مناسبت های مختلف موجود است . او توجه و استعداد خاصی در امور هنری داشت دقت و مطالعه عمیق و وسیعی در آثار مختلف ادبی و اجتماعی شایان توجه بوده و نظافت و سلیقه ایشان همواره تحسین همکان را بر می انگیخت . در سخت ترین شرایط همیشه لبخند بر لب داشت و شکایت نمی کرد . آرزوی بزرگ او زیارت ارض اقدس بود و چون انجام چنین مسافرتی از ایران امکان نداشت طی نامه ای از مادرم تقاضا می نماید که ترتیب زیارت او از طریق اروپا داده شود مادرم تقاضای او را بر آورده می نماید و جریان را

گرایش پیدا میکند و طبق اظهار خودش در محرم سال ۱۳۵۶ روز شهادت حضرت امام حسین احساس دلتنگی شدید می نماید و برای اینکه در منزل فامیلهای مسلمانش مواجه با مراسم عزاداری نشود بمنزل یکی از خواهرهای بهائی خود میرود و چون آنان را مشغول تلاوت زیارت نامه حضرت سیدالشہدا می بیند منقلب شده و مراتب ایمان خود را به خواهر بزرگش (مادرم) ابراز میدارد و از آن پس به توصیه مادرم با پشتکار و علاقه شدیدی بمطالعه آثار مبارکه امری و از بر نمودن آنها می پردازد و چون متوجه اشاره تائید آمیز حضرت عبدالبهاء نسبت به زبان اسپرانتو شده بود با مخاطن این زبان نیز همت می گمارد . و سر انجام تقاضای تسجیلش که با بی صبری منتظر تصویب آن بود در سال ۱۳۵۷ شمسی پذیرفته میگردد .

او چندین سال پیش از تصدیق امر از همسر اولش جدا شده بود و پس از تصدیق علاقه زیادی داشت که دو دختر خود را که با پدرشان زندگی میکردند با خود به مدرسه پنج گنی هندوستان ببرد و چون باین منظور توفیق نیافت برای مهاجرت به اندیمشک رفت و آنجا خانه خود را مرکز فعالیت های امری و تشکیل جلسات قرار داد و شب و روز فکری جز خدمت نداشت . از پائیز ۱۹۸۰ رابطه مکاتباتی ما با او اقطع میشود و پس از تحقیقات زیاد معلوم میشود که عده ای به خانه شان ریخته و ضمن ضبط تمام مایملک او را با تفاق شوهر دومش که بیش از دو ماه از ازدواجشان نمی گذشت دستگیر می کنند و وقتی فامیلهای مسلمان برای رهائیش فعالیت میکنند جواب می شنوند که او باراده خود در زندان مانده است و اگر تبری کند فورا آزاد می شود و تمام اموال خود را پس خواهد گرفت پس از ۷ ماه که از دوره زندانی بودنش میگذشت صاحب پسری میشود که نامش را کامیار

می یابد و بتدریج کیفیت ترهیبی خویش را از دست می دهد . لذا جامعه شناسان ، جرم شناسان ، متخصصان تعلیم و تربیت و کارشناسان حمل و نقل بمنظور پیشگیری و باز داری از رفتار مجرمانه ناشی از شرب مسکرات رانندگان وسائل نقلیه اخیرا با تائید لزوم وجود مقررات بازدارنده جزئی به نقش تربیت بمراتب بیش از پیش توجه نموده اند . بدینهی است در میان انواع تربیت ، نقش تربیت روحانی بسیار بارز تر است و تغییرات بنیانی در رفتار آدمی پدید می آورد . در باب تأثیر تربیت روحانی در پیشگیری و بازداری از رفتار مجرمانه در پژوهش دیگری سخن رفته است لذا در اینجا تنها بر این نکته تاکید می شود که تطهیر جامعه از جرائم ناشی از الکل تنها از طریق حرمت شرب آن حاصل می شود . بدینهی است که پیچ و تاب بحث بسیار و پذیرش این آرمان در زمانی که بشریت آسوده به شرب مسکرات است دشوار است . ولکن بتدریج نسل های مهذب آتی (چون اهل بها در عصر حاضر) براثر تربیت روحانی و با توجه به مضرات و خطرات ناشی از شرب مسکرات برای همیشه این سوم و مهلهکات را فراموش و نصایح قلم اعلى را آویزه گوش خواهند نمود .

طی نامه ای برایش می نویسد ولی هیچگاه جوابی باین نامه نمیرسد که بعدا معلوم میشود که در زندان بوده است .

نکتهای که قلب و روح را منقلب می سازد اینست که با اینکه دوران زندگی ایشان از تاریخ تصدیق امر تا دوران گرفتاری بسیار کوتاه بوده است و طی این دوران کوتاه او آنچنان شخصیتی پیدا کرد که توانست با وجود باردار بودن شیر دادن طفل نوزاد و عدم ملاقات یک نفر از فamilie و احباء دوران ۱۹ ماهه زندان را در نهایت بردباری و استقامت تحمل نماید و در اینجا سخاوبی که در سن ۱۷ سالگی دیده بود و حضرت طاهره باو فرموده بودند " تو از خود ماهستی " معلوم میگردد .

تأثیر روح پاک آن شهید پاکباز سبب ایمان دو دخترشان گردید در جلسه تذکری که بیادش در استانبول ترکیه منعقد گردید نفس مبارکی بشرف ایمان فائز شد .
روحش شاد و روانش تابناک باد .



خواستگان گلامر دشترکن عزیز

بطوپرداز تحریر این شماره عذرلیب آخرین شماره میشود سال هفتم است بمناسبت اولین هشتاد کارلا
هر چه زودتر تکمیل داعای عزیز فرمایید تا در ارسال محمد سال هشتم تا خیر رخ نمهد .

با تقدیم تجیات بجهانی
عذرلیب

اطلاعیه مکتمل

نظر باينكه در تهيه شماره آينده كتاب " عالم بهائي " شرح حال و عکس شهدای اخیر امرالله مورد نياز است لذا حسب الامر معهد اعلى که بواسطه دارالانساء ابلاغ گردیده از ياران ايران خصوصا فاميل و بستگان آن جانبازان فداکار خواهشمند است فقط شرح حال و خدمات و عکس شهدای نامبرده در زير را که اسامي آنان از ليست ارسالي دارالانساء مجّله معهد اعلى نقل گردیده بطريقى مقتضى تهيه و مستقیما و يا بواسطه اين هيئت بارض اقدس ارسال فرمایند که موجب تشکر است .

ضمانتا يادآور ميشود که در مقابل اسامي اگر کلمه كامل نوشته شده بدین معنى است که شرح حال موجود است ولی كامل نیست و اگر فقط عکس نوشته شده منظور اينست که عکس شهيد مجید مورد نياز است .

اسامي شهدای سال ۱۹۷۸

- | | |
|---------------|---------------------------|
| عکس و شرح حال | ۱ - جناب احمد اسماعيلي |
| شرح حال كامل | ۲ - جناب شير محمد دست پيش |
| شرح حال | ۳ - خانم آود گل فهندز |
| شرح حال | ۴ - جناب سيف الله فهندز |
| عکس و شرح حال | ۵ - جناب خسرو افناي |
| عکس و شرح حال | ۶ - جناب پرويز افناي |

اسامي شهدای سال ۱۹۷۹

- | | |
|---------------|-----------------------------------|
| عکس | ۷ - جناب ابراهيم معنوی |
| عکس و شرح حال | ۸ - حاج محمد عزيزي |
| عکس و شرح حال | ۹ - جناب غلامحسين اعظمي |
| عکس | ۱۰ - جناب علي اكير معيني |
| شرح حال | ۱۱ - جناب بدیع الله یزدانی |
| عکس و شرح حال | ۱۲ - جناب حسن اسماعيل زاده |
| شرح حال كامل | ۱۳ - جناب یوسف سبعهاني |
| شرح حال كامل | ۱۴ - جناب یدالله آستانی |
| عکس و شرح حال | ۱۵ - جناب علي داداش اکبری |
| عکس و شرح حال | ۱۶ - جناب ذبیح الله مومنی |
| شرح حال كامل | ۱۷ - جناب محمود حسن زاده |
| شرح حال كامل | ۱۸ - جناب عبد الوهاب کاظمي منشادي |
| شرح حال كامل | ۱۹ - جناب جلال مستقيم |
| شرح حال كامل | ۲۰ - جناب علي مظہري |
| شرح حال كامل | ۲۱ - جناب بهروز سنائي |

اسامی شهدای سال ۱۹۸۱

- | | |
|--------------------|-----------------------------------|
| شرح حال کامل | ۲۲ - جناب مهدی انوری |
| شرح حال | ۲۳ - سرکار خانم نورانیه یارشاстр |
| شرح حال کامل | ۲۴ - جناب احسان الله مهدی زاده |
| شرح حال کامل | ۲۵ - جناب فرهنگ مودت |
| عکس و شرح حال کامل | ۲۶ - جناب ورقاء تبیانیان |
| شرح حال کامل | ۲۷ - جناب کمال الدین بخت آور |
| شرح حال کامل | ۲۸ - جناب نعمت الله کاتب پورشهیدی |
| عکس و شرح حال کامل | ۲۹ - جناب عبدالعلی اسدیاری |
| شرح حال | ۳۰ - جناب حسین اسدالله زاده |
| شرح حال | ۳۱ - جناب مهدی باهری |
| شرح حال | ۳۲ - جناب دکتر منصور دخیلی |
| عکس و شرح حال کامل | ۳۳ - الله وردی میثاقی |
| عکس و شرح حال کامل | ۳۴ - جناب حسین رستگار نامدار |
| شرح حال کامل | ۳۵ - جناب بهمن عطیفی |
| شرح حال کامل | ۳۶ - جناب عزت عطیفی |
| عکس و شرح حال | ۳۷ - جناب گشتاسب ثابت راسخ |
| شرح حال کامل | ۳۸ - جناب یدالله سپهر ارفع |
| شرح حال کامل | ۳۹ - جناب دکتر محمود مجذوب |
| شرح حال کامل | ۴۰ - جناب قدرت الله روحانی |
| شرح حال | ۴۱ - جناب دکتر سیروس روشنی |

اسامی شهدای سال ۱۹۸۲

- | | |
|--------------------|--|
| شرح حال | ۴۲ - اسکندر عزیزی |
| شرح حال کامل | ۴۳ - سرکار خانم شیوا محمودی (اسدالله زاده) |
| شرح حال کامل | ۴۴ - جناب فتح الله فردوسی |
| عکس و شرح حال | ۴۵ - جناب خسرو مهندسی |
| عکس | ۴۶ - جناب ابراهیم خیر خواه |
| عکس و شرح حال | ۴۷ - جناب کورش طلائی |
| عکس | ۴۸ - جناب عسکر محمدی |
| عکس و شرح حال | ۴۹ - جناب عزیز الله گلشنی |
| عکس و شرح حال کامل | ۵۰ - آگاه الله تیز فهم |
| شرح حال | ۵۱ - سرکار خانم جلالیه مشتعل اسکوئی |
| شرح حال | ۵۲ - جناب نصر الله امینی |
| شرح حال کامل | ۵۳ - جناب محمد منصوری |
| شرح حال | ۵۴ - جناب علی نعیمیان |
| عکس | ۵۵ - سرکار خانم گلدانیه علی پور |

اسامی شهدای سال ۱۹۸۳

- | | |
|--------------|------------------------------------|
| شرح حال کامل | ۵۶ - جناب هدایت الله سیاوشی |
| شرح حال | ۵۷ - سرکار صنم طوبی زائر پور |
| شرح حال کامل | ۵۸ - جناب بهرام افنان |
| شرح حال کامل | ۵۹ - جناب عنایت الله اشراقی |
| شرح حال | ۶۰ - جناب جمشید سیاوشی |
| شرح حال | ۶۱ - جناب بهرام یلدائی |
| شرح حال کامل | ۶۲ - سرکار خانم عزت جانمی اشراقی |
| شرح حال | ۶۳ - سرکار خانم مهشید نیرو مند |
| شرح حال | ۶۴ - جناب سهیل هوشمند |
| شرح حال | ۶۵ - سرکار خانم نصرت غفرانی یلدائی |
| شرح حال | ۶۶ - جناب احمد علی ثابت سروستانی |
| شرح حال | ۶۷ - جناب محمد اشراقی |
| شرح حال | ۶۸ - جناب اکبر حقیقی |
| شرح حال | ۷۰ - جناب بهمن دهقانی |

اسامی شهدای سال ۱۹۸۴

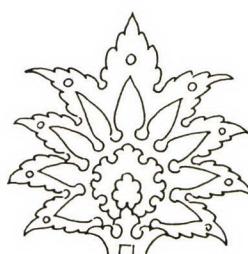
- | | |
|--------------------|-----------------------------|
| شرح حال کامل | ۷۱ - جناب نصرت الله ضیائی |
| عکس و شرح حال کامل | ۷۲ - جناب اسدالله کامل مقدم |
| عکس و شرح حال | ۷۲ - جناب علی رضا نیاکان |
| عکس | ۷۳ - جناب دکتر فرهاد اصدقی |

اسامی شهدای سال ۱۹۸۵

- | | |
|--------------------|--------------------------|
| عکس | ۷۴ - جناب روح الله حصوري |
| عکس و شرح حال کامل | ۷۵ - نورالدین طائفی |

اسامی شهدای سال ۱۹۸۶

- | | |
|--------------|---------------------------|
| شرح حال کامل | ۷۶ - جناب فرید بهمردی |
| عکس | ۷۷ - جناب حبیب الله مهندی |



زیبی سرخ

آشگی ای حسنهای روشن من	چشم عبد البهاء، به سوی شاهت	در دل طعن کوچکی چون من	آزر و نی بزرگ نزل داشت
در صفاای بہشت خداش	درو دیوار پر زنور خدا است	عشق درین خسته آن پاپیز	پدر شادی خرمی میکاشت
*** مهربانانه آن بہشتی روی	زیبی چید و پیش من آورد	خواهشمن از خدا ای خود آن بود	که میبینیم جمال جهان را
شست از ما در ای جان دلم	زنگ اندوهه رنگت ماتم در دو	تا کنم درک با صدمه خردی	محفل گرم نکته دانان را
خواست تازیب سینه ام *** آن گل پاک بچو برف سپید	آن گل پاک بچو برف سپید	تن و جام رشوق لجندش	چو مرغ از قفس رها میشد
در شب و تاب این گل آرایی	میش سوزن به دستهای خلیه	چه سر در و شف چه را میشد	چه گنجوم که در دل مشتاق
از نمر انگشت پر عطوفت او	قطره ای چند خون ببریون گفت	در حیرم شکوه بخت حیال	روی او شادمانه میدیدم
ناله سرخ آن دم اطره *** با سپیدی گل هم تمحیت	گفت با خنده طمعت محبوس	وزگستان عالم آرایش	گل نوشین جوانه نیچیدم
گفت با خنده طمعت محبوس	کی ترا از حریر پیاره ایم	*** هر زمان روح کو دکانه من	یاد لطف و صفاتی او میکرد
زیبیت سرخ شد دلت خون	این بود آنچه خواستی از من؟	زیبیت سرخ آزر و میکرد	هدیه از دستهای پر هرث
آزر و می چونه داشتی؟	تو بایلوں فرشته خندان	*** آخر الامر آسمان بخشید	به من آنرا که بود آنالم
حاجت هر نیاز من برآر	ای سبب ساز آزر و من ان	با زشد سوی او پر دالم	به حضورش رسیدم و از سوی

شہیر عربی

بین شایل تو شمع خانقاہ من است	هر آنکه نسیم گزندار آن لخاہ من است
اگرچه غرق گناہ مم لمی بروز جزا	نم با من تو دست کان پناہ من است
گه نمازو دعا نے تو در بر بدل	جمال حضرت امروز قبله کاہ من است
”اگر عنایت تو دست یکسر من گرد“	چغم از آنچہ که در مہ سیاہ من است
فدای نام تو گردم که ذکر آن ہمہ ر	دعای شاگہمان، و روچلاہ من است
بجز رضای تو هم یچ آزو نیت	خدای عشق براین مدعای کواہ من است
تو درس بندگی آموختی بحق تجان	کو د طریق طلب حج پر چراغ راه من است
مرا نیاز بپاشد پکسب جاہ وجہال	وفا بعد تو اوج جلال جاہ من است
قدم خلاف رضای تو گر نہم زوری	دعای نیمه شب ایدوت خواہ من است
بیا و وانگدارم بخود که و رحمہ حال	
امید لطف تو دارم که تکیہ کاہ من است	

جبر و اختیار

اختیاراتی با و تفویض کرده است و برای اثبات عقیده خود بایاتی دیگر استناد مینمودند مانند :

• لیس للاسان الا ماسعی . (۵) یعنی نیست برای انسان چیزی جز آنچه کوشید یا " من یعمل مثقال ذرہ خیراً یره و من یعمل مثقال ذرہ شراً یره " (۶) یعنی هر کس ذره ای خوبی یا بدی کند آنرا خواهد دید . رپا " من عمل صالحًا فلنفسه و مَنْ أَسَاءَ فعليها " (۷) و " مارِبِك بظلام للعَبِيد " (۸) یعنی هر کس عمل نیکی انجام داد بنفع اوست و اگر بدی کرد بر ضرر خود اوست و خدایت پریندگان ستم نمیکند . یا " ان الذين قالوا ربنا الله بعد ثم استقاموا تتنزل عليهم الملائكة " (۹) یعنی کسانیکه گفتند پروردگار ما خداست و پایداری نمودند فرشتگان تائید بر آنها فروآید و یا " كُلُّ نفس بما كسبت رهينه " (۱۰) یعنی هر کس در گرو کاری است که انجام داده .

لهذا امور و اختیار کارها بدست خود انسان سپرده شده در خوب یا بد مختار است و میتواند با سعی و دقت در کارها امور زندگی و جریانش را بنفع خود دنبال کند و یا بعلت غفلت و سهل انگاری تباہ نماید .

از این دو گونه تضاد عقیده افرادی بنفع خود استفاده سیاسی و اجتماعی میکردند و عوام الناس را بسود خویش تحریک و یا تشویق مینمودند و یا ساكت و آرام میکردند . مثلا

مساله جبر و اختیار که حضرت عبدالبهاء آنرا از امهات مسائل الهیه و بسیار غامض " (۱) ذکر فرموده اند . در تمام ایام تاریخ گذشته اسلام مورد بحث و گفتگو بوده است و هر دو عقیده بموازات یکدیگر در بین فرق و مذاهب اسلام پیروانی داشته و هر کدام برای اثبات عقیده خود بایاتی از قرآن کریم استناد میکردند و استشهاد مینمودند و به بحث و جدال حتی بجنگ و قتال میپرداختند . مهترین پیروان این دو نظریه اشاعره و معتزله بوده اند .

معتقدان به جبر یعنی اشاعره میگفتند چون در قرآن مجید آیاتی مدل براین عقیده است مانند : " قُلْ كُلُّ مَنْ عَنِ الدُّلُّ " (۲) یعنی همه

چیز از نزد پروردگار است **قل اللهم مالك توقي الملك من نشاء و تنزع الملك من نشاء تعز من تشاء وتذل من تشاء** " (۳) یعنی بگو پروردگارا پادشاهی و عزت و ذلت تراست بهر کس بخواهی میدهی و از هر کس بخواهی میگیری . و یا **قل ربى يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَن يَشَاءُ و يَقْدِرُه** " (۴) یعنی بگو پروردگار من روزی هر کس را که بخواهد وسعت و گشايش میدهد و هر که را بخواهد کم میکند . و بسیاری از آیات دیگر که نظیرش در قرآن فراوان است . لذا جریان و عنان امور جهان همه در قبضه قدرت خداوند عالمیانست و انسان در برابر مشیت غالبہ قاهره پروردگار آلت و وسیله ای بیش نیست و حق چون و چرا و اعتراض ندارد .

در مقابل آنها پیروان عقیده اختیار یعنی معتزله میگفتند خداوند انسان و جهان را آفریده و

گر مرا شکر کند شیرین شوم
 ور مرا حنظل کند پرکین شوم
 من چو کلکم در میان اصبعین (دوانگشت)
 نیستم در صفت طاعت بین بین
 ولی در جائی دیگر مثنوی مفصل تر در این
 موضوع و نکات و ابعاد مختلفه آن موشکافی
 نموده و انسان را در اعمال خود مختار و
 مسئول دانسته و میفرماید :
 هیچ عاقل مر کلوخی را زند ؟
 هیچ با سنگی عتابی کس کند ؟
 در خرد جبر از قدر رسواتر است
 چونکه جبری حس خود را منکرت
 جمله قرآن امرو نهی است و وعید
 امر کردن سنگ را هرگز که دید ؟
 جمله عالم مقر در اختیار
 امر و نهی این بیار و آن میار
 اینکه گوئی این کنم یا آن کنم
 این دلیل اختیار است ای صنم
 گر چه گاهی اگر در ارتکاب جرائم روانکاوی و
 تحقیق دقیق بعمل آید مسلم میگردد که عدم
 تربیت و محیط زندگی موجب جرم و خطای مجرم
 گشته ولی مجازات و قصاص بجای خود باقیست
 زیرا خیمه نظم عالم به دو ستون قائم و
 برپاست مجازات و مكافات . (اشرافات
) و در قرآن " ولکم فی القصاص حیوة یا
 اولی الاباب " نازل گردیده . (بقره آیه
 ۱۷۵)

در پایان سخن و بحث ها نه جبری دست از
 عقیده خود برداشت و نه معتقدین باختیار
 توانستند طرف مقابل را قانع کنند . و این
 دو طریقه هر یک در راه افراط و تفریط بهجهتی
 از موضوع توجه نموده اند و از جهات دیگر
 غافل گشته اند . مولوی نیز برای پایان بحث
 میگوید :

در غزل جبر و قدر هست از این دو بگذر
 زانکه از این بحث بجز شوروشی می نشود

خلفای بنی امیه و بنی عباس اکثرا از طریقه و
 عقیده اشاعره و جبر پیروی میکردند و از آن
 استفاده میبردند و آنرا پشتیبانی میکردند و
 میگفتند اگر خلافت نصیب ما شده و ما خلیفه
 پیغمبریم و امیرالمؤمنین هستیم اراده الله و
 مشیت او چنین خواسته است و با آیه شریفه
 " توqi الملک من تشا ..." و آیه " اطیعوا
 الله و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم
 ۴/۶۳ " استناد مینمودند .

در برابر آنها مخالفینشان یعنی پیروان اولاد
 حضرت علی علیه السلام نیز با استشهاد بآیاتی
 دیگر میگفتند باید کوشید و خلافت و قدرت را
 از دست غاصبین آن گرفت و حق را به مستحق
 سپرد زیرا در قرآن کریم بسعی و کوشش توصیه
 شده و آیات نظیر " لیس للانسان ..." و
 امثال آنچه قبل ذکر شد . مثلا حافظ گفته
 است :

رضا بداده بده وز جبین گره بگشا
 که بر من و تو در اختیار نگشاد است
 چو قسمت ازلى بى حضور ما کردند
 گر اندکی نه بوقق رضاست خرده مگیر
 ولی گاهی نیز از این نظر و عقیده عدول نموده
 و گفته است :

چرخ بر هم زتم ار جز بمرادم گذرد
 من نه آنم که زیونی کشم از چرخ و فلك
 اما مولوی علیه الرحمه اگر چه بطريق جبری
 ابیاتی سروده مانند :

او به صنعت آزر است و من صنم (بت)
 التي کو سازدم آن می شوم
 گر مرا ساغر کند ساغر شوم
 ور مرا خنجر کند خنجر شوم
 گر مرا چشمہ کند آبی دهم
 ور مرا آتش کند تابی دهم
 گر مرا ماری کند زهر افکنم
 ور مرا یاری کند مهر افکنم

از روایت مزبور نموده بعربی جواب فرموده اند
. مضمون بیان مبارک بفارسی مختصرًا چنین
است :

"قدرت قدیمه الهیه محرك آفاق و قلوب و
ابصار است و انچه در افعال انسان دخالت
دارد اراده و میل و قابلیت و استعداد اوست
. بشر و شجر هر دو باراده الهیه در حرکتند
اما بین حرکت انسان و حرکت شجر فرق بسیار
است زیرا حرکت انسان با اختیار و اراده است
و حرکت شجر باجبار و عدم اختیار اما محرك
هر دو خداوند عزیز جبار میباشد . اینست
معنی لاجبر و لاتقویض ولا کره و لاتسلیط بلکه
امری بین این دو امر " (۱۵) و در عبارتی
دیگر میفرمایند :

"هرگاه بدقت در جمیع کائنات و اشیاء
عالی انسان و حیوان و اجسام بنگری در
آنها حرکت را خواهی دید اما فرقست بین
حرکت شجر و بشر زیرا حرکت بشر باراده
خود اوست لذا لاجبر " و ما ظلمنا هم
ولکن کانوا انفسهم يظلمون " (ما بانها
ظلم نکردیم لکن آنها بخود ظلم نمودند)
"لاتقویض " زیرا محرك کل خداوند است
"قل کل من عند الله " اینست امر بین دو
امر (۱۶)

در مثل دیگر میفرمایند : "کشتی را محرك
قوه باد و قوه بخار است و اگر این قوت
منقطع ابداء حرکت نتواند با وجود این
سکان کشتی بهر طرف متمایل قوه بخار
کشتی را بآن سمت راند ... همچنین
جمیع حرکات و سکنات انسان مستمد از
مدد رحمن است ولکن اختیار خیر و شر
راجع با انسان ."

مثالی دیگر : قدرت و نفوذ حاکم از پادشاه
است ولی حاکم باید بر طبق قانون و عدل رفتار

و در بحث مثنوی آخر الامر سخن را بدین
بیت خاتمه میدهد :
در میان جبری و اهل قدر
همچنین بحث است تا حشرای پسر

البته حشر بمعنى برانگیختن و گرد هم آمدن و
کنایه از قیامت و روز رستاخیز است و آن
روزی است که مردم بشریعت جدید دعوت
میشوند و روایت " اذاقام القائم قامت
القيامة " و آیه کریمه " يوم ياتی ربک او
بعض آیات ربک " (۱۰) و " يوم يقوم
الروح " (۱۱) که در باره ساعه و قیامت
است مؤید آن میباشد . در حقیقت ، هر
ظهوری و قیام هر پیغمبری قیامت و حشر آن
عصر است چنانچه حضرت مسیح نیز فرموده " من
قیامت و حیات هستم هر که بمن ایمان
آورد اگر مرده باشد زنده گردد " (۱۲)
بهظور قائم و قیام روح که کنایه از رجعت
حضرت مسیح و يوم نباء عظیم است قیامت
موعد فرا رسید و حقایق مبهمه کتب مقدسه و
مسائل غامضه روشن و حل گردید . ختم رحیق
مختوم با تأمل قدرت مظہر الهی مفتوح شد و
متشاپهات آیات کتب تاویلش تبیین گردید .
مسائلی که " لم یَطْمَئِنُّ قَبْلَهُمْ أَنْسٌ وَ لَاجَانَ " (۱۴)
یعنی احدی از جن و انس قبل از آن
بدان دست نیافته بودند . معلوم و میرهن شد
از جمله مسائل غامضه و مبهمه مساله جبر و
اختیار است .

روایت موجز و مبهمی از ائمه اطهار علیهم السلام
نقل شده که فرموده اند : " لاجبر و لاتقویض
بل امر بین الامرين " یعنی نه جبر است و نه
تفویض بلکه امری بین این دو امر است ولی
توضیح و تفصیل آن در آثار و الواح این ظهور
اعظم بیان گردیده از آن جمله در صفحه ۱۷۴
کتاب مفاوضات مشروحا در این موضوع بحث
فرموده اند و همچنین در کتاب مائده آسمانی
جلد پنجم در جواب جانب ملا یوسف که سؤال

نماید بسوزاند یا برویاند " زیرا هدایت نفوس بفضل و موهبت الهی است و بر رسولان پیام باشد و بس " و ما علی الرسول الالبلغ المبین " (۱۸)

در روایات تفاسیر قرآنیه آمده که برای هدایت ابوجهل که از بزرگان عرب بود (بوالحکم نامش بد و بوجهل شد) پیغمبر اسلام دعا میکرد که خدایا او را براه خود هدایت کن آیه ۵۷ سوره قصص نازل شد که ای پیغمبر هر کس را که تو بخواهی مُومن نمی شود بلکه هر کس را که خدا بخواهد هدایت میگردد .

حتی برای بعضی از افراد میفرماید : " ما در جلو و عقب آنها سَّ و مانع قرار دادیم و آنها را در پوشش پوشاندیم که حقیقت را نمی بینند " (یس آیه ۹)

در اینجا شاید بعضی از افراد بگویند اگر هدایت با خداست و حجاب و مانع را نیز خدا بر دل و چشم و اندیشه انسان می افکند جبر است و اگر او مُومن نشود مقصراً نیست و گناهی ندارد .

اگر چه این دو گونه آیات که بعضی بر جبر و بعضی بر تفویض و اختیار دلالت دارد بظاهر متناقض مینماید ولی در حقیقت مکمل یکدیگرند و باید با هم مورد توجه باشد و هر یک در جهتی از موضوع ذکر شده باید آیات الهی را از همه جهات و مجموعاً در نظر گرفت . مثلاً در آیه امریه " كُلُوا و اشربوا " نهی " ولا تسرفوا " و در نفی " لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ " و در نهی " لَا تَقْرِبُوا الصَّلَوةَ " شرط " و انتم سُكَارَى " را هم باید در نظر داشت .

در عین اینکه همه امور باراده و مشیت حق منوط است از جهتی نیز باعمال ما مربوط میشود . تائیدات الهیه طائف حول اقدام ماست . اعمال ماست که گاهی سبب جلب تائید و گاهی

نماید اما اگر ظلم روا دارد مسئول است و البته پادشاه از ظلم بیزار است و اگر عدل و انصاف و قانون را رعایت نماید پادشاه از او راضی و خورسنده خواهد بود و حکومتش دوام خواهد یافت چنانچه در حدیث اشاره شده که الملک بیقی مع الكفر و لا بیقی مع الظلم (کشور و هر شاهی و کشور داری با کفر دوام خواهد یافت ولی با ظلم پایدار نخواهد بود) زیرا خداوند قسم یاد نمود که از ظلم احدی نمی گذرد .

همچنین میفرمایند : " سکون و حرکت موقف به تائید حضرت یزدانست اگر مدد نرسد نه برخیر مقترن و نه بر شر توانا ... و اگر مرد منقطع گردد بکلی عاجز ماند اینست که در کتب مقدسه ذکر تائید و توفیق الهیست " (۱۷)

در روش تبلیغ و هدایت نفوس مثالی از قانون و شیوه کشاورزی ذکر شده که کاملاً تطبیق دارد و آن اینست که مبلغ باید مانند باغبان ابتدا زمین را پاک و مستعد نماید سپس بذر سالم در آن بیفشارند و از آفات محافظت نماید و آبیاری و مراقبت منظم را از آن دریغ ندارد تا بشمر رسد . اما تابش آفتاب و ریزش باران که در رشد گیاه بینایت موثر است و اهمیت دارد در دست کشاورز نیست و از قدرست و تسلط او خارجست و باید توکل بحق نماید و فیض و برکت از او بخواهد و این همان تائید و فضل الهی است که باید پیوسته شامل حال انسان و همه موجودات باشد تا بقا و حیات مستمر گردد .

تکیه بر تعوی و دانش در طریقت کافریست راهرو گر صد هنر دارد توکل بایدش حضرت بهاء الله در لوح پارسی مانکچی صاحب میفرمایند : " ای دوست زمین پاک دیدیم تخم دانش کشتمیم دیگر تا پرتو آفتاب چه

بآن عرصه هرگز قدم نگذارد زیرا غیبت سراج منیر قلب را خاموش نماید و حیات دل را بسیراند . در صورتیکه غیبت صوی بیش نیست . یا در کلمات مکنونه میفرمایند : " قلبي که در آن شائبه حسد باقی باشد البته بجبروت باقی من در نماید و از ملکوت تقدیس روائع قدس نشند " و در اول کلمات مکنونه عربی قلبی پاک و نیکو و روشن توصیه شده است . حضرت عبدالبها جل ثنائه دروغ را بدتر از کفر دانسته اند و سیئات کذب را افزونتر از آن و همچنین امانت را بهتر و بالاتر از جمیع اعمال حسنہ شمرده اند . در لوح حکمت از قلم اعلى بمومینین چنین امر و تذکری در کمال اختصار و جامع گوشزد گردیده " کونواوی الطرف عفیقاً وفى اليـد امـيـتا و فى اللـسان صـادـقاً و فى القـلـب مـتـذـكـراً " حضرت ولی امرالله عزّ مقامه نیز برای جلب تائید و توجه توصیه فرموده اند که اوقات دعا و مناجات را نباید فراموش کرد و از تاثیرات مهمه آن غافل بود .

مزده : اخیرا ناشر نفحات الله جناب موهبت الله هائی کتابی بنام " آنچه کند او کند " تالیف نموده اند و اکثر نصوص الهی را از کتب امری در این موضوع مهم در آن کتاب نقل فرموده اند دوستان عزیزی که میخواهند در این باره اطلاعات بیشتر و کاملتری بدست آرند بآن کتاب نفیس مراجعه فرمایند .

- ١ - مفاوضات ص ١٢٤
- ٢ - قرآن ٤/٨١ - ٣ ٤/٢٦ - ٤ ٣/٦٣ - ٥ ٢٩/٤٣
- ٨ ٤١/٤٢ - ٧ ٩٩/٨ - ٦ ٥٣/٤١ -
- ١١ ٤١/٣١ - ١٠ ٢٤/٤٢ - ٩ ٤١/١٧٥ - ١٠ ٢٤/٤٢ - ٦ ١٦٠/٢٩ - ١٣ ٢٩/٣٨ - ١٢ ٦/١٦٠
- ١٥ ١٤ ٢٥ - مائدہ اسمانی ٥ ص ١٠٤ - ١٦ ١٠٣ - مفاوضات ص ١٢٥ - ١٧ ٢٩/١٨ - ١٨ ٤/٤٧ - ١٩ ٧/٣٠ - ١٨

موجب سلب تائید میگردد . این مطلب را میتوان تشییه کرد بکار استاد و شاگرد که رد یا قبول دانش آموز منوط باراده و قلم استاد است ولی تصمیم و حرکت قلم استاد مربوط به فعالیت و وضع خود شاگرد و امتحانات اوست ممکن است گاهی ارفاق معلم مانند فضل الهی شامل حال گردد ولی نباید بامید ارفاق و لطف و محبت استاد شاگرد در وظائف و انجام تکالیف خود قصور نماید .
لطف حق باتو مدارها کند
چونکه از حد بگذرد رسوا کند (مولوی)

اغلب افراد بجای اینکه در گرفتاریها و تصادفات بجستجوی علل بپردازنند فوری جیری میشوند و بدون تأمل و فکر میگویند خدا اینطور خواست و گناه تقصیر و تسامح و سهل انگاری خود را بگردن خدا میاندازنند و خود را تبرئه میکنند و یا عبارت عرفانی زیبا و عمیق " آنچه کند او کند " را ندانسته و بیجا ذکر میکنند .

حضرت بهاء الله جل ذکره الاعلى در سوره العدل میفرمایند : " ايـاكـ انـ تكونـ مثلـ الذـي زـينـاهـ بـطـراـزـ الاسـماءـ فـىـ مـلـكـوتـ الاـنشـاءـ فـلـما نـظـرـالـىـ نـفـسـهـ وـ اـعـلـاءـ اـسـمـهـ كـفـرـبـالـلـهـ الذـي خـلـقـهـ وـ رـجـعـ منـ اـعـلـىـ المـقـامـ الـىـ اـسـفلـ السـافـلـينـ " يعني مبادا اینکه تو نیز مانند کسی باشی که چون او را بزیست اسماء الهی مانند عزت و قدرت مزین نمودیم بخود و علو اسمش نگریست و بخدائیکه او را آفریده بود کافر شد و از بالاترین مقام به پست ترین درجه سقوط نمود .

نه تنها رفتار بلکه اندیشه و خلقيات نیز در ایمان و کسب فیض الهی مؤثر است چنانچه در کتاب مستطاب ایقان حضرت بهاء الله جل اسمه الاعز میفرمایند : " غیبت را ضلالت شمرد و

اوّل‌ام حبّای شرق و غرب

- ۳ - محیط آزمایش در طرف چپ
- ۱ - ۳ - حرارت باعث سرعت واکنش میگردد و جسم C بیشتر تولید میشود .
- ۲ - ۳ فشار در اکثر موارد باعث تسريع واکنش میگردد و جسم C بیشتر تولید میشود
- ۳ - ۳ حدت اتم ها به یکدیگر و افزایش برخورد سرعت واکنش را تسريع میکند .
- ۴ - جمع شدن (کواگولاسیون) سرعت واکنش را کم میکند و جسم C کمتر تولید میگردد
- ۵ - زمان واکنش همانطوریکه ذکر شد جسم A دارای خصوصیات مخصوص به خود است که شاید کاملاً با جسم B فرق داشته باشد و جسم B هم همینطور ، ولی قصد ما این است که جسم A با B واکنشی داشته باشد به نحویکه واکنش در جهت چپ به راست حرکت بکند و حتماً جسم C را تولید کند تا از تولید جسم C به اثرات مورد نظر نائل گردیم .

در اینجا کاتالیزور در عین اینکه در سرعت واکنش نقش مهمی دارد و آن را افزایش میدهد ولی در خود واکنش بظاهر و یا عملآ دخالتی ندارد و در انتهای واکنش چیزی از مقدار آن کاسته نمیگردد و تا بی نهایت پایدار باقی خواهد ماند . حال این واکنش شیمیائی را در وضع و حالت احباء غرب و شرق (ایران بررسی میکنیم .

پیشرفت امرالله — جاذت تائید — اتحاد
→ عشق جمالبارک — احباء شرق + احباء غرب . در این رابطه احباء غرب (جسم A)

ما احباب ایرانی حتماً نصایح و انذارات حق را به گوش سر و سر، گوش فرا داده ایم و هر کدام هسته تشکیل محافل مليّه در اقصی نقاط عالم گردیده ایم ، زیرا زیاده از ۹ نفر احباب ذیرای در یک محل تلف کردن نیرو و انرژی امرالله است . قدر مسلم هیچگدام از ما در یک چنین زمان بحرانی هرگز حاضر به تلف نمودن این انرژی نبوده و نیستیم . حال که هر کدام به فضل حق در نقاط مهاجرتی سکنی گزیده ایم چه باید بکنیم تا ادغام و ترکیب خوبی از احباب شرق و غرب داشته باشیم بنحوی که با کمک و معاضدت یکدیگر چرخ های امرالله را هرچه سریعتر به حرکت در آوریم ؟ احباب عزیز بخوبی واقفند که با بی بردن به روابط موجود در عالم ممکنات می توان بی به روابطی در عالم امر برد . در این رابطه یعنی ادغام احباء غرب و شرق اجازه بفرمایند یک رابطه از روابط عالم خلق را بررسی کنیم تا از مقایسه آن بی به چگونگی آن در عالم امر ببریم .

در یک رابطه شیمیائی اکثرا جسم A با جسم B ترکیب بگیرد و جسم C را تولید مینماید که جسم C قادر است اثرات مورد نظر را ایجاد کند .

اثرات مطلوب → C → کاتالیزور
A + B در این رابطه عوامل زیادی برای تشکیل یک چنین واکنشی مؤثر هستند که ما به ذکر چندتای آن می پردازیم .

- ۱ خصوصیات جسم A
- ۲ - خصوصیات جسم B

" توقع داشتن ازیکدیگر " است که اگر این توقعات بر اساس منطق باشد بسیار نیکوست و به واکنش سرعت بیشتری می بخشد و اتحاد بیشتری را ایجاد میکند ولی اگر این توقع ناسنجیده ، یا بعارت دیگر بی مورد باشد باعث خمودت و پژمردگی خواهد شد که نتیجه اش کاهش سرعت واکنش و عدم ایجاد اتحاد است . در مخلفی شرکت داشتم یکی از احباء غربی پرسید شما چند سال است بهائی هستید ؟ گفتم بنده در یک خانواده بهائی متولد شده ام بعد پرسید شما چند سال دارید گفتم ۳۷ سال گفت پس شما ۳۷ سال است که بهائی هستید ولی ما چند سال است که بهائی شده ایم شاید هم چند ماه توقع یک نفر ۳۷ ساله از یک طفل چند ساله یا چند ماهه چگونه است ؟ واقعاً ما با فرزندان خودمان وقتی طفل بوده اند و یا هستند چگونه رفتار کرده یا میکنیم احباء تازه تصدیق غربی از لحاظ تولد روحانی همان وضع را دارند و توقع احباء ایرانی از احباء غربی باید بر این اساس باشد .

مطلوب دیگر تربیت و فرهنگ ما و احباء غربی است ، ما احباء ایرانی باید سعی خودمان را بر این اساس قرار دهیم که افرادی مُؤمن ، فعال تحويل جامعه امر بدھیم ، این مُؤمن و یا فعال بودن حتی نباید بهمان شکل باشد که ما در ایران بآن خوی گرفته ایم . فرهنگ احباء غربی با فرهنگ احباء ایرانی فرق فراوان دارد ، زیبائی جامعه امر به چنین وحدت در کثرتش است . در این عصر تکوین امر مبارک در بسیاری از ممالک در شرف شکل گرفتن است و بنا به حکمت های الهی بعضی از احکام که فعلاً در ایران مجری است هنوز وقت اجرایش در ممالک غربی نرسیده پس از احبابی نو رسیده غربی انتظار مالایطاق داشتن و خدائی ناکرده باب سرزنش برویشان گشودن مخالف دستورات الهی است .

با احباء شرق (جسم B) ادغام میگردد ، اگر این ادغام در جهت صحیح باشد و برخورد آنها برخوردی منطقی و معقول باشد اثری مطلوب از خود نشان میدهد و اتحاد که نتیجه واکنش (جسم C) است تولید خواهد شد ، وجود این اتحاد جاذب تأییدات الهی است و باعث پیشرفت امراللهی خواهد شد . عشق جمالمبارک هم حکم همان کاتالیزور را دارد که باین ادغام نیرو و حیات میدهد و سرعت تشکیل آن را افزایش میدهد و نهایتی هم ندارد .

احباء باوفای جمالمبارک چه غربی و چه شرقی باید طرف راست واکنش را تولید نمایند و آن را ثابت حفظ کنند چون حرکت احبابی ایرانی بدیار غرب چیزی جز ایجاد نمیتوان باشد در مجموع هدف از زندگی و تحمل مصائب و بلایات بوجود آوردن وحدت و یگانگی است زیرا اگر اتحاد و وحدتی بین احباء ایرانی و غربی وجود نداشته باشد تأییدات الهی شامل نمیگردد و سلب تأیید یعنی بدپختی ، یعنی رکود امرالله یعنی خمودت یعنی افسردگی یعنی یأس و نامایدی و پدیده های نظیر آن . بنا براین طرف راست واکنش را باید ثابت حفظ کرد و در ایجاد آن سعی بليغ مبذول داشت عشق جمالمبارک هم که حد و مرزی ندارد پس آنهم ثابت میتوان فرض کرد پس تنها چیزی را که می توان متحرک فرض کرد و تأثیر بسیار هم دارد برخورد احباء غرب و شرق است . اگر احبابی غرب هر علت رکودی در حالات روحانی شان بوجود آید برای آنکه طرف راست واکنش ثابت بودن خود را حفظ کند احبابی شرق باید به فعالیت خود بیافزايند تا حالت تعادل حفظ گردد ، حال بهتر است به بررسی چند فاکتور از فاکتورهای تشکیل دهنده اخلاق و فرهنگ احبابی شرق و غرب بپردازیم .

یکی از فاکتورهای مهم بین احباء غرب و شرق که بیشتر از بقیه فاکتورها خود را نشان میدهد

ناخودآکاه کاری بکنیم که باعث استیحاش نفوس گردد ، البته امر جمال‌بارک در مبادی عالیه کلیه در همه جا یکسان است ولکن در موارد ثانویه و آداب و رسوم قومیه مردم هر دیار متفاوت است .

مطلوب دیگر آنکه نباید پایی نفوس شویم و دخالت در امور شخصیه یکدیگر نمائیم بلکه باید با محبت ، صفا ، صمیمیت با یکدیگر معامله کنیم .

باید مشوق یاران غربی در خدمات تبلیغی ، اداری باشیم و آنان را ترغیب نمائیم و به پیش اندازیم و خودمان حتی المقدور در پس پرده در خفی به تهیه وسائل و تسهیل امور بپردازیم ، واقعاً وقتی فرزندمان برای اولین بار شروع به قدم زدن میکند و پس از آن فوراً به زمین می خورد آیا اورا تشویق میکنیم که باز هم قدمی دیگر بپردازد و در این راه هم کمکش میکنیم یا اینکه عصبانی و غضبانک میگردیم و بنای خرده گیری را می گذاریم که چرا مثل ما مثلاً نمی دوی ؟

عامل دیگر وجود فشارهای واردۀ هرجامعه بهائی و یا غیر بهائی است که قدر مسلم با پیشرفت امرالله ان فشارها افزایش خواهد یافت در این مرحله این فشار باید عامل سرعت بخشیدن به واکنش و یا ادغام احباء غرب و شرق گردد و عامل بروزاتحاد بیشتر شود باید با هم و با مراجعت به نصوص و بیانات الهی بی به عل این بليات برد و مطمئن شد که هرچه اتفاق بیفتد عین صلاح است و کل به نفع امرالله است و باعث اتساع آن .

جمع شدن بدور هم *Coagulation* بطور خودکار مانع ادغام میگردد و یک جدائی زشت و مضر در جامعه امر بوجود میآورد که بسیار نا مطلوب است .

احباء ایرانی چقدر مفید و موثر خواهند بود اگر سادگی در کاربرد لوازم آرایش و جواهرات یا پوشش و خلاصه سادگی در جمیع امور زندگانی را نصب العین خود قرار دهنده و هرگز خدائی ناکرده مال و منال و ... را به هیچ طریق به رخ احبابی غربی نکشند ، احبابی غربی عاشق عشق و صفا صلح و وفای احبابی ایرانی میباشند زیرا آنها را متعلق به موطن جمال‌بارک میدانند و در وجود آنها در جستجوی عشق حضرت بهاء اللہ هستند ، آنها هر آنچه را در آثار می خوانند در رفتار ، کردار ، گفتار و .. احباء ایرانی جستجو میکنند .

عشق جمال‌بارک نقشی بس عظیم در این ادغام دارد ، هیمن نیروی عظیم عشق به حضرت بهاء اللہ است که نا خود آکاه قلم عفو بر روی خط های بی غرض یک گروه به گروه دیگر میکشد . اگر این عشق نبود هرگز ادغامی صورت نمیگرفت و زندگی خیلی مشکل تر میشد پس باید هرچه بیشتر این عشق را فروتنی بخشید و این نهال عشق را در قلب یکدیگر بکاریم و آبش دهیم باید جان فدای یکدیگر نمائیم و اگر خدائی ناکرده خطأی هم مشاهده نمودیم به چیرگی از آن در گذریم و در حق یکدیگر دعا کنیم ، باید چون عاشق و مشوق یکدیگر را در آغوش گیریم و شکر خداوند را صد هزار مرتبه به جا آوریم و به یک چنین گنج لایزالی دست یافته ایم . باید مقتضیات بلاد غرب که اکثراً با مقتضیات محیط ایران تفاوت شایان دارد در نظر داشت و نباید انتظار داشت که مردم این ممالک چه بهائی و چه غیر بهائی طرز فکر و آداب و رسومشان عیناً مثل ما ایرانی ها باشد . اگر روابط آنها را با موازین خودمان که مخلوق محیط و طبیعت مخصوص به خود است مقایسه کنیم البته ناهمجارت و نا ملایم خواهد بود ، پس باید سعی کنیم که خودمان را با خصوصیات محیط جدید وفق دهیم تا مبادا

«از جناب دکتر ماثله مشرف زاده»

اسرائیل و فلسطین از نظر بحث‌سایان

کیفیت و موقعیت صدور ابلاغات و نامه‌ها آنرا دست آویز نموده و بزرگتر از حقیقت واقع بردم بنمایانند.

از جمله افتراقات اخیرشان آن است که از اختلاف فعلی بین اعراب و اسرائیل استفاده نموده و بهائیان را طرفدار و حتی جاسوس اسرائیل معرفی نموده و اظهار میدارند که حضرت عبدالبهاء روح مساواه فدا بطبق کتاب مفاوضات فرموده اند که تمام فلسطین وطن قومی اسرائیلیان خواهد شد.

هدف از این جزو، رفع سوء تفاهم فوق و روشن نمودن این حقیقت است که اعتقاد بهائیان راجع به بنی اسرائیل و اراضی مقدسه صرفاً جنبه دینی داشته و بهیچوجه بسیاستهای متغیر و زود گذر دول ارتباطی ندارد.

۲ - اسرائیل :

بر طبق تواریخ ادیان و کتب مقدسه حضرت ابراهیم علیه السلام که خود از اعقاب سام بن نوح بود دارای دو زن بنام هاجر و ساره بوده که با یک دیگر اختلاف داشتند. از هاجر پسری بنام اسماعیل و از ساره پسری بنام اسحق متولد شد و بالاخره در نتیجه اختلاف این دو زن حضرت ابراهیم مجبور گردید که هاجر و اسماعیل را برداشته و در عربستان و مکه ساکن گردانید و خانه کعبه را بنا نموده و در آنجا مردم را بخدا پرستی دعوت فرمود. پسران اسماعیل دوازده تن بودند که نسبت اغلب اعراب مخصوصاً قبیله قریش و حضرت محمد ص

در این ایام که نهضت مذهبی جدیدی در کشور مقدس ایران شروع و گردانندگان نهضت مذبور بر پایه تعصب ناشی از سوء تفاهم نسبت بدیانت مقدس بهائی از هر گونه اذیت و آزار پیروان این آئین نازنین خود داری نموده و قتل و نهب و غارت اموال و اخراج از ادارات و حتی جلوگیری از تحصیل اطفال بهائی در مدارس را از جمله محسنات و خدمت بدين مبين اسلام میدانند میتوان گفت مهم ترین و موثرترین ضریبه ای را که بزعم خود بر پیکر امرالله وارد میاوردند عبارت از افتراقات و نسبت های ناروا با مر است که با روشی عوام‌گردانی و با صورتی حق بجانب در منابر و انتشارات و نوشتجات خود آن افتراقات را اظهار میدارند. بدیهی است که از ابتداء ظهور حضرت رب اعلى ارواح‌الظلمومیة الفداء تا کنون ایرادات و افتراقات متعددی بصورت کتب ردیه و یا مقالات درج و منتشر گردیده و لکن موج اخیر افتراقات بحسب اقتضای زمان حاضر چهره جدیدی پیدا نموده و بانواع وسائل میخواهند هیکل شریف امر الـی را به سیاستهای روز آلوده بنمایانند. با وجود این که علماء و عملاً میدانند که امرالله را با سیاست ارتباطی نبوده و در نتیجه بررسی مدارک محافل و تشکیلات بهائی کوچکترین مدرکی مبنی بر این که طرفداری از سیاستهای داخلی یا خارجی شده باشد پیدا نکرده اند معذالک منافع آنان چنین اقتضا می‌کند که بحکم الغریق بتشییث بكل حشیش نصوص مبارکه ای را که گوشه و کنار کتب امری یا نامه‌های محافل پیدا نموده و بدون در نظر گرفتن مقدم و مؤخر نصوص و شان نزول و یا

آن قوم را باراضی مقدسه آورده و ساکن گردانید . در اینجا منظور شرح تاریخ قوم بنی اسرائیل نیست بلکه ذکر این حقیقت است که :

اولا در آثار و الواح دیانت مقدس بهائی هرجا که سخن از اسرائیل و بنی اسرائیل رفته منظور جنبه قومی و مذهبی قوم بنی اسرائیل بوده نه این رژیم و کشور اسرائیل که در این اواخر یعنی ۱۹۴۸ میلادی تاسیس شده و وسعت آن فقط بیست و یک هزار کیلومتر مربع یعنی جزء کوچکی از سرزمین پهناور فلسطین میباشد .

ثانیا ذکر این نکته مهم است که قوم بنی اسرائیل در طول تاریخ بشاهدت عامه مورخین سرگردانترین ، معنی‌ترین ، زجر کشیده ترین ، مظلومترین اقوام روی زمین بوده اند و همواره یا بوسیله خارجیها و متصرفین دچار قتل و نهب و غارت شده اند یا این که گرفتار جنگها و نزاعهای داخلی خود بوده اند . تنها استراحت و فراغت محدود این قوم یکی در زمان سلطنت سلیمان بوده که خانه مقدس " بیت المقدس " را ساخت و دیگری موقع فتح کوروش پادشاه ایران بوده که آرامش نسبی داشته اند . مابقی همه اش زجر و عقوبت و سرگردانی و چادر نشینی بوده و بس . حمله های پادشاه آشور ، بخت النصر و قتل عامهای او ، حمله نورون و بالاخره در این اواخر قتل عام آنان بوسیله هیتلر نمونه هائی از این فلاتکتها است و چنانچه بعداً خواهیم دید در تمام این دوران انبیای بنی اسرائیل که چهل و هشت نفر بودند قوم یهود را وعده داده اند که بالاخره دوره اسارت آنان بپایان رسیده و در فلسطین که ارض آباء و اجدادی آنان است مستقر خواهند شد .

۳ - فلسطین :

کلمه فلسطین بر طبق قاموس کتاب مقدس بمعنی

از نسل یکی از آن فرزندان بنام قیدار میباشد

ساره و پسرش اسحق در فلسطین ماندند . اسحق دو پسر داشت بنام عیسو و یعقوب . حضرت یعقوب همان اسرائیل است که دارای دوازده پسر شد که اجداد دوازده سبط بنی اسرائیل میباشند و قوم یهود فرزندان آنانند . حضرت یوسف یکی از پسران یعقوب بود که توسط برادران ناتنی بچاه افکنده شد و بوسیله کاروانی نجات یافته و با آنان بمصر رفت و پس از ماجراهای زیاد بمقام حساس سیاسی در مصر رسید و بعداً وقتی که در فلسطین قحطی و خشکسالی روی داد برادران و اقربایش بمصر رفته و تحت حمایت او در آمدند اصطلاحاً به مصریان بومی قبطی و باینها سبطی میگفتند . بعداً فرعون مصر از نفوذ آنها هراسیده و همه پسران سبطی را کشت فقط یک نفر زن فرزند کوچک خود را در سبدی گذارده و بر رودخانه نیل افکنده و زن یا دختر فرعون او را از آب گرفته و نام ویرا موسی (یعنی از آب گرفته شده) نهاد و او را بزرگ گردانید .

حضرت موسی که از اصل و نسب خود آگاه بوده و از ظلمی که بسیطیان میشد رنج مبرد در میانجیگری بین نزاع یک سبطی و قبطی ندانسته قبطی را کشت و از ترس فراری بیابان گردید . بالاخره نزد کاهنی بنام شعیب بچوبانی مشغول شد و دختر او را بزنی گرفت و در سن هشتاد سالگی مامور برسالت گردیده و با مر خدا بمصر مراجعت نموده و قوم خود را پس از ماجراهای زیاد از مصر کوچ داده بصحرای سینا آورد .

این قوم مدت چهل سال در بیابانها سرگردان بودند تا اینکه خود آنحضرت در حوالی نهر اردن یوشع بن نون را جانشین خود گردانیده و بوضع نامعلومی ناپدید شده وفات یافت یوشع

مسلمین نیز معتقدند که پس از ظهور مهدی نزول عیسی در اراضی مقدسه خواهد بود و در آنجا سلطنت ملکوتی خود را برپا خواهد ساخت . در کتاب کشف المحبوب درباره بیت المقدس چنین نوشته شده : " در آنجا مسجد داود ، باب سلیمان ، باب توبه ، باب رحمت ، و خلاصه ابواب سّنه بنی اسرائیل ، محراب مریم خواهر موسی ، محراب زکریا ، محراب یعقوب ، کرسی سلیمان ، معاره ابراهیم واقع و نیز قبه ای که عروج نبی اکرم از آنجا بود و قبه ای که مهبط سلسه ابنا و فضله بنی اسرائیل بود و مصلی جبرئیل و خضر و نیز مولد عیسی ، معبد ابراهیم ، محل عروج عیسی ، عروج پیغمبر اسلام ، محل برگشت مسیح در آنجا واقع است . دخول باان بر یاجوج و ماجوج ممنوع و حرام است . انبیا همه از آنجا بودند .

(اقتباس از کتاب بشارات آسمانی تالیف حسام نقباوی اعلی الله مقامه ص ۱۶)

پایتحت فلسطین اورشلیم است که بنای بیت المقدس در آن ساخته شده و تل اویو که اکنون پایتحت کشور جدید الاحادیث اسرائیل است بنام تل الحبیب بوده است .

در آثار اسلامی نیز بشارات متعددی در باره فلسطین و اراضی مقدسه می توان یافت از جمله :

قرآن مجید سوره ق آیه ۴۰ و ۴۱ : " واستمع يوم ينادي المناد من مكان قريب يوم يسمعون الصيحه بالحق ذلك يوم الخروج " يعني شنو روزی که منادی از مکان نزدیک ندا میکند روزی که صیحه حق شنیده میشود و آن روز خروج است . و جلال الدين سیوطی در تفسیر آیه مذبور میگوید :

ملکت غریبه ها (کشور غربا) است . بعضیها هم گفته اند که چون فلسطین بشکل بیضی ساخته شده نامش را فلسطین (بیضی) گذاشته اند گروهی نیز گفته اند که چون اهالی فلسطین از جزائر کرت ، قبرس ، مصر و کاپادوکیه هستند و سرهای آنها عموماً بیضی شکل بود لذا بانها پیلسنو (کله بیضی) و به کشورشان پیلسنین گفته اند که مغرب آن فلسطین میباشد . فلسطین در طول تاریخ همواره مورد نظر خارجیان بوده زیرا :

اولاً شاهراه تجارت شرق و غرب بوده . ثانیاً مرکز بروخورد تمدنها و افاده و استفاده بوده .

ثالثاً مهد اغلب مذاهب دنیا و مرکز الوهیت و خدا پرستی بوده روی این اصل باوجود احترامی که ملل و دول در قدیم برای فلسطین قائل بودند تمام زمامداران بزرگ باین سرزمین چشم طمع داشته و میخواستند که آنرا متصرف شوند و بدیهی است که هموار مرکز جنگ و نزاع و زد و خورد بوده است .

یهودیان معتقدند که ماشیه (موعد یهود) در فلسطین ظهور نموده و تمام بنی اسرائیل را بسوی خود خوانده و از سرگردانی " یهودی سرگردان از امثال عامه است " نجات داده و در فلسطین آنانرا تحت لوای وحدت و یگانگی و رفاه در خواهد آورد .

مسیحیان نیز رجعت مسیح را در اراضی مقدسه و فلسطین میدانند و نزول او را از آسمان در آنجا منتظرند و نگاهی به نوشته های مبشرین مسیحی آنرا واضح میسازد و حتی یکی از انها بنام کریستو فرهوفمن از آلمان بفلسطین کوچ کرده و منزل گزید و بالای سردر منزلش بنزول مسیح خوش آمد گفت و هنوز هم آن ناحیه به جرمن کولونی معروف است .

باره بیت المقدس روایت شده که در کتاب مشارق انوار یقین ص ۱۰۵ درج گردیده بدینطريق : " تجمع عند صخره بیت المقدس فی کل لیله جمعه و هی العرش الادنی و منها یبسط الله الارض ... فیحشره الناس عند صخره بیت المقدس فاھل الجنه " بعنی در هر شب جمعه زیر صخره بیت المقدس جمع شوید . آن است عرش ادنی (در مقابل عرش اعلی که مقام خدا است) و از آن زمین بسط پیدا میکند ... پس کسانی که نزد صخره بیت المقدس حشر و نشر کنند اهل بهشت اند .

چنانچه طی شواهد و مباحث آتیه خواهیم دید آنچه را که در نصوص مبارکه دیانت مقدس بهائی راجع بفلسطین مشاهده میکنیم متکی بر بشارات انبیاء بنی اسرائیل و ائمه اطهار علیهم السلام بوده و صرفاً جنبه روحانی و مذهبی داشته و بهمچو بیو تمایلات سیاسی از آن استشمام نمیشود .

۴ - بشارات راجع بآتیه قوم یهود (بنی اسرائیل) : در عهد عتیق دو نوع پیش بینی کاملاً مخالف در باره قوم یهود شده است یکی پیش بینی ذلت و خواری و سرگردانی بعلت نافرمانی از اوامر الهی و دیگر پیش بینی عزت و بزرگی و رفاه و آسایش در یوم آخر که پس از خاتمه دوران ذلت رخ خواهد داد . جالب اینجا است که انبیای بنی اسرائیل که ملهم من عند الله بوده اند ذلت قوم یهود و علی آنرا صراحه پیشگوئی فرموده اند ذیلاً نمونه هائی از انذارات و هم چنین بشارات آورده میشود :

الف - انذارات :
سفر تثنیه باب ۲۸ آیه ۲۵ خطاب به بنی اسرائیل : " تورا پیش روی دشمنانت منهزم خواهم ساخت و در تمامی ممالک جهان بتلاطم خواهی افتاد "

ارمیا باب ۱۹ آیه ۱۸ :

(مکان قریب من السماء هو صخرت بیت المقدس اقرب موضع من الارض الى السماء) يعني مکان نزدیک صخره بیت المقدس است که نزدیکتر نقطه از زمین باسمان است . ابوالفتوح در تفسیر آیه مزبور میگوید که صخره بیت المقدس نزدیکترین نقطه از زمین باسمان است بفضلله ده میل که صور آنجا دمیده میشود مسلمین معتقدند که معراج پیغمبر اکرم ص نیز از کوه بیت المقدس صورت گرفته است یعنی از مکه بآنجا تشریف آورده و سپس باسمان رفته اند زیرا قله بیت المقدس نزدیکترین نقطه زمین باسمان است خود احضرت نیز در سوه اسرا (بنی اسرائیل) ایه معراج . میفرمایند : (آیه اول)

" سبحان الذي اسرى بعده ليلًا من المسجد الحرام الى المسجد الاقصى الذي باركنا حوله "

یعنی پاک و مقدس است خداوندی که سیر داد بندۀ خود را در یک شب از مسجد الحرام بمسجد الاقصی که حول آنرا مبارک گردانیده ایم از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام در حدیث صعصعة بن صححان در باره بیت المقدس مطالبی است از جمله : " فعند ذلك الواحة العجل العجل خير المساكن يومئذ بيت المقدس لياتين الناس زمان يتمنى احدهم من سكانه " یعنی در اینصورت باشادی بستابید که در آن روز (قیامت) بهترین جاها بیت المقدس است و مردم آمده و تمنای آن را میکنند که یکی از ساکنین آن باشند .

در قرآن مجید حتی بکوههای اراضی مقدسه قسم یادشده ازجمله در ابتدای سوره التین : " والتين و الزيتون وطور سینین وهذا البلد الامین " و در کتاب معجم البلدان آمده که تین کوهی است در شام و زیتون بیت المقدس است .

حدیثی نیز از حضرت امام حسن علیه السلام در

" خداوند میگوید ایامی میاید که آن وعده نیکو را در باره اسرائیل و یهود و فا خواهم کرد ... در آن ایام یهود نجات یافته اورشلیم با منیت مسکون خواهد شد "

اشعیا باب ۲۵ آیه ۶

" یهوه خداوند در کوه مقدس ضیافتی ترتیب داده اشکها را از چهره ها پاک نموده خواهند گفت این خدای ما است که منتظر او بودیم و ما را نجات داد "

اشعیا باب ۲۵ آیه ۱۸ :

" اورشلیم را محل وجود قوم او را محل شادمانی خواهم آفرید ... گرگ با پره باهم خواهند چرید "

اشعیا باب ۲۷ آیه ۱۳ :

" در آن روز واقع خواهد شد که کرنای بزرگ نواخته خواهند شد و گم شدگان و رانده شدگان خواهند آمد و خداوند را در کوه مقدس یعنی اورشلیم عبادت خواهند نمود "

اشعیا باب ۲۶ آیه ۱۰ : " تمامی امت ها و شما بکوه مقدس و اورشلیم خواهید آمد ... آسمانهای جدید و زمین جدیدی که من آنها را خواهم ساخت در حضور من پایدار خواهد ماند ... تمامی بشر خواهند آمد تا بحضور من سجده نمایند " بشارات راجع بآتیه قوم بنی اسرائیل و جایگزین شدن آنان در فلسطین بحدی زیاد است که آنجه ذکر شد نمونه اندکی از آن میباشد . و چون شهر عکا بطور خاصی مورد نظر انبیای بنی اسرائیل و ائمه اطهار بوده نمونه هائی از بشارات مربوط باان را در مبحث بعد آورده و سپس بنصوص مبارک در این امر که در حقیقت بر پایه پیشگوئیهای انبیای سابق است میپردازیم .

۵ - بشارات مربوط شهر عکا :

عکا بندری است در ساحل دریای مدیترانه که در حدود هزار و پانصد سال قبل از ظهور

" بنی اسرائیل را در میان جمیع ممالک مشوش خواهم ساخت تا در میان همه امتها لعنت و مسخره و عار باشند زیرا کلام مرا نشنیدند " در کتاب عاموس نبی باب دوم مفصلآمده که بواسطه نافرمانی شهر ها و قصور سوزانده خواهد شد و بنی اسرائیل مورد عقوبت قرار خواهد گرفت و در باب ۷ آیه ۱۱ همان کتاب آمده که بنی اسرائیل از زمین خود باسیری خواهد رفت . و هم چنین در ارمیا باب ۲۵ آیه ۷ و باب ۳۶ آیه ۲۸ و باب ۲۰ آیه ۴ پیشگوئی شده که باز بعلت شرارت و نافرمانی قوم یهود توسط بخت النصر مقتول و منهزم شده و هفتاد سال بندگی او را خواهند کرد و شهر اورشلیم سوزانده شده و خزانه بغارت خواهد رفت و آوار خوش از آنها نایبود خواهد شد .

ب - بشارت :

در کتاب ارمیا باب ۳۰ آیه ۳ از قول خداوند :

" آیامی میاید که اسیران قوم خود اسرائیل و یهود را باز خواهم آورد و ایشان را بزمینی که بپدرانشان داده ام باز خواهم رساند تا آن را بتصرف آورند ... در ایام آخر اینرا خواهید فهمید "

حزقیال باب ۳۶ آیه ۲۴ :

" من یهوه هستم شما را از میان امت ها و از جمیع کشورها جمع میکنم و شما را در زمین خود خواهم آورد " حزقیال باب ۳۷ آیه ۲۱ :

" بنی اسرائیل را از میان امها جمع خواهم کرد و بزمین خودشان خواهم آورد " اشعیا باب ۱۱ آیه ۱۱ :

" در آن روز (یوم آخر) واقع خواهد شد که خداوند بار دیگر دست خود را دراز کند تا بقیه قوم خویش را باز آورد و رانده شدگان بنی اسرائیل را جمع خواهد کرد و دشمنان یهود منقطع خواهند گردید "

ارمیا باب ۲۳ آیه ۱۴ :

را بصورت عمل و اجرا در آورده و بدست خود مصدق آن ، پیشگوئیها و بشارات را بمنصه ظهور رساندند .

حضرت بهاء الله در الواح مبارکه ای که در ابتدای ورود مبارک بعکا نازل گردیده آنرا اخرب مدن عالم ((خراب ترین شهر های دنیا) و هم چنین اقبح (وزشت ترین) شهر های دنیا نام نهادند . جمال مبارک در بدترین شرایط زندگی صوری با تفاق هفتاد نفر منسوبین و پیروانشان باین شهر وارد و در قلعه معروف آن که دارای خندق و برج و باروی مخصوص بود مسجون گردیدند و از همین جهت آنرا مدینه محضنه (شهر دارای حصن و دیوار) نامیده اند مردم آنرا که در ابتدا بسیار نسبت باسراء بدرفتاری میکردند اولاد افاعی نام نهادند و از آن پس حدود بیست و چهار سال در عکا و اطراف آن مسجون بودند تا ان که صعود واقع شد . جالب اینجا است که درست پس از ورود حضرت بهاء الله بعکا بتدریج وضع شهر و آب و هوای آن تغییر کرده و بوضع شگفت انگیزی دارای طراوت و صفا گردید .

حضرت ورقه مبارکه علیا صبیه حضرت بهاء الله و خواهر حضرت عبدالبهاء در باره عکا چنین سروده اند :

در قله قاف عشق کاشانه ما است
(اندرلب) در ساحل دریای بلا خانه ما
است
گویند که کنج را بویرانه سپار (مکان ویرانه)
است
عکای خرابست که ویرانه ماسات (عکای
خراب کنج ویرانه ما است)

در سال ۱۳۱۳ هجری قمری یعنی چهار سال بعد از صعود مبارک شاعر مسیحی عرب بنام یعقوب

حضرت موسی توسط فنیقیها بنا شده و چون بشکل مثلث منحنی الأضلاع ساخته شده بزیان فنیقی نام آنرا عکه گذاردند و در قدیم بآن عوک و عکوهم گفته اند که بمعنی ریگ داغ است . ناصر خسرو در سفرنامه خود بانی عکا را شخصی بنام عک نامیده و قبر او را نیز در خارج شهر زیارت نموده است . یونانیان در قدیم عکا را بتولمایس میگفتند . در تاریخ کتاب مقدس نوشته است که عکا یکی از قلاع مشهور و تاریخی مشرق زمین است و ناپلئون اول با وجود محاصره کردن شهر بواسطه قلعه محکم آن موفق بفتح عکا نگردید . عکا که در زمانهای قدیم از بنادر معروف و آباد شرق بوده پس از آن که بدست مسلمین افتاد تبدیل بویرانه و خرابه ای شد که از شدت بدی آب و هوا و رطوبت و گرما و حشرات موذی مخصوصاً کیک و در قلمرو عثمانی ضرب المثل گردیده و منفای جانیان و دزدان و قطاع الطريق بود بطوری که هر کس را که میخواستند به بد آب و هوا ترین نقطه تبعید کنند بعکا و زندان آن میفرستادند و یقین داشتند که دیگر بر نخواهد گشت .

شاعری در وصف عکا گفته :
آن طیر که در هوای عکا بپرد

و آن وحش که ز آب شور آنجا بخورد
آن دانه دگر زکشت دنیا نخورد
وین راه دگر بسوی صحرا نبرد

میدانیم که دو دولت بزرگ وقت یعنی ایران و عثمانی پس از آن که از سرگونی حضرت بهاء الله و عائله و اصحاب مبارک از بغداد باسلامبول و سپس با درنئه نتیجه ندیده و ملاحظه نمودند که صیت و آواز امر آنحضرت بلند تر و افزونتر میشود با مشورت یک دیگر تصمیم گرفتند که آنحضرت را بعکا تبعید نمایند تا مگر در آن گوشه دور افتاده و بد آب و هوا صوتshan خاموش و نامشان فراموش گردد غافل از آن که با این کار تمام بشارات انبیاء سابق

• ان عکا مدینه بالشام اختصها الله برحمته • و نیز روایت است که حضرت محمد ص فرمودند : " طوبی لمن زار عکا . طوبی لمن زار زائر عکا ، طوبی لمن رای عکا من امتنی و لمن رای من رای عکا " یعنی خوشابحال کسی که عکا را زیارت کند ، خوشابحال کسی که زائر عکا را زیارت کند ، خوشابحال کسی از امت من که عکا را ببیند و یا کسی را که عکا را دیده ببیند . باز از حضرت رسول اکرم ص در کتاب فضائل عکا و عسقلان تالیف ابن ابی الهول احادیث زیر روایت شده :

• المشی فی طرفات عکا خیر من الصلة فيما سواها من المساجد "

يعني راه رفتن در اطراف عکا بهتر از نماز خواندن در مساجد نقاط دیگر است .

• ان فقراء اهل عکا و عسقلان ملوک آلاخره و ساداتهم " یعنی بدرستیکه فقرا اهل عکا و عسقلان پادشاهان و بزرگان آخرت اند (عسقلان همان اشقولن است که چسبیده بعکا است)

• حرس لیلهٔ علی عکا افضل من الف لیلهٔ قیام لیلها و صیام نهارها " یعنی یک شب نگهبانی در عکا بهتر است از هزار شب بیدار ماندن و هزار روزه گرفتن است . • ان افضل السواحل عسقلان و افضل منها عکا و فضل عکا علی السواحل كفضلی علی الانبیاء •

يعني بدرستی که بهترین سواحل عسقلان است و بهتر از آن عکا است و مزیت عکا بر سایر سواحل همانند مزیت من بر سایر انبیا است (بر طبق آیه مبارکه " تلک الرسل فضلنا بعضهم علی بعض " مدینه بین الجبلین علی البحر يقال لها عکا من دخلها رغبة فيها غفرله ماتقدّم من ذنبه و ما تأثراً ")

يعني شهری که بین دو کوه و مشرف بر دریا و بنام عکا است هر کس با رغبت داخل آن شود گناهان قبل و بعدش بخشیده خواهد شد .

بن پطرس لبنانی که کشیش مشهور مقیم عکا بوده علت این تغییر آب و هوای شگفت آور را بدین طریق بیان میکند :

ما بین لبنان و کرمل بهجه فيها مقام بهاء ذی اللاء

السيد المختار مصباح الهدى و بهاشمس حقیقه الاسماء بوجوده طابت میاه ورودها وزکاء هواء عکاء والارجاء در کتاب مزامیر مزمور ۳۱ آیه ۲۱ میفرمایند :

• متبارك باد خداوند که رحمت عجیب خود را در شهر حسین (عکا) بمن ظاهر کرده است " مزمور ۶۰ آیه ۸ ای فلسطین برای من بانگ برآور کیست که مرا بشهر حسین در آورد " اشعیا فصل ۲ آیه ۲ بعد :

• خانه خدا بر روی کوه خدا (کرمل) خواهد بود و مل بسوی آن روی خواهند آورد از صهیون تعلیمات خواهد آمد و از اورشیم کلام خدا ، او داور و قاضی برمیان ملل خواهد بود و در آنروزگار قومی برقومی شمشیر نخواهد کشید .

از حضرت رسول اکرم ص روایت شده که فرموده :

• طوبی لمن رای عکا " یعنی خوشابحال کسی که عکا را به بیند و این روایت در کتاب معجم البلدان . کتاب اخبار الدول و الاثار الاول و کتاب مختار الصحاح و کتاب محیط درج است .

در لغت نامه صحاح اللげ در زیر نام عکا مسطور است : عکه اسم بلد فی الشعور و فی الحديث طوبی لمن رای عکه .

باز از حضرت رسول اکرم روایت است که فرمود :

عامل دیگر " زمان " است ، اصولا هر واکنشی احتیاج به زمان خاصی دارد تا محصول را تولید کند ، تفسیر و تصحیح بعضی خصوصیات اخلاقی هر دو گروه در جهت امرالهی احتیاج به زمان دارد بعضی خیلی سریع تغییر می پذیرند و بعضی به کندي در این رابطه باید صبور بود و بقول معروف خیلی زود از کوره بدر نرویم ، سعی خود را در نهایت و با حکمت انجام بدھیم تائیدات جمالمبارک شامل خواهد شد و مشکلات در زمان مخصوص به خودش حل خواهد گردید .

پس ای خادمان جمالمبارک وای سالکان سبیل هدایت قدر یکدیگر را بدانیم و بیش از پیش یکدیگر را دوست بداریم ، دیگری را بر خود ترجیح دهیم و در رفاه یکدیگر بکوشیم ، امید چنان است که هر یک از ما سبب نورانیت شهر و یا کشوری گردیم و در خدمت و عبودیت آستان الهی پیشقدم باشیم بر یکدیگر سبقت بگیریم و در عمل ثابت کنیم که بزرگواری ، فداکاری ، جانشانی ، ایثار ، عشق ، وفا ، صفا ، محبت ، یگانگی از خصائل ذاتی احباء ایران است و این خصوصیات میراث روحانی اهل بهاء در کشور مقدس ایران موطن جمالمبارک است . انتهى



مدینه علی شاطی البحر البيضاه حسناء عند الله تعالى يقال لها عكا قرصه البرغوث فيها تعذر طعنة السنان في سبيل الله تعالى يعني شهر خوبی که در کنار دریای سفید و موسوم بعکا است گزیدن کنه در آن (کک و کنه عکا مشهوریت داشت) معادل زخم شمشیر در سبیل خداوند تعالی است . در کتاب فتوحات مکیه تالیف محیی الدین اعرابی در باب ۳۶۶ یعنی جلد سوم صفحه ۳۲۹ در ضمن شرح حال وزراء قائم بیان عربی مفصلی مینویسد که خلاصه اش بفارسی اینست که همه وزراء قائم گشته میشوند مگر یک نفر که بعکا (فی مرج عکا المائدة الاهیه) وارد میشود و بعد میگوید این ارض مقدس زمین میعاد است و در آن قیامت کبری بر پا میشود . در آن بقیه سفیدیست و عکا ملحمه کبری است و هر وجہ زمین عکا یک دینار ارزش دارد (ملحمه - کشتارگاه)

روايات و احاديث راجع بعکا بسيار است و تعداد زيادي از آنرا ميتوان در کتاب فضائل عکا و عسقلان یافت بعلاوه در کتب اليوقايت والجواهر ، فتوحات مکیه ، معجم البلدان ، اخبار الدول و اثار الاول ، مختار الصحاح ، محیط المحیط نیز در ذیل کلمه عکا روایاتی موجود است که طالبین را بمراجعه بانها احاله میلهیم .

منظور آنست که اراضی مقدسه فلسطین همواره از ابتدای تاریخ ادیان مورد نظر و تحسین انبیاء و اولیا بوده و در این امر مبارک هم اگر نصوصی موجود است در دنباله و تائید بیانات و بشارات انبیاء قبل است که بعقیده بهائیان مصدق آن پیشگوئیها ظاهر شده و میشود و این صرفا یک مسئله دینی و مذهبی بین تمام ادیان است نه اختصاص و اتحصار به بهائیت دارد و نه ارتباط با سیاست .

بقیه در شماره آینده

حادمه با وفا

داد که عاقبت بخیر می شوی وقتی بیدار شدم
قلبم مطمئن شده بود و از آن آلام و احزان
اثری نبود در انتظار پیش آمد نشستم تا با
مرحوم علیقلی حقیقت جو ازدواج کرده بشیراز
آمدم و چون شوهرم در خانه حضرات افنان
مشغول بود منhem در خدمت آن عائله در آمدم
و تا مدتی از امر الهی بی خبر بودم روزی در
حياط مجاور بیت مبارک شمایل مبارک حضرت
عبدالبهاء را زیارت کردم که به دیوار نصب
بود فوراً آن رویا از نظرم گذشت و دیدم این
همان شخص است که در عالم خواب بشارت
حسن خاتمه داد سپس از خانم آقای افنان
تحقیق نمودم و به همت و کوشش متصاعد
بملکوت ابی حاجیه طوبی خانم افنان موفق به
ایمان شدم *

او اگر چه امی و بی سواد بود ولی خلق جدید
شد و بزودی از مبادی امر اطلاع حاصل کرد
تحری حقیقت فرمود و قلبش بنور ایمان مشتعل
گردید و روز بروز برایمان و اعتقادش بیافزود
و با دلی آنده از شور و شوق در کمال خلوص
و انقطاع بخدمت بیت مبارک و خدمتگزاری آن
عتبه مقدسه پرداخت .

این عبد بخار نمی آورد ماه محرم و رمضانی
گذشته باشد و در شیراز بنحوی شورش و بلوا
بر علیه امر الهی براه نیفتاده باشد و معلوم
است که آن سر و صداها و اهانت و جسارت
های ملأها و اجامر و او باش چه غلق و اضطرابی
در حول و حوش بیت مبارک بوجود می آورد

زائرین بیت مبارک شیراز که از چهل سال پیش
توفیق زیارت و تشرف به عتبه سامیه بیت الله
الاکرم را داشته اند عموماً با خانمی در لباس
ایلاتی مواجه شده اند که با وجهی بسیم و آغوش
باز در کمال طمائینه و وقار از آنها استقبال و
پذیرائی نموده است .

او فاطمه حقیقت جو از مردم داریان (دهی
در سی کیلومتری شمال شرقی شیراز) بود که از
بدایت جوانی و اوان شباب بخدمتگزاری احباء
و زائرین بیت مبارکه شیراز اشتغال داشت .
شوهرش مرحوم علیقلی حقیقت جو در زمرة کسانی
بود که بوسیله ایادی امرالله حضرت سمندری و
آقا میرزا علی اکبر رفسنجانی از امر مبارک خبر
یافت و چون کددخای محل بود نفوذش موجب
تفویت بنیه روحانی احباء آن محل شد که شرح
احوال و داستان خدمتش بخشی جداگانه است .

وقتی فاطمه حقیقت جو در سال ۱۹۴۰ بهمراهی
شوهرش بشیراز آمد و در جوار بیت مبارک
ساکن شد بکلی از امر مبارک و ظهور حضرت
بهاء الله بی خبر بود ولی قلمی پاک و بی الیش
و ضمیری روشن و تابناک داشت .

او شرح اقبالش را به امر مبارک چنین حکایت
می نمود : " پس از در گذشت شوهر اولم که
پسری صغیر بنام رضا باقی گذاشت بسیار متالم
و محزون بودم شبی در عالم رویا مرد بلند
بالای را با محاسن سفید در لباس درویشی
دیدم که در کمال آرامی و مهربانی به من مژده

آن متصاعدہ بملکوت الهی در طول حیات موفق به زیارت اعتاب مقدسه علیا در ارض اقدس گردید و روی و موی به تراب آن اعتاب مقدسه معنبر و مشکین فرمود و با قلبی سرشار از عشق و ایمان بمدینه شیراز مراجعت نمود .

او از خود عائله مونم و موفق باقی گذاشت که همه در ظل امراللهی بخدمات لائقه در مدینه شیراز موفقند .



معزی الیها در اواخر ایام مریض و بستری شد و از رماتیسم شدید رنج میبرد و با وجود اینکه اغلب ضعف و نقاht بر او مستولی بود از معاشرت و مصاحبত در خدمت احبابی الهی غفلت نمی ورزید و دوستان نیز وجودش را عزیز و گرامی میداشتند . امتداد و اشتداد ناخوشی او طولانی شد بطوری که در اواخر ایام حرکت برای او صعب و مشکل گردید و بالاخره در اثر عارضه سکته مغزی در روز سه شنبه ۱۹ ماه اوت سال ۱۹۸۸ ساعت ۱/۲ - ۹ صبح روح پر فتوحش بملکوت ابیی وافق اعلی عروج فرمود .

طوبی لها و حسن مآب

ولی او از لعن و طعن و ایما و اشاره اعداء هرگز نهراستید و بیم و هراسی بدل راه نداد و با اطمینان قلب پوظائفی که داشت عامل بود .

در سال ۱۹۵۴ که برای اولین بار در تاریخ امر جمعی از اجمام و اوپاش به قیادت سید نورالدین ملّت متنفذ شیراز به بیت مبارک هجوم نمودند او از جمله خدامی بود که سینه اش را سپر تیر بلا ساخت و با کمال شجاعت و تھور در مقابل تعدیات و تجاوزات و نارواگوئی های هر طبقه و صنف اعم از لشکری و کشوری ایستادگی کرد و بعد از ترمیم بیت مبارک تا وقتی که دولت کنونی او و اولادش را که جبراً و عنفاً از منازل حدود بیت مبارک خارج نکردن در جوار پر انوار بیت الهی سکونت داشت . در رعایت احترامات بیت مبارک همیشه ساعی و کوشای بود و در حفظ اموال آن مقام مقدس امین و دقیق و وجودش موجب تسربی خاطر و ابتهاج قلوب احبابی الهی در آن خطه و دیار خدمات مداوم و شبانه روزی آن آمة موقعه در این برهه از زمان خود گوشة از وقایع تاریخی امراللهی در مدینه منوره شیراز است که ذکرش مخلد و جاوید خواهد مائد .

بیت العدل اعظم الهی در رقیمه کریمه مورخه ۱۷ شهر المنشیه ۱۴۵ بدیع فضلاً و عنایتاً خدمات صادقانه آن خادمه مخلصه را مورد تقدیر و تحسین قرار داده و باین بیان شیوا مفتخر و متباهیش فرموده‌اند " از صعود آن آمة موقعه خادمه آستان بیت مبارک اعز اعلی در مدینه منوره شیراز کمال تأثیر دست داد . آن خادمه معزّه سالیان دراز به پاسبانی آستان مقدس با کمال انقطاع و شهامت ، اشتغال داشت و در جمیع موارد سبب سور زائران بیت مکرم میگردید و از هجوم اعداء و طعن و شماتت نفوس غافله هراسی نداشت " الی آخر

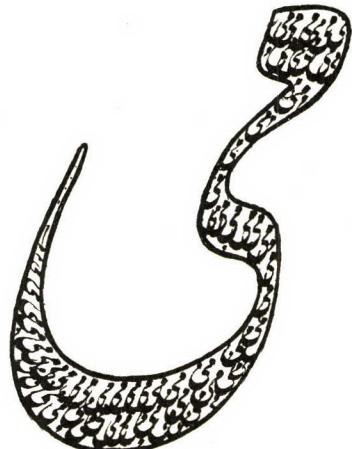
از جناب بی‌الدین محمد عبدی

گوهر همیشہ در ته دریا نشته است

بر فرق تو گلی که دل آرا نشته است	گرچه به تاب زلفِ توزی با نشته است	آن گل میان موی تو پیچان شته است	با خرم نفثه ندار صف گلی	مالد کجا به آن لب و دندان دلیز	ماله زشم گونه آن غنچه حیاست	دُوری کن ای حسنه ای محبت ز دیفسن	زانغ هوس اگرچه ندارد مکان قرب	ترسم رتخت متزلتش سر نگون شود	عبدی نشته خس ، به دمی گردیده روی موج	گوهر همیشہ در ته دریا نشته است	بخط جناب ایان ته موقن
----------------------------------	-----------------------------------	---------------------------------	-------------------------	--------------------------------	-----------------------------	----------------------------------	-------------------------------	------------------------------	--------------------------------------	--------------------------------	-----------------------

شعر و ادب فارسی

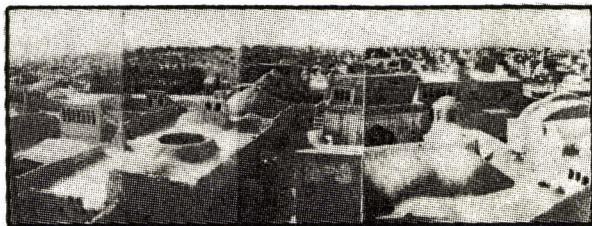
بَعْدَ تَقْسِيْتِ خَلْقٍ پَيْمَانٌ مُّهَاجِرٌ
شَبَابٌ بَنِيْ إِسْرَائِيلَ رَجُلٌ مُّهَاجِرٌ
بَرِزَهُ يَكِيدَهُ اِنْ عَمَانَ كَبِيرٌ وَيَهُ تَنْكِيسَهُ
هُرَكَ حَاطِهُ اِنْ زَرَفَتْ هَفْتُ (عَنْهُ)



نمیدانند اهل غفت انجام شراب آخز	با تشن میر و نه این جا هلان از راه آب آخز جام رادر دست گیر دنگر دن ف حام را دیگر چه حجتست درین بوس تمان ثبت سر انجام آگه کند روزگارش که باشد ارمی کوثر نه با وه عنی است چه جای کاسه پیش ش حلبي است اور تو آن خور و که هستی است کاین نشنه حیات زمانی پر میانی است
نام داشتهند چون زید ب نادانی که او هر غنچه ای زیاده گلگن شیشه است بخواب اندرون است میخواره لیکن سیا محلس زمان دستی ماین شراب ماهمه از خشم لامکان آمد تو ازو آن خوری که مستی است سامقی بر زیر با وه باقی بح سام	(صائب) (فردوسی فردانی) (صائب) (ناظم خسرو) (ش. قاسم انوار) (سنبلی) (رضیا چاهنگیزی)

دانا خور د شراب دستی نکن
باطیع بلند میل پستی نکن

«از جناب عزت الله سلامزاده»



زیارتگاه من بشروعه

مشرق الاذکار ساموا، شعله شوق کودکانه مرا سوزان تر نمود و اشتیاقم را برای زیارت، بیشتر. توفیق این مهم تا جلسه انتخاب پروژه شهر سازی دانشکده مان در سال ۱۳۵۸ حاصل نگردید. هنگامیکه نقشه ایران را برای انتخاب به دیوار نصب کردند، احساس کردم که موقعیت مناسب پیدا شده است، از ترس آنکه مبادا کس دیگری پیش دستی کند، بی اختیار فریاد زدم . " من بشروعه را انتخاب می کنم بودند پرسیدند : " بشروعه دیگر کجاست ؟؟ " کنار نقشه رفتم و در سمت راست آن در شرق ایران و جنوب خراسان شهر بشروعه را نشان دادم، شهری با آب و هوای گرم و خشک در طول جغرافیائی ۱۰ و ۵۸ و عرض ۱ و ۳۴ و در ارتفاع ۱۶۰۰ متری از سطح دریا که کویر مرکزی و کویر لوت نزدیکترین همسایگان آن هستند . این شهر در ۱۱۰ کیلومتری شهرستان فردوس و در ۱۰۰ کیلومتری شهرستان طبس قرار دارد . بسرعت مقدمات سفر را آماده نمودم و در اولین فرصت به سیل عظیم زائرینی پیوستم که با قطار به سوی شهر مقدس مشهد روانه بودند . در آن میان من زائر زیارتگاهی بودم که شاید دیگران حتی نام آنرا هم نشنیده بودند . نرdban راه طولانیم تخیل نبردهای دلاور مرد خطه خراسان بود . و صدای مقطع برخورد چرخهای قطار به ریل در گوش صدای سم اسبهای ۳۱۳ نفر دلاور قلعه شیخ طبرسی بود که به

آثار نجابت و حسن خلق در سیمايش ظاهر و آشکار بود در علم و دانش و تمیّز بدین و مهارت در سواری و اخلاص در انجام مقاصد و مراعات انصاف و ثبات و استقامت در امور دینی به درجه عالی و رتبه بلند ارتقاء یافته بود .

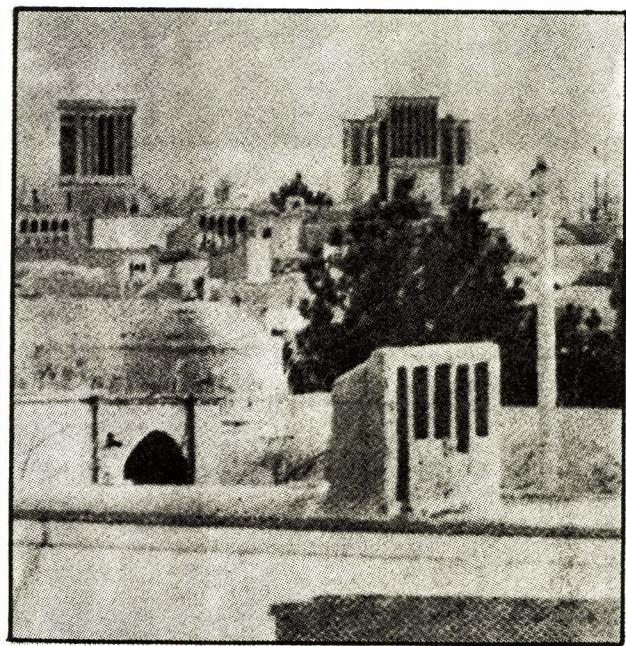
از آن صبح جمعه ای که برای نخستین بار این مطلب را در درس اخلاق خواندم و اولین دانه های شوق دیدار و زیارت زادگاه اولین " حی " در قلب کاشته شد مدت زیادی می گذرد . همواره برایم این سؤال مطرح بود که این اولین " مُؤمن من آمن " از کدام مرز و بوم برخاسته و در میان چه مردمانی پرورش یافته و ریشه در چه فرهنگی داشته است ؟ از هر که جویا شدم ، اطلاع چندانی نداشت ، اکثراً نمی دانستند که بشروعه در کدام نقطه ایران واقع شده است . بعضی آنرا در آذربایجان و برخی در ناحیه مازندران و عده ای نیز آن را در کردستان جای میدادند . بعدها با مطالعه بیشتر تاریخ زندگی جناب ملاحسین در خیال خود زادگاه او را مجسم نمودم و همواره آرزویم زیارت آن در واقعیت بود . ورود به دانشکده معماری و شهرسازی و در پی آن افتخار همکاری با شهید مهندس کورش طلائی رحمة الله عليه در شرکت امنا و سعادت رئووه و تهیه نقشه اماكن متبرکه امری و پس از آن افتخار همکاری در دفتر مهندس عالیقدر حسین امامت و تهیه ماكت

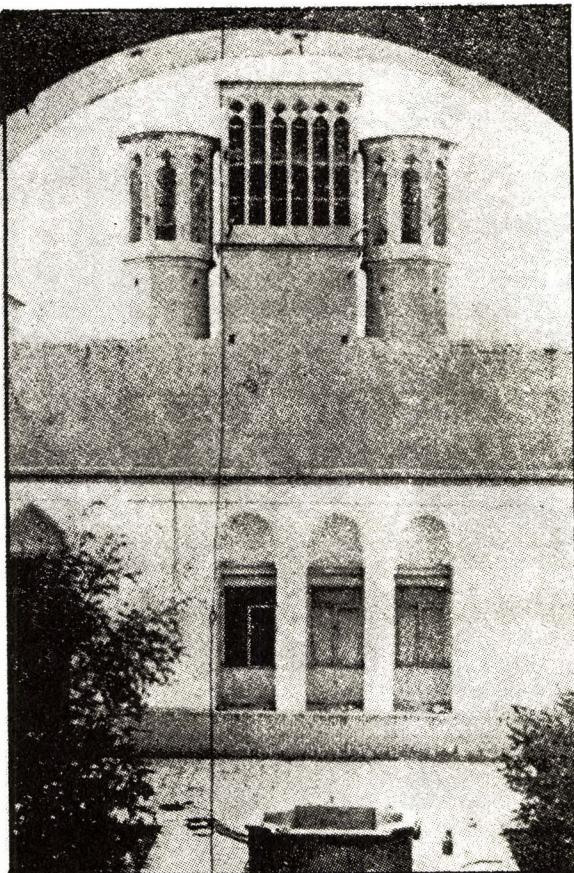
فرماندهی جناب ملاحسین در تاریخ جاودانه شدند .

پاسگاه ژاندارمی خوش آمد گوی من به بشرویه بود و پس از آن بادگیرهای طویل یکطرفه ، گنبدها و ساختمانهای خاکی رنگ روئیده از زمین با خطوط منحنی که گوئی باد و خورشید آنها را به بار آورده است و فراتر از همه ، درختهای سرسبز و بادگیری مرتفع و اشرافی نگاه حسرت بار مرا در بدرو ورود به گرمی لبیک گفتند . از آن پس غرق تماشای چهره مردمی شدم که جناب ملاحسین در میان اجداد آنها نشو و نما نموده بود ، به دنبال چهره ای می گشتم که آن را در ذهن متلاطم خود به سیمای آن قهرمان قلعه شیخ طبرسی تبدیل نمایم . به آنها حسرت می خوردم ، چرا که بر چنین خاک مقدسی قدم گذارده و روزگار می گذرانند . سعادتی دارند که آرزوی میلیونها بهائی در سراسر دنیاست و از آن بیخبرند .

میخواستم فریاد بزنم ، ای بیخبران تا چند در خواب غفلت ، خود را از موهبتی که نصیبتان شده است محروم نموده اید . چرا چهره نورانی این دلاور مُمن بجای گرمی بخشیدن به قلب و مغز منجمدتان ، چشمهاستان را کور کرده است . هیاهوی مردمی که در میدان ده چشم انتظار مسافرانشان بودند ، رشته افکارم را پاره کرد . هنگام پیاده شدن از اتوبوس سر در ورودی و منار بلند مسجد شهر مرا به یاد مسجد ایلخانی ها انداخت . مدتی در محوطه سرسبز میان میدان ، زیر درخت کنسالی که شاید بر سر آن دلیر نیز سایه انداخته بود ، نشستم . سیمای عمومی شهر نمایانگر هوش و فراست مردمی بود که توانسته بودند بهترین اصول شهر سازی را در چند قرن پیش برای خود پیاده کنند و ساختمانهای آن گویای این واقعیت بود که بشرویه از محدود شهرهای ایران است که ابداعات و شیوه های غربی که اغلب با شرایط و احتیاجات فیزیکی اقتصادی ، اجتماعی و فرهنگی شرق مطابقتی ندارد ، کمتر آن را تحت تاثیر قرار داده است .

در زیارتگاه همسفرانم ، بعد از گرفتن اطاقی در هتل ، در پی یافتن وسیله نقلیه ای برای عزیمت به میعادگاه خود روان شدم . پرس وجودیم از مردم شهر حکایت از عدم اطلاع آنان از وجود چنین شهری در استان خراسان میکرد . در ترمینال اتوبوسهایی که عازم جنوب خراسان بودند چند نفری بشرویه را می شناختند ، گوئی باری از دوشم پرداشته شد . بليط اتوبوس را که تنها نشانه من از بشرویه بود ، مانند در گرانبهائی شاید دهها بار تا صبح ديدار کردم ، صحیح که همراه با اوج گرفتن خورشید از افق ، شوق دیدار خیر القراء " را در وجودم به نهایت میرساند . عبور از تربت حیدریه ، گناباد و فردوس را بخوبی بیاد ندارم . قبل از ديهوک اتوبوس جاده اصلی را بسمت چپ رها کرد و چرخهایش با سنگلاخهای جاده فرعی آشنا شد ، جوش و خروش همسفرانم حاکی از آن بود که این همان جاده ۵۰ کیلومتری است که به بشرویه ختم می شود .





قدمت این شهر به هزار سال می‌رسد . ناصر خسرو در قرن پنجم هجری از این منطقه دیدار واز بشرویه به نیکی یاد کرده است . تیمور لنگ نیز در تاریخ خود می‌نویسد : " در بهار ۷۸۸ هجری قصد کردم جهان را مسخر کنم و تسخیر جهان را از خراسان شروع نمایم ، قصدم از خراسان دیدن سبزوار و بشرویه بود ، نسبت به بشرویه توجهنداشتم مگر به مناسبت آنکه می‌گفتند تمام سکنه آن دانشمند هستند و در آن شهر کسی نیست که از علم برخوردار نباشد ولی با اینکه همه دانشمند هستند برای تامین معاش رحمت می‌کشند . وقتی قدم به بشرویه نهادم از وسعت معابر حیرت کردم ، زیرا در سمرقند هم اینگونه معابر وسیع وجود نداشت . "

سپس شرح مفصلی در باره آشنائی مردم بشرویه به علوم متداول و تفسیر قرآن و صنایع دستی و برک بافی بیان میکند ، تیمور پس از خروج از

گرمای خشک ۴۶ درجه این شهر را جز آن دیوارهای کلفت اطراف گذرگاههای باریک و طولانی که مجموعه فشرده و متراکم خشت و گل و طاق و گنبد را در بر گرفته بود ، یارای مقاومت نداشت . فکر کردم که اگر پروژه گلتافت (پختن خانه های خشتش) را که با همکارانم روی آن کار کرده ام با این معماری خشت و گل تلفیق شود . می‌توان معماری تکمیل شده در طی هزاران سال را حفظ نمود و از نابود شدن ۵۰۰۰ روستای ایران زیر بار بتن و فولاد جلوگیری کرد .

با این افکار به بخشداری رسیدم و در آنجا مستقر شدم ! مقصودم زیارت منزل جناب باب الbab بود که شنیده بودم بر سردرش این شعر حک شده است :

عشقت از این خانه فرازت کشد
سوی سراپرده رازت کشد

تصمیم گرفتم در لابلی تحقیقات پروژه شهر سازی هر جا که مقتضی شد مقصودم را عملی نمایم . پرس و جو را از تاریخ بشرویه آغاز کردم و به توصیه اهالی به مرکز اطلاعات یعنی مدرسه علمیه رفتم که ساختمان آن در قرن یازدهم هجری ساخته شده بود : حیاط داخل ، حوض بزرگ پر آبی را در وسط و حجره هائی را در اطراف خود جای داده بود . دو صقه بزرگ شمال و جنوب حیاط با دو طاق گنبدی بلند خودنمایی مینمود .

اولین هدیه مدرسه علمیه به من ، ردیه ای علیم دیانت مقدس بهائی و بیان اکاذیبی چند در تائید آن بود ، پس از آن مرا در استفاده از کتابخانه مدرسه علمیه آزاد گذاشتند . از لابلی نوشته های کتب قدیمی و گفته های طلاب مدرسه ، چنان برمی آمد که بشرویه به معنای محل روئیدن بش (نوعی گیاه) تعبیر میشود .

بیا بم . نگاهم فراتر از قدمهایم بدن بالش می گشت ، گوئی می خواست زودتر توفیق زیارت نصیبیش شود . وارد خرابه ای شدیم از چند دیوار بالا رفتیم و از پشت بام چند خانه گذشتیم ، اهالی ایستادند ، یقین کردم که همان جاست به بهانه خستگی سجده زده سر بر آستانش نهادم و خاکش را بوسیدم . جناب ملاحسین را در نظر آوردم که دستم را گرفته دعوت به ایستادن نمودند . گفتگوی اهالی مرا از آن رویای شیرین محروم نمود .

برخاستم ، از پشت بام نظاره گر خانه " اولین مومن من آمن " بودم . ابعاد حیاط ع^۶ می نمود جلوی رویم صفه تابستانی و ورودی و زیر پایم صفه زمستانی قرار داشت . چند درخت در با غچه در وسط حیاط خود نمائی میکرد . دورتا دور حیاط اطاقهای متروک با درهای قفل شده ، خاطرات ایام وصال را در خود حبس کرده و هنوز نوازش دستهائی که اسم اعظم را بر بازو داشت ، در خود حفظ نموده بود . شاید این صفه تابستانی پیش رویا اطاق بادگیر مجاور یا این حیاط کوچک دور تا دور پوشیده از طاق و گنبدهای خشته ، یا همین بام گرم و سوزان ، در شبی که آسمان باستاره های کهکشان راه شیری برسینه کویر روشی انداخته بود ، شاهد شروع زمزمه های دمیدن نخستین انوار ظهر کلی الهی در ضمیر اولین یابنده آن بوده است .

رشته افکارم را بیان وجود محلی بنام " محفل " پاره کرد . با اینکه از دیدار آن مکان مقدس دل نمی بردیم ، به قصد دیدار " محفل " آنجا را وداع کردم .

در فاصله ای نه چندان دور از منزل جناب ملاحسین در انتهای کوچه ای ، در قفل شده خانه ای را نشان دادند و گفتند که در آن زمان هر

بشرویه و حرکت بطرف جنوب ، طی فرمانی مردم بشرویه را از خراج معاف میدارد و آنجا را " دارالعلم و الامان " می نامد . در تاریخ تیموری آمده است که مردم بشرویه با احاطه ای که به قرآن و احادیث داشتند برای انجام هر کاری به آ耶 ای از قرآن استناد می جستند . (این مطلب هنوز هم بین اهالی رایج است) . علت پیدایش بشرویه را قنات معروف آن ذکر کرده اند که صدها سال مایه اصلی حیات ، بقا و اجتماع مردم بشرویه در ۵ کیلومتری شمال شرقی کویر بوده است .

ادامه گفتگو در مورد تاریخ بشرویه با مردم شهر حکایت از دلاوری می نمود که شرح دلاوریها یش در سینه پیر مردان پنهان بود ، دلاوری با ایمان که با یک ضربه شمشیر ، درخت و سرباز و تفنگ را به دو نیم کرده بود : قدرشید و سیمای روحانی تنها توصیفی بود که اهالی شهر از مردی می نمودند که شمشیری بلند و بازو بندی در دستش نمایان بود ، همه شجاعت و شهامت آن " بابی " را معلوم آن بازو بند می دانستند و می گفتند . بریازوبندش " اسم اعظم " نقش بسته بود . هنگام صحبت از ویژگیها یش ، احترام خاصی را رعایت می نمودند و خود به عالیقداری او اذعان داشتند و افتخار میکردند که خانه چنین بزرگمردی را تا آن زمان محافظت کردند . کنگاوه و اصرار من بالآخره چند نفری را راضی کرد تا مرا بطرف زیارتگاه اصلیم راهنمائی کنند . مخفیانه همراه آنها از میان کوچه های باریک و پرپیچ و خم بطرف مناطق قدیمی تر شهر براه افتادم و در طول راه شعر سر در خانه را در ذهن خود تکرار میکردم :

عشقت از این خانه فرازت کشد
سوی سراپرده رازت کشد

هر آن منظر بودم که آن را بر سردر خانه ای

مجسم است . صدای راننده را بیاد می آورم که میگفت : " این پیر مرد بهائی است " .



توضیح : این مقاله در مجله بانگ سروش پاکستان شماره — قبلًا منتشر شده و معهد اعلیٰ مقرر فرموده‌اند که در عندلیب نیز چاپ شود و علت انکه عکسها چندان رضایت بخش نیست اینست که اصل عکسها با وجود تقاضای فرستادن آنها برای چاپ در عندلیب از لجه‌ مجمله احبابی مهد امرالله در پاکستان هنوز به دفتر عندلیب نرسیده لذا از روی عکس‌های منتشره در مجله سروش کپیه برداری شده است

عندلیب

شب این خانه پر از بابی‌ها می‌شد . با اصرار زیاد از خانه‌های مجاور به پشت بام آن رفتم ، حیاطی به مراتب بزرگتر از سایر خانه‌ها داشت دیوارهای اطراف حیاط با گچ سفید شده بود ، رگه‌های خشک شده آب گل آلود حاکی از آن بود که مدت‌هاست ندای بانک مناجاتی از آن بر نخاسته است . در خیال اطاقهای بسته اطراف حیاط را مملو از احباء تصور کردم که همه منتظر ورود جناب ملاحسین بودند ، صدای شیوه اسبی تکبیر همه را بر آسمان برد و مرا از گذشته خیال به حال .

دیگر هوای گرم و سوزان بشرویه را احساس نمی‌کردم . احساس آن بود که بس موهبتی است تنفس در هوایی که آن بزرگوار در آن دم میزد .

از آن پس بدنبال یافتن و دیدار احباء بودم ، آنچه شنیدم گویای این حقیقت بود که در خود بشرویه احمدی باقی نمانده است و همه آنها در روستای مجاور بشرویه زندگی می‌کنند ، امکان رفتن به آن ده برايم میسر نبود . به آسیابی در نزدیکی آن رفتم و از دور نظاره گر آن روستا شدم . پیرمردی از آسیاب بطرف آن روستا براه افتاد ، صدایش کردم ، آرام رویش را چرخاند . چهره شادش برايم بسیار آشنا جلوه کرد ، در او روحانیتی احساس کردم . تقاضای عکس گرفتن مرا پذیرفت ، کیسه آردش را بزمین گذارد ، همچنان لبخند میزد ، از دریچه دوربین مدتی او را نگاه کردم ، ریش سفید کوتاه ، گونه‌های لاغر و استخوانی ، پوست آفتاب سوخته و کلاهی بر سر ، تابش زیاد آفتاب به چشم‌انش ، پیشانی اش را چروک انداخته بود . عکس گرفتم . کیسه آرد را بر دوش پیر مرد ۷۵ ساله نهادم . با چشم او را تا دور بدرقه کردم . قامت خمیده او در آن دشت کویر همواره در یادم

از مامه‌های شیخ محمد شاپور مرکزی

(مأخذ دارالافت، محمد اعلی)

روی سخن با عاشقان طلعت منان در خطه روحپور گرگان است. هرچند دلدادگان دلبر میثاق و یگسواران مضمون وفاق علی‌الخصوص یاران جان‌نثار این دیار همه آیات باهره خلق جدیدند و نمونه‌های بارز و درخشان خلق و خوی حق حمید، سرحلقه ابرارند و اخیار دربار حضرت مختار، بزینت اخلاق بهائی مزینند و بطراز و شیم مرضیه اهل بهاء مطّرز، جامع جمیع کمالات انسانیند و متصف به هر صفات رحمانی. ولی تکرار قول در این مقال چون قند مگر است و چون مشک مزعفر. ملل نیاورد و کل نبخشد، سور انجیزد و گرد شف بیزد، که یک قصه بیش نبود این حکایت عشق وز هر زبان که میشنوم نامکر است.

آن کیست که از شرح وفا خسته شود، آن کیست که از بحث امانت و تقوی ملوں گردد، آن کیست که از داستان راستان و راستگویان سیر شود، دیگر آن کیست که از آداب و ادب رنجور گردد وعاقبت آن کیست که چون بلف کلام و حسن بیان دلالت شود بیفسرد و اعراض کند.

اگر بدانیم، دوباره شنیدن دانش افزاید. واگر ندانیم، چرا نیاموزیم و چراغ وجود بمشعل خلق و خوی بهائی بیفروزیم، و اگر میدانیم و عمل نمیکنیم تبلیغ را سد سدید گشته‌ایم و تبشير را بند شدید، چه که اقوالمان مخالف افعال است و اسرارمان مباین اجھار و لاجرم آنچه گوئیم اثر نکند و ثمر نبخشد. نفسی را بشریعه رحمن دلالت نکند و پرده حجبات احدي نسوزد و آتش شوق و قبول در قلب کس نیفروزد و چون خدای ناکرده چنین شود شاخی بی بر و باریم که تنها لایق ناریم و جز سوختن و فنا گشتن ثمری نداریم. "نه شکوفه‌ای نه برگی نه ثمر نه سایه دارم - متّحیرم که دهقان به چه کار کشت ما را". و بیشک اگر به تبلیغ نپردازیم و جان برسر پیمان نبازیم و سر در اینه ببای دوست نیاندازیم اهل دغایم نه مرد وفا. ذکری از وفا رفت کام جان شیرین شد که به تأکید قافله سالار بندگی خدا حضرت عبدالبهاء: "در عالم وجود صفتی بهتر و خوستر و شیرینتر از وفا نیست..." و چقدر شیرین است که ما مدعیان عشق بهاء در هر آن و هر جان نرد وفا بازیم و سر به راه دوست اندازیم. در قول وفا کنیم و به آنچه گوئیم عمل نمائیم. تعهدات خویش ایفا سازیم و آنچه را بعده همت گرفته‌ایم بسامان برمی زیرا که بفرموده حضرت دوست: "اگر انسان از جمیع صفات حمیده معروف باشد ولی به این صفت قدسیه موصوف عاقبت حائز کمالات میگردد و اگر چنانچه حائز جمیع صفات کمالیه باشد واز صفت وفا بی بهره آن کمال به نقص مبدل گردد".

غالباً چه در امور عادیه و چه در طریق خدمات امریه بصرف علائق قلبیه و وجدان بیدار و عشق بذات کردگار و در آرزوی اعتلای امر حضرت مختار تعهداتی بعده میگیریم و گاهی متأسفانه احتمالاً اجرای آنرا فراموش میکنیم یا خدای ناکرده گرفتار همهمه عقل لوّامه یا دمدمه نفس دمامه میشویم. از مصارف مادیه میهاراسیم یا صرف اوقات گرانبها جائز نمیدانیم و انجام تعهدات بتعویق میافکنیم و غافل از آنیم که جمعی به اطمینان ما و با قید آنکه این کولیبار برشانه ما استقرار یافته و بصرف وفا تا سرمنزل مقصود حامل آنیم، غافل از آنند، و چون ما در نهایت جفا ترک وفا کنیم و شانه از زیر بار کشیم سرنگون گردد و به منزل نرسد و کار سامان نیابد. البته عزیزان گرگان تاکنون عامل تعهدات خویش بوده‌اند و صد البته که در آینده نیز خواهند بود. اهل وفا بوده‌اند، مرد وفا بوده‌اند، بزم وفا آراسته‌اند، و در آینده نیز چنین کنند، بل چنین‌تر کنند تا عالمی را از وفای خویش باخبر کنند.

جانتان خوش باد - محفل روحانی گرگان

پژوهش خواندن گانز احمد

اول پیشبرد اهداف مجله و پیشرفت چشمگیر آن و ثانی تثبیت قیمت . در مورد مسئله اول با کوشش فراوان و مساعدت ارباب قلم و دانشمندان توفیق بسیار نصیب گردیده که بشهادت یاران عزیز الهی که از فحوای مکاتیب آنان استنباط میگردد ولو آنکه آثرا ، از روی محبت و بنا بر فرضه تشویق نگاشته شده مجله عنديليب طریق پیشرفت را پیموده است .

اما در مسئله ثانی همانطور که خوانندگان ارجمند و مشتاقان عنديليب آگاهند این مجله یا تبرعات کریمانه دوستان و با اخذ حق اشتراك شروع بکار کرد بدون آنکه کوچکترین کمک مالی از مراجع امری دریافت دارد و در اول کار قیمت گزاری آن با توجه بقیمت کاغذ و هزینه چاپ و مخارج پست و جزئی هزینه های جاری بدون انتفاع در نظر گرفته شد . و در این چند ساله ابدا با وجود ترقی قیمتها در حق اشتراك عنديليب تجدید نظری بعمل نیامده است .

ولی دوستان خود ناظر و آگاهند که در این چند ساله قیمتها بعلت تورم در ترقی بوده و بحکم اجبار هزینه های مجله عنديليب نیز از این اصل کلی مستثنی نبوده است بناءً علیهذا بعد از مذاکرات و مشاورات لازم با ارباب نظر و بعضی از مشترکین عزیز باین نتیجه رسیدیم که اگر بعد از هفت سال بحق اشتراك مجله مبلغی اضافه شود علاوه بر اینکه در زندگانی یاران خالی ایجاد نمی کند در کمک بمخارج عنديليب بی تاثیر نخواهد بود .

دوستان رحمانی و حبیبان معنوی همانطور که خاطر شما عزیزان مستحضر است شماره ۲۸ مجله عنديليب که هم اکنون در دست شما است و مشغول مطالعه آن میباشد ، بیانگر اختتام هفتمین سال انتشار مجله عنديليب بوده و شماره آتی آغاز هشتمین سال ولادتش را نوید میدهد .

در این مدت کوتاه خادمان مجله عنديليب نهایت کوشش را در تهیه مطالب و تنظیم مباحث و تصویب مقالات و سائر امور مربوط به مجله بعمل آورده و در پیشبرده اهداف مجله بقدر امکان سعی بلیغ نموده اند ولی با وجود این اقرار می نمائیم که آنطور که باید و شاید هنوز کامیاب نشده و نقاصلی از قبیل اغلاظ جزئی که در هنگام تصحیح و مقابله ، بنظر نرسیده و یا تاخیر در انتشار بجهات فنی ، موجود است که البته با سعی بیشتر و همکاری بعضی از دوستان انشاء الله بر طرف خواهد شد .

تصور نفرمایید که ما خادمان مجله هیئتی متخصص و کار آزموده هستیم بلکه چند نفری از روی شوق و ذوق بخدمت و با استظهار بتوفیق الهی و توجهات معهد اعلی بدون هراس باین کار مهم دست زده و الحمد لله که توفیق انجام این مهم من غیر استحقاق و زائد بر انتظار نصیب گردیده است .

البته نباید از نظر دور داشت که تشویقات مستمره دوستان نیز از هر حیث ما را دلگرم و با انجام خدمت امیدوار ساخته است در آغاز کار نظر این هیئت بدو امر مهم معطوف بود .

دهنده فرستاده میشود.

دostan عزیز احبابی باوفای الی عنديلیب مال شما است این مجله بهمت شما عزیزان تحت اشراف محفل مقدس ملی کانادا تاسیس یافته بدostan و نزدیکان خود توصیه نمائید تا هر چه بیشتر مشترک شوند . الواح و آثار منتشره در آن و مطالب و مباحث متنوعه ازرا برای اطفال و نوجوانان خود بخوانید و بیا موزید و روحهای پاک آنان را باثار امریکه و معارف بهائی بواسطه عنديلیب آشنا سازید .

با تقدیم ادعیه حاره بهائی
هیئت تحریریه عنديلیب

در سفرنامه مبارکه جلد اول مذکور است :

(یکی از اهالی امریکا که از تشرف حضور بوجود و شور آمده بود عرض کرد چه کنم که این تعالیم مبارکه را بتوانم عمل نمایم عیوب را نه بینم و حالت تحمل داشته باشم فرمودند همیشه ملتقت حال خود باش به بین چه نقصی داری کوشش نما تا آنرا اصلاح کنی چشم انسان هم کور است و هم ذره بین کور است از دیدن نقائص خود . بینتا و ذره بین در خطاهای دیگران .



بنا بر این حدّ اقل ممکنه در نظر گرفته شد و حق اشتراك برای سال ۱۹۸۹ شماره اول سال هشتم بدین طريق تعیین گردید : کانادا ۲۵ دلار (که سال قبل ۵ دلار اضافه شده است) کشور امریکا ۳۰ دلار امریکائی و ماوراء البحار (سایر کشورهای جهان) ۳۵ دلار امریکائی . تک شماره ۹ دلار میباشد .

از مشترکین عزیز تقاضا داریم اوراق اشتراك میمه مجله را تکمیل و با حق اشتراك چک مانی اوردر ارسال فرمایند که موجب تشکر است . توضیح انکه قبول چکهای شخصی احباب از کانادا و امریکا اشکالی ندارد ولی در سایر کشورها بعلت هزینه سنگین بانکی از وصول چکهای شخصی معذوریم و چکهای حق اشتراك حتما باید مانی اوردر یا حواله بانکی باشد .

ضمنا یاد آور میشود که شروع سال مالی مجله عنديلیب زمستان سال میلادی است بنابر این زمستان ۱۹۸۹ اول سال برای پرداخت حق اشتراك جدید میباشد و همچنین از دوستانی که در سالهای قبل علاوه بر پرداخت حق اشتراك برای خود چندین شماره برای افراد کم بضاعت تقبل فرموده و یا تبرعی کریمانه بصندوقد عنديلیب کمک نموده اند سپاسگزاریم و امیدواریم که باین خدمت ذیقیمت و پر اجر ادامه دهند .

ولی باید در نظر داشت افرادیکه قبلا حق اشتراك برای چند سال بعد نیز با قيد دربرگ اشتراك " پرداخته اند از پرداخت مبلغ اضافی آینده معافند .

از انجا که بعضی از یاران عنديلیب را بعنوان هدیه جشن عروسی و جشن تولد و سائر موارد شادکامی میفرستند باطلاع این روش دلان میرسانند که کارتاهای مخصوصی برای اینگونه هدیه ها تهیه شده که ضمیمه عنديلیب با ذکر نام هدیه

حوادث مرگبار ناشی از شرب مسکرات

«از جای ب نصرت به محمد حسینی»

نصوص کتابهای آسمانی در نکوهش از شرب
مسکرات.

در جمیع کتب مقدسه الهیه شرب مسکرات و بویژه باده گساری بطور کلی تقبیح گشته است ولکن تصریحات قلم اعلی، حضرت نقطه اولی، حضرت مولی الوری و مقام ولایت عظمی در این باب واجد قاطعیت دیگر است زیرا حاوی لفظ "حرمت" است. در این مقام مناسب است نظری شود به محتوای برخی از کتب الهیه از قبل و نیز آثار نازله از اقلام طلعتات مقدسه در این ظهور اعظم. کتاب مقدس تورات: دور از جنجال اصحاب جدال در باب حلیت صرف شراب و مراسم مخصوصه باید گفت که در کتاب آسمانی تورات بکرات شرب مسکرات نکوهش شده و بویژه با دگساری بسیار تقبیح گشته است. از میان دهها آیات در کتاب مقدس مذکور به ذکر مورد ذیل اکتفاء می رود. در آیه نخست از باب بیستم کتاب امثال حضرت سلیمان نبی مذکور است: "شراب استهزاء می کند و مسکرات عربده می آورد و هر که به آن فریفته شود حکیم نیست". و در باب بیست و سوم همان کتاب وارد است: "بشراب نگاه مکن وقتی که سرخ فام است . حینیکه حبابهای خود را در جام ظاهر می سازد و بملایمت فرو می رود . اما در آخر مثل مار خواهد گزید و مانند افعی نیش خواهد زد . چشمان تو چیزهای غریب خواهد دید و دل تو بچیزهای کج تنطق خواهد نمود (آیات ۳۴ - ۲۱) . و نیز در باب سی و یکم از همان کتاب مذکور است: "... پادشاهان را نمی شاید که شراب بنوشند و نه امیران را

نگارنده در سالهای اخیر پژوهشی گسترده در باب جرائم ناشی از شرب مسکرات و بویژه حوادث مرگ آور رانندگی مربوط به آن در غالب کشورهای انگلیسی زبان و برخی از دیگر نقاط جهان داشته است. در مسیر پژوهش با بسیاری از سازمان های ملی و جهانی آشنا شده و احیاناً اهداف انسانی آن مؤسسه ای را در جهت نهی از شرب مسکرات و ارتکاب دیگر سینمات قلبی تجلیل نموده است. زیرا افعال وجودات انسانی و تأسیسات اجتماعی اگر در جهت تحقق تعالیم جمال قدم باشد شایسته تقدیر است. سازمان Madd (Mothers Against Drunk Drivers) مادران دلسوزخنه ایست که جگر گوشگان خود را در حوادث مرگبار رانندگی ناشی از صرف مسکرات از دست داده اند، از آن دسته است. کارکنان سازمان مذکور برایگان باد دل و جان در تلاش اند تا بدیگران بگویند که چگونه جگر گوشگان آنان در بهار جوانی بخارط مستی پستی چند در سینه سردگور آرمیده اند. در دفتر کار خانم سلی گریبل Salley مدیر سازمان مذکور در کشور کانادا تصاویر دختران و پسران جوان معصومی دیده می شود که روزگاری خنده آنان شادی بخش دلهای مادران و پدرانشان بوده و امروز در گور تاریک خفته اند. شرب مسکرات در جهان بیداد می کند. آمار جنایات ناشی از صرف مسکرات سرسام آور است. عجب نیست زیرا هر سال صدها میلیون دلار در جهان صرف تبلیغ و تعریف از انواع مسکرات می شود و وسائل ارتباط جمعی بنحوی مستقیم ناس را به صرف الكل تحریک و ترغیب می نمایند.

آثار مقدسه امر بدیع : در آثار حضرت نقطه اولی شرب مسکرات تحریر شده و از جمله در باب هشتم از واحد نهم بیان فارسی حرمت آن تصویر گردیده است . در باب هشتم از واحد نهم بیان عربی حتی تملک مسکرات را نیز جائز ندانسته اند . باید توجه داشت که نخستین بار لفظ تحریر در باب مسکرات بتصریح در آثار نقطه بیان زیارت گردیده است . اما تذمیم و تحریر شرب مسکرات در آثار قلم اعلی بکرات تصریح شده است . از جمله در کتاب مستطاب اقدس نازل است : " لیس للعاقل ان یشرب ما ینهبا به العقل وله ان یعمل ما ینبغی للانسان ملا یرتكبه کل غافل مریب " . و در لوح مبارک رام در باب خمر نازل است : " انها حرمت علی کل مومن و مومنه " . و نیز در کلمات مبارکه مکنونه است : " ای پسر خاک از خمر بی مثال محبوب لایزال چشم مپوش و بخمر کدره فانیه چشم مگشا " . در آثار حضرت عبدالبهاء به استناد نصوص قلم اعلی ممنوعیت شرب مسکرات در موضع متعدده تاکید گردیده است و از جمله در لوح مبارک خطاب به استاد علی فخار طهرانی می فرمایند : " اما شراب بنص کتاب اقدس شریش ممنوع ... " . حضرت ولی امرالله نیز بکرات در تواقیع مبارکه خویش حتمیت حرمت مسکرات را تصویر فرموده اند . از جمله در ابلاغیه مبارکه مورخه پانزدهم مارچ ۱۹۳۲ میفرمایند : " شرب خمر و تریاک از محramat منصوصه حتمیه است " .

الکل و حوادث رانندگی

هدف پژوهش اختصاری حاضر بررسی نتایج وخیمه حوادث مرگ آور رانندگی ناشی از شرب مسکرات است و مطالعه در باب دیگر جرائم ارتكابی ناشی از صرف الكل چون قتل ، جرح ، ضرب و اعمال منافی عفت به تحقیقی دیگر احواله

که مسکرات را بخواهند . مبادا بنوشند و فرائض را فراموش کنند " (آیات ۵ - ۴) . در آیات هشتم و نهم از باب دهم سفر لاویان وارد است : " وخداؤند هارون را خطاب کرده گفت تو و پسرانت با تو چون به خیمه اجتماع داخل شوید شراب و مسکرات متوشید مبادا بمیرید . این است فرضه ابدی در نسلهای شما " . کتاب انجیل جلیل : در مواضع متعدده از این کتاب مقدس نیز شرب مسکرات و علی الخصوص باده گساری تذمیم گشته است . برای نمونه به سه مورد اشاره می شود . در باب نخست از انجیل لوقا از لسان فرشته خداوند خطاب به زکریا پدر حضرت یحیی تعمید دهنده و در باب آن حضرت مذکور است : — زوجه ات الیصابات برای تو پسری خواهد زاید و او را یحیی خواهی نامید ... در حضور خداوند بزرگ خواهد بود و شراب و مسکرات نخواهد توشید ... " (آیات ۱۵ - ۱۳) . در باب چهاردهم رساله پولس رسول به رومیان مذکور است : " شراب ننوشیدن ... نیکوست " (آیه ۲۱) . و نیز در آیه هجدهم از باب پنجم رساله پولس رسول به افسسیان وارد است : " و مست شراب مشوید که در آن فجور است " .

کتاب قران شریف : تذمیم شرب مسکرات در قران مجید از جمله در آیات ذیل نازل گشته است . در سوره بقره نازل است : یسئلوونک عن الخمر والمیسر قل فیهما اثم کبیر و منافع للثّالث و اثمهما اکبر من نفعهما ... " (آیه ۲۱۹) . و در سوره مائدہ نازل است : " یا ایها الذین آمنوا انما الخمر و المیسر والانصاری و الازلام رجس من عمل الشیطان فاجتنبوا لعلکم تفلحون . انما یرید الشیطان ان یوقع بنیکم العداوة و البغضاء فی الخمر و المیسر و یصدکم عن ذکرالله ... " (آیات ۹۱ - ۹۰) .

رانندگی ناشی از صرف الكل را در بریتیش کلمبیا ۲۹ درصد همه مرگ‌های ناشی از حوادث رانندگی می‌داند.

۲ - ایالات متحده آمریکا : به استناد پژوهش زانگ Zung در ایالات متحده آمریکا بتقریب سی و هفت درصد مرگ‌ها در حوادث رانندگی ناشی از شرب مسکرات است. بر پایه پژوهش گستردۀ NCSA در فاصله ۱۹۸۰-۱۹۷۹ در حوادث رانندگی ناشی از صرف الكل در ایالات متحده آمریکا بیست و چهار بیست و هفت هزار و پانصد تن کشته و بیش از هفتصد هزار تن مجروح گردیده اند. بر اساس آمار منتشر از سوی سازمان ملل متحده در سال ۱۹۸۱ در حوادث رانندگی ناشی از صرف الكل در ایالات متحده آمریکا ۲۳۱۳۷ تن کشته شده اند. سر انجام به استناد پژوهش برداشتک Bradstock و همکارانش (منتشر بسال ۱۹۸۲) در سال ۱۹۸۳ قریب پنجاه و هشت درصد حوادث مرگبار رانندگی در ایالات متحده آمریکا ناشی از صرف الكل بوده است.

۳ - کشورهای دیگر : گزارش OECD (Organization for Economic Co-Operation and Development) همکاری و گسترش اقتصادی در سال ۱۹۷۸ گویای آنست که سی تا پنجاه درصد مرگ‌های مربوط به حوادث رانندگی در کشورهای صنعتی جهان ناشی از شرب مسکرات بوده است. به پژوهش‌های یاد شده باید ضم شود پژوهش جالب اندرسون Anderson و بونیکسن Bonnicksen در کشور سوئد. برپایه پژوهش آنان در سال ۱۹۶۳ بعلت اعتصاب در سازمانهای وابسته به تجارت مسکرات و در نتیجه کاهش میزان عرضه و مصرف الكل (بمدت دو ماه) میزان حوادث مرگبار رانندگی در آن کشور بشدت کاهش یافته است.

میشود. فرض Hypothesis نگارنده در پژوهش تفصیلی خویش (که از پیش مذکور آمد) گویای آن بوده که صرف الكل مهمترین عامل وقوع حوادث مرگبار رانندگی است و میزان آمار تلفات ناشی از این گونه حوادث با افزایش میزان صرف الكل بالا می‌رود. برای اثبات این هیپوتوز در هر کشور دهها پژوهش موثق پرسی، ارزیابی و نقد گردیده است. در این مقالت تنها به برخی از آن تحقیقات اشاره میشود.

آمار تلفات

۱ - کانادا : آمار بنیاد تحقیق در باب اعتیاد در تورانتو Toronto Addiction Research Foundation (و بحقیقت همکارسازمان بهداشت جهانی W.H.O.) نشان می‌دهد که در کانادا ۳۶۱۲ تن در حوادث رانندگی سال ۱۹۷۹ بقتل رسیده اند و مرگ ۲۱۶۷ تن از آن نفوس مقتوله حاصل حوادث رانندگی ناشی از صرف مسکرات بوده است. برپایه گزارش " گروه کارکنان آمار الكل " حوادث رانندگی ناشی از شرب مسکرات در سال ۱۹۸۰ در کانادا ۲۷۰۰ مرگ زود رس و ناگوار بهمراه داشته است. به استناد پژوهش کی وی کینک Kivikink و همکارانش که در سال ۱۹۸۶ انتشار یافته است بتقریب ۵۶ درصد حوادث مرگبار رانندگی در ایالت آنتاریو Ontario (کانادا) ناشی از صرف Vingilis مسکرات بوده است. وین چیلیس و همکارانش نیز در پژوهش منتشر در سال ۱۹۸۷ این امر را تأیید نموده اند. دکتر مرسر Mercer در پژوهش گستردۀ خود (در سال ۱۹۸۴ الكل در بریتیش کلمبیا (کانادا) بتقریب ۱۶۳۰ تن کشته و ۴۶۷۴. مجروح گردیده اند. مرکز آمار کانادا Statistics Canada

- میزان مرگ‌های مربوط به حوادث

Collection در جریان برخی از آن تحقیقات و کار برد روشهای تحقیقی مناسب سر انجام نگارنده در اثبات تئوری خود توفیق یافته و به این نتیجه رسیده است که شرب مسکرات از اهم عوامل وقوع حوادث مرگبار رانندگی است . در پژوهش تفصیلی بحقیقت به عوامل دیگر نیز چون سن ، جنس ، تجربه رانندگان و نیز اوضاع وسیله نقلیه توجه شده و باصطلاح تحقیق مبنی بر تبیین علت واحد Single cuase explanation نبوده است .

افزایش مصرف الكل در کشورهای جهان

سازمان بهداشت جهانی (World Health Organization) از اوائل دهه پنجماه

که دکتر ای. ام جلینگ E.M. Jellineck مشاور آن سازمان ، الکلیسم را گونه ای بیماری تشخیص داد به مسائل مربوط به مصرف الكل بی نهایت توجه نموده است . در پرتو توجه سازمان جهانی بهداشت گروهی از پژوهشگران برجسته موضوع افزایش میزان مصرف الكل در سطح جهانی و آثار وخیمه آن را مورد بررسی قرار دادند .

موزر Moser با استمداد از افراد و سازمانهای ذی علاقه به موضوع مصرف الكل و نتایج آن از هشتاد کشور جهان نشان داد که در فاصله سالهای ۱۹۵۰ - ۱۹۷۰ مصرف الكل بشدت افزایش یافته است . برپایه پژوهش موزر در این مدت میزان مصرف الكل در ایالات متحده آمریکا و استرالیا دو برابر و در اتریش تقریبا سه برابر شده است . موزر همچنین دریافت که مصرف شراب در این مدت در کانادا پنج برابر گردیده است .

بر پایه آمار جمع آوری شده (در سال ۱۹۸۳) وسیله بخش اطلاعات آماری بنیاد تحقیق تورانتو در باب اعتیاد بعنوان مرکز مهم همکاری با سازمان بهداشت جهانی ، مصرف الكل در دو

سیماه کریه آمار حوادث مرگبار رانندگی ناشی از شرب مسکرات هنگامی بوضوح تصویر می شود که با آمار حوادث جنائی دیگر مقایسه گردد . مقایسه آمار قتل جنائی در کانادا و دیگر کشورهای جهان با آمار حوادث مرگبار رانندگی ناشی از الكل بخوبی آثار وخیم شرب مسکرات را از لحاظ اجتماعی تصویر می نماید . باید توجه داشت که شرب مسکرات در ارتکاب انواع قتل نیز نقش حساسی دارد و بر رسی میزان تاثیر مسکرات در جنایات دیگر واژ جمله قتل (همانطور که از پیش مذکور آمد) به پژوهشی دیگر احاله می گردد .

به استناد آمارهای منتشره از سوی مرکز آمار کانادا Statistics Canada در فاصله سالهای ۸۴ - ۸۲ آمار قتل جنائی در این کشور رقم ۲۰۰۵ را نشان می دهد . حال آنکه رقم مرگ های مربوط به حوادث رانندگی ناشی از شرب مسکرات در همان فاصله زمانی و تنها در هفت ایالت کانادا ۸۹۸۶ بوده است .

بر پایه پژوهش سازمان ملل متحد (منتشر بسال ۱۹۸۵) در ایالات متحده آمریکا طی سال ۱۹۸۲ رقم کل آمار قتل های جنائی ۲۲۰۷۳ است . حال آنکه تعداد مرگ های مربوط به حوادث رانندگی ناشی از صرف الكل ۴۴۲۱۳ است . چنانکه خواهد آمد باید توجه داشت که مصرف مسکرات در سالهای اخیر در کانادا بنسبت بیش از ایالات متحده آمریکا بوده است

استنتاج

پس از بررسی قریب یکصد پژوهش علمی (که به برخی از آنها اشارت رفت) و توجه به میزان اعتبار Validity و قابلیت استناد Reliability آنها و گذر از وادی صعب العبور ارزیابی مأخذ و منابع متغیر الطبع و بقول کمبل Campbell و استنلی Stanley پویش تغییر The Process of change " یا پویش Instrumentation وجود و عنایت به امکان Bias in data سوگیری در جمع آوری اطلاعات

مسکرات موضوع پژوهش دهها کارشناس امور رانندگی، روانشناسان و زیست شناسان جهان بوده است. از میان دهها پژوهش گسترده و فشرده در این باب می توان به تحقیقات هیکز (Hicks 1972)، لورل Laurell (1976) و برگ Bragg و ویلسون Wilson (1980) و ساتن Sutton (1983) اشاره کرد. کار رانندگی مجموعه ای از فعالیت های بدنی و عصبی و عقلانی راننده است که می توان بدانها نام مهارت رانندگی داد. این مهارت توجه به جهات و نکات بسیار Divided Attention است و مسکرات این توجه را بشدت تضعیف و گاه نابود میسازد. آثار وخیم مسکرات در بدن و رفتار انسانی از جهات مختلف در آثار مبارکه این ظهور اعظم توضیح گردیده است. حضرت عبدالبهاء از جمله در لوح مبارک به افتخار احبابی قدیم آباد قزوین میفرمایند: شراب انگوری هوشیاری ببرد و از عقل و ادراک بیزار نماید. بالغ رسید را مانند طفل رضیع کند و عاقل دانا را رئیس جهلا تمايد. باری جوهر پژوهش اهل تحقیق در بیان مبارک حضرت عبدالبهاء است در لوح استاد علی فخار طهرانی که پس از بیان حرمت صرف شراب می فرمایند: ... زیرا شربش سبب امراض مزمنه و ضعف اعصاب و زوال عقل است.

تربیت روحانی و تحریم مسکرات

در دهه های قرن بیستم تاکید قانونگذاران و مسئولان نظام اداری جهان (چون گذشته) بیشتر بروpus مقرر اتی بوده که بنظر آنان سبب کاهش حوادث رانندگی ناشی از شرب مسکرات است. اگرچه مقررات جزائی اصولاً بازدارنده است ولکن پژوهش های گسترده بسیار نشان داده که اثر بازدارنده این مقررات در کوتاه مدت است و پس از زمانی اندک بکلی کاهش

سوم از ۱۶۴ کشور جهان که ارقام مربوط به فاصله سالهای ۱۹۷۲ - ۱۹۷۰ را به بنیاد مذکور ارسال داشته اند دو برابر شده است.

کمیته متخصص آمار مربوط به الكل Expert Committee on Alcohol Statistics

وابسته به مرکز آمار کانادا در گزارش مخصوص در باب آمار مصرف الكل در این کشور تصویح می کند که در سال ۱۹۷۰ بطور متوسط هر کانادایی بالغ سالانه دو گالون الكل مصرف می نموده و این مقدار در سال ۱۹۷۸ به ۲/۵۶ گالون افزایش یافته است. این گزارش همچنین تصویح میکند که مردم کانادا در سال ۱۹۷۸ (بالنسبه بسال ۱۹۷۰) به شرب مسکرات بسیار قوی تری نیز مبادرت ورزیده اند.

بدینه است در اجتماعی که شرب مسکرات در آن تشویق می شود و هر روز افزایش می یابد، افزایش میزان جرائم ارتکابی ناشی از صرف الكل امری طبیعی و نتیجه حتمی این کجروی است.

تأثیر الكل در کیفیت رانندگی

بر پایه پژوهش گسترده انجمن پزشکی آمریکا American Medical Association مسکرات آثار بسیار نامطلوبی بر نظام مرکزی اعصاب دارد و موجب کاهش شدید میزان ادراک و قدرت ارزیابی اعمال و اختلال در تنظیم وظائف حواس آدمی می گردد. مسکرات همچنین مقاومت در برابر نور و سائط نقلیه مقابل را نا ممکن و قضاوت در باب فواصل را بکلی تضعیف مینماید و زمان واکنش Reaction Time را بسیار افزایش می دهد. بدینه است هرچه میزان مصرف الكل بالا رود آثار وخیم آن در حوادث خونین رانندگی افزایش می یابد. موضوع افزایش زمان واکنش و نابسامانیهای سلسله اعصاب بر اثر شرب

در زنگ حُسْمِ مرنگ

امر الهی راجع است ، الوان نیز که در آثار شیخیه و یا کتب و تفاسیر حضرت باب برای توصیف ارکان عرش و یا ملائکه اربعه و یا مراتب وجود و از این قبیل بکار رفته راجع به مظہر امر و صفات و کمالات و خصوصیات او میگردد و اوصاف مندرج در این آثار که کل درهاله ای از تعبیرات ماوراء طبیعی پیچیده است . در آثار بهائی مفاهیمی پیدا مینماید که در مظہر امرالله و تحقق کلمه الله متجلی است .

بدیهی است که این مطلب را نمیتوان در همه موارد و در همه آثار بهائی عمومیت داد و گفت که کلیه مفاهیمی که با الوان مختلفه توصیف گشته صرفاً به اعتبار مفاهیم ناسوتی آنهاست .

مؤلف محترم سپس به استفاده از رنگها در آثار اسلامی ، بابیه و شیخیه و فلسفه و متفکران گذشته اشاره کرده مینویسد "... در مقایسه با آثار اسلامی و بابی ، در آثار بهائی استفاده ای بمراتب وسیع تر از رنگ ها بعمل آمده و الوان مختلفه حامل معانی و مفاهیم و بیان کننده افکار و احساسات عدیده ای گردیده اند که مطالعه همه جانبه آنها برای فهم بهتر آثار مبارکه بسیار پراهمیت و در عین لطف و غذوبت ، خالی از صعوبت نخواهد بود . گو آنکه ریشه بسیاری از این معانی و مفاهیم و افکار و احساسات را میتوان با توجه به سوابق گذشته آنها در آثار منتهی قبیل کم و بیش پیدا نمود اما سعی در این قبیل ریشه یابی ها ممکن است

آثار و الواح صادره از اقلام هیاکل قدسیه در امر بهائی دریائی را مانند است که گوهرهای بی شمار در آن نهفته باشد . اگر غواصانی چالاک در گوشه و کنار این بیخ زخار به کاوش پردازنده بی تردید به آن در در ثمینه دست خواهند یافت .

محقق هوشمند جناب دکتر وحید رافتی از جمله کسانی است که در این دریای گوهر را به جستجو پرداخته و حاصل کار خود را از جمله در رساله ای بنام " الوان در آثار بهائی " به مشتاقان معارف امری عرضه کرده است .

ایشان در باره کار برد رنگها در متون بهائی چنین میگویند : "... الوان در عبارات و نصوص مختلفه و تعبیر گوناگون بطور پراکنده بکار رفته و وسعت و کثرت استفاده از آنها بحدی است که مطالعه هر جانبی و وصول به استنتاجات کلی را در باره معانی الوان در آثار بهائی مشکل میسازد . آنچه فعلًا میتوان گفت آنست که الوان در متون مختلفه فلسفی ، عرفانی ، کلامی و ادبی بهائی بکار رفته تا حالات روحی ، کشش ها و جذبات عرفانی و حقائق و مفاهیم ماوراء الطبیعه را تبیین نماید .

کار برد الوان در این آثار گاهی بصورت استعاره و مجاز گاهی بصورت واقعی و حقیقی است . از آنجائی که در آثار بهائی بسیاری از اسماء حسنی و صفات علیا و تعبیر مریوط به عرش و کرسی و از این قبیل صرفاً به مظہر

که اسیر رنگ دنیا و مخلق فیها نشده اند و بصیر الله فائز گشته اند یعنی بررنگ حق در این ظهور بدیع در آمده اند و آن تقدیس از جمیع رنگهای مختلفه دنیاست .

حضرت مولی الوری از جمله در لوحی خطاب به استاد مهدی صباح چنین میفرمایند (۱) " هوالله ای صباع معنوی از جمیع الوان عتیق بیزاری جو و در این خم ببررنگ دمی درنگ کن تا از جمیع الوان مقدس و منزه و مبرا گردی و بنور هدی متور شوی . این خم اگر چه از عالم بی رنگی است ولی مشکاه نور است و نور دارنده همه رنگهاست . از خدا خواهم که چنان شعله ای زنی که در نوش آباد نوشانوش پیمانه میثاق در گیرد و هر بی گوش و هوش هوشیار شود و دلبر عرفان را در آغوش گیرد . و علیک التحیة و الثناء ع ع "

xxxxxx

رساله " الوان در آثار بهائی " اخیراً بعنوان اولین نشریه از سلسله انتشارات موسسه معارف بهائی بزبان فارسی در کانادا در ۷۹ صفحه به قطع پستی منتشر شده است .

تجدید فعالیت این موسسه گرامی موجب کمال سرور است امیدواریم روز بروز بر خدمات گرانقدر خود بیافزاید .

مساعی مولف محترم را سپاس میگوید و توفیق ایشان را در اداء چنین خدمات پر ارجی آرزومند است .

۱ - نقل از کتاب حاضر - ص ۶۳



همیشه مقرون به موفقیت نباشد . در این صورت باید به اصالت و بدعت این مفاهیم در آثار بهائی معتقد گردید و باین نتیجه واصل گشت که کاربرد الوان که سابقه ای طولانی در تفکرات مذهبی گذشته دارد در این ظهور به کمال خویش واصل گشته و در آثار بهائی با تنوع و طرزی بدیع جلوه نموده است ... " .

xxxxxx

یکی از مباحث دلکشی که در آثار عرفا و شعرای گذشته زبان فارسی وجود دارد اصطلاح " رنگ " و " بیرنگی " است . در این آثار " رنگ " رمزی از " تعلق به امور مادی و دنیوی که مانع از شناسائی مظاهر الهیه است " و " بیرنگی " کنایه از " تجرد و انقطاع از ماسوی الله و ایمان به حق " آمده است .

ابیات زیبائی که ذیلاً نقل میشود قطره ای از دریای بیکران آثار عرفانی شعرای گذشته است و از این دست در اشعار فارسی فراوان است که بی شک خوانندگان عزیز بارها به آنها برخورده اند .

چونکه بی رنگی اسیر رنگ شد
موسی با موسی در جنگ شد
چون به بیرنگی رسی کان داشتی
موسی و فرعون دارد آشتی
گر ترا آید بدین نکنه سوال
رنگ کی خالی بود از قیل و قال
مولوی

و نیز حافظ فرموده است
غلام همت آنم که زیر چرخ کبود
ز هرچه رنگ تعلق پذیرد آزاد است
همین مفاهیم در آثار مبارکه جمال اقدس ابهی
و حضرت عبدالبهاء نیز آمده و با فصاحت و
زیبائی تمام مورد توجیه و تفسیر قرار گرفته
است . از جمله حضرت بهاء الله در لوح
مبارک سلمان میفرمایند : " خوشا حال نفسی

قسمت جوانان

سخن دلپذیر

«از هشت نجات آمده جا ب محمد علی فرضی»

و اول نشانه آن دارا شدن صفت تواضع است که خداوند رحمن در کلمات مکنونه چنین میفرمایند "يا ابن الانسان کن لى خاصعاً لاکون لك متواصعاً وکن لامری ناصراً ليكون في الملك منصوراً"

و همچنین در ورق سوم از فردوس اعلی میفرمایند : " ان الانسان مرة يرفعه الخصوص الى سماء العزة" والاقتدارو اخری ینزله الغرور الى اسفل مقام الذلة" و الانكسار " صفت پسندیده تواضع و فروتنی زیبنده هر انسانی است که بزیور علم و اخلاق آراسته و از ذمائم و بدیها پیراسته باشد چنین شخص دائما در بی کمال پویا و مطلوب خود را در هر موجودی جویا و داشمندان او را بشجری بارور تشبيه نموده اند که هر چه بار آن بیشتر شاخه هایش بزمین متمایل تر این خصلت و فضیلت در هر سن و سالی مورد قبول ارباب عقول بوده و کسانی را که دارای آن بوده اند تمجید و تحسین کرده و دیگران را بتاسی و پیروی ترغیب نموده اند ولی در هنگام جوانی جلوه اش بیشتر و نور درخشانش تابان تر است .

چنانچه شاعری میگوید :
با غبانی بنشه می بوئید
کفتش ای گوزپشت جامه کمبود
در جوانی تو را چه پیش آمد
پیر نا گشته گوز گشته زود !
گفت پیران شکسته دهرند
در جوانی شکسته باید بود.

روزی در مصاحبت دوستان باستان و جمع یاران راستان که هر یک در زمان خود شمع انجمن جوانان و روشنی بخش دل و جان بودند و اینک چشم و چراغ روحانیانند و به نیروی ایمان و ثبوت بر پیمان ممتاز از اهل زمان از روزگار جوانی و گذشت آن بتاسف یادی شد و خواه ناخواه از جمال جوانی و کمال پیری سخنی بمیان آمد که ایکاش این دو یار دلنشین همنشین میگشند و دست از دوری و مهجوری می شستند تا جمال دل آرا با کمال روح افزا قرین یکدیگر شده بستان عمر که پر گل است بسیزه نیز آراسته میگردید . جوانی که بزیور علم و ادب آراسته بود چون از مایقال آگاه شد بی قیل و قال گفت پیران را آرزوی جمال امیریست محال بهتر آنکه از این ره در گذرند و رنج بیحاصل نبرند و از گلیم خود پای بیرون ننهند کمالی ابراز دارند که جوانان در جستجوی آنند و در بی آن دوان . باشد که آرزوی دیرینشان بر آورده شده کمال باحشمت و تمکین با جمال دلنشین همنشین گشته و تبارک الله احسن الخالقین تحقق پذیرد . در آن میان پیری روش ضمیر بشنیدن این بیان از آن جوان با ایمان آب زلال عشق و محبت در دیدگانش بگردید و چون میدان ارادت فسیح و نظر ها را وسیع دید بسخنی دلپذیر بیان مطلب نموده چنین گفت :

با دوستان مضایقه در عمر و مال نیست
صد جان فدای یار نصیحت نیوش کن
اگر جوانان عزیز ما در جوانی به کمال انسانی
ناقل گردند باعیل رتبه سعادت واقعی رسیده اند

بین افراد است و آن این است که انسان همه چیز خود را به پسندید و به تعریف و خودستائی بپردازد و از دیگران ببدهی و زشتی یاد کند و آنها را هدف تیرهای ملامت و سرزنش قرار دهد و در معرض همه گونه عیب و نقص بداند.

شخص بهائی ولو آنکه جمیع اعمال و رفتارش عبادت حق و خدمت خلق باشد نباید آنرا بخ دیگران کشانیده آنها را محروم و خود را محروم و اعمال خودش را مصاب و سایرین را مورد عتاب بداند چه که حسن عاقبت مجہول است در این مقام حضرت بهاء الله در لوحی خطاب بجناب عندلیب چنین میفرمایند:

• یا عندلیب نامه ات رسید و نزد مظلوم ذکر شد و در ایام حزن سبب بهجهت و سرور کشت و این کلمهات بسیار مقبول افتاد الهی بیزار از آن طاعتم که مرا بعجب آورد و مایل آن معصیتم که مرا بعذر آورد اگر چه جمیع آنچه عرض نمودی سبب فرح و تبسم شد ولیکن اینکلمه را مقام دیگر عنایت نمودیم ان ریک لهوالمقتدر المختار • (صفحه ۳۰۲ مجموعه الواح) اینک از بیانات مبارک حضرت عبدالبهاء که در مقام اعلی روز نهم شوال سال ۱۳۳۲ فرموده اند بگوش جان بشنوید: "خوب مجلسی است. بسیار محفل روحانی است. مرتب و منظم است. در این عالم مجمعهای بسیار تشکیل میشود ولی ترتیب و تنظیم ندارد در میان اعضاء اختلاف آراء موجود الحمد لله قلوب جمیع اعضاء این انجمن به هم دیگر متعدد است و کل را نیت و مقصد یکی است. هیچ آثار افکار مختلفه در میان آنها نیست امیدوارم که روز بروز این انجمن ترقیات فوق العاده حاصل کنند و صعود در جمیع مراتب وجود نمایند چه در توجه الی الله و چه در فضائل معنویه چه در علوم و فنون اکتسابیه در جمیع درجات

بعضی ایام جوانی را موسم بهار عمر دانسته و زمان کامرانی و شادمانی گفته اند و زمان پیری را بخزان تشییه کرده اند که آن باقی افراشته جوش و خروشها دارد و هنگامه ها و طغیانها ببا میدارد و این از تند باد حوادث برگ و بارش را فرو ریخته و در زیر بار گران زندگانی خمیده گوئی در پی جستجوی گمشده جوانی است.

جوانی گفت با پیری دل آگاه
چه گم کردی که خم گشته در این راه
جوابش گفت پیر خوش تکلم
که ایام جوانی کرده ام گم

میدان وسیع زندگانی جولانگاه تند رو جوانی است که هر گاه در این یکه تازی غرور و نخوت یعنی دو دشمن انسانیت آنرا براند و زمام از کف راکب بستاند بزوی بزانو در آمده و نقد عمر گرانمایه را بر سر این بازی بیازد و هنوز بهار عمر بشکوفه نرسیده سیف عصیان شجره امیدش را ببرد و هرچه ساخته و پرداخته آمال و آرزوی اوست فرو ریزد و اگر چراغ عقل و دانش پیری را در چراغدان جوانی روشن نماید و نور افسان سازد راه را از چاه بشناسد و اسب سرکش جوانی را با نیروی ایمان رام کند و بهر جانب که راهنمائی نماید براند و خلاصه انکه در جوانی پیر باشد اما نه پیر ماه و سال چه که خردمندان گفته اند توانگری بهتر است نه بمال و بزرگی بعقل است نه بسال. نه هر که بقامت مهتر بقیمت بهتر.

پیران سخن به تجربه گویند گفتمت

هان ای پسر که پیر شوی پند گوش کن چون این سخن بدین مقام رسید و حاضرین مجلس هر یک دست ادب بر سینه نهاده و زبان حالشان هر دم بجمله زدنی بیانان^ا گویا بود بگفار خود ادامه داده چنین گفت: از نتایج مهمه خضوع و خشوع و آراسته شدن باین صفت روحانی و اخلاقی احتراز از خود پسندی و انانیت است که مبداء جمیع فسادها و اختلاف

خاضع تر پست تر کسی دیگر نیست و چون
 بدیگران نظر اندازیم به بینیم که از آنها
 عزیز تر کامل تر داناتر کسی نیست زیرا
 بنظر حق باید بجمعیع نگاه کنیم باید آنها
 را بزرگوار به بینیم و خود را خوار و هر
 قصوری که در نفس می بینیم آنرا از قصور
 خود دانیم زیرا اگر ما حاضر نبودیم آن
 قصور را نمی دیدیم انسان همیشه باید
 خود را فاصله و دیگران را کامل به بیند
 من با باب تنبه میگوییم حضرت مسیح روحی له
 الفداء روزی با حواریون بر حیوان مرده ئی
 گذشتند یکی گفت این حیوان چقدر متعفن
 است ، دیگری گفت چگونه صورت قبیح
 یافته ، دیگری گفت چقدر مکروه است .
 حضرت مسیح فرمودند ملاحظه بدندهای
 اونماهید چقدر سفید است . ملاحظه
 کنید که هیچ عیوب انجیوان را ندید بلکه
 تقدیش فرمود تا ملاحظه کرد که دندانش
 سفید است همان سفیدی دندان را دید
 دیگر از پوسیدگی و تعفن و قبح منظر او
 چشم پوشید این را بدانید در قلبی که ذره
 ای نورانیت جمالبارک هست کلمه من از
 لسانش جاری نمیشد یعنی کلمه من ، که
 دلالت بر خودپسندی کند که من چنین و
 چنان کردم من خوب کردم فلاحتی بد کرد
 اینکلمه انانیت ظلمی است که نور ایمان
 میبرد و اینکلمه خود پسندی است که بکلی
 انسان را از خدا غافل میکند .
 ملای روم علیه الرحمه در این موضوع میفرماید :
 هر که خود بینی کند در راه دوست
 مغز را بگذاشت کلی دید پوست
 دشمن من در جهان خود بین مباد
 زانکه از خودبین نیاید جز فساد
 شیخ اجل سعدی میفرماید :
 تو انگه شوی پیش مردم عزیز
 که مرخویشتن را نگیری بچیز
 بزرگی که خود را بخردی شمرد
 بدنیا و عقبی بزرگی ببرد

ترقی نمایند و ابداً افکار مختلفه و آراء
 متنوعه در میان نیاید زیرا جمیع مشکلاتی
 که حاصل میشود از افکار مختلف است از
 انانیت و خود پسندی است و این انانیت
 و خود پسندی سبب جمیع اختلافات است
 هیچ آفتی در عالم وجود مثل خود پسندی
 نیست و آن اینست که انسان دیگری را
 نپسندد و خود را به پسند خود پسندی
 عجب میآورد تکبر میآورد غفلت میآورد هر
 بلاقی در عالم وجود حاصل میشود چون
 درست تحری کنید از خود پسندی است ما
 نباید خود را به پسندیم بلکه سایرین را
 بهتر بدانیم حتی نفوosi که مومن نیستند
 زیرا حسن خاتمه مجھولست چه بسیار نفوos
 که حالا مومن نیستند و روزی بباید که
 ایمان بیاورند و مصدر خدمات عظیمه شوند
 و چه بسیار نفوosi که حال ایمان دارند ولی
 در اخر حیات غافل از حق گردند ماها
 باید هر نفسی را برخود ترجیح دهیم و
 اعظم و اشرف و اکمل به بینیم ولی بمجرد
 اینکه خود را از دیگران ممتاز به بینیم از
 طریق نجاح و فلاح دور شده‌ایم این از نفس
 اماره است که هر چیزی را بنظر انسان بد
 می نمایاند بغیر از نفس خود انسان و
 باین واسطه او را در چاه عمیق ظماء که
 ته ندارد میاندازد هر ساعتی یک ظلمی را
 بینظر انسان عدل می نمایاند یک ذلت محض
 را شرف کبری ابراز میکند یک مصیبت
 عظامی را آسایش بی منتہا جلوه مینهد و
 چون خوب تحقیق میکنیم می بینیم این آن
 برع ظماء خود پسندی است زیرا انسان
 اطوار و رفتار واقوال دیگران را نمی
 پسندد بل احوال و ادب و شئون خود را
 می پسندد . خدا نکند که در خاطر یکی
 از ما خود پسندی بباید خدا نکند خدا
 نکند . ما باید وقتیکه به خودمان نگاه
 میکنیم به بینیم که از خودمان ذلیل تر

قدرو مرکزت موسيقى در ديانه بجهان

مقبول است اگر توانی الحان و ايقاع و مقامات روحانی را بکار بر و موسيقى ناسوتوی را تطبیق بر ترتیل لاهوتی کن آنوقت ملاحظه فرمائی که چقدر تأثیر دارد و چه روح و حیات رحمائی بخشد نغمه و آهنگی بلند کن که ببلسان اسرار را سرمست و بیقرار نمائی . اینرا باید دانست که در دانشگاه های بزرگ جهان انسان باید مراحل بسیار مشکلی را بگذراند تا مقام معلم موسيقی برسد منظور اهمیت اعتبار و موقعیت موسيقی است در حیات اجتماعی و فردی انسانها در روی کره ارض بخصوص در این عصر و در این دور اعظم چه آهنگساز چه نوازنده و چه خواننده و چه رهبر موسيقی .

میگویند وقتی لشکر ناپلئون شهرها را یکی پس از دیگری فتح کرد به ایطالیا وارد شد دستور داد طالار کنسرت مشهور شهر را بسربازخانه تبدیل کنند در همان لحظه که با سربازان خود وارد طالار شد پاگانینی ویلونیست مشهور که تا بحال نظری او بوجود نیامده و در جهان و دنیای هنر دیده نشده مشغول نواختن ویلون بود . آهنگی که پاگانینی مینواخت چنان ناپلئون را تحت تأثیر قرار داد که پس از لحظه توقف آرام سربازان خود را بیرون راند و گفت اینجا مکان مقدسیست و نمیتوان مزاحم بود . موسيقی نقش بسیار عظیمی را در دنیا بازی کرده و خواهد کرد چه در زمان رزم و چه در زمان صلح و یا در مجالس سوگواری . جامعه بها می بعنوان یک جامعه مترقی خواه و ناخواه در تمام برنامه های

سالها است که در نظر داشتم نکاتی در مورد موسيقی و اهمیت آن در این دور اعظم و تجربیات چندین ساله خود را برگشته تحریر در آورم با وجود اینکه باهمیت این موضوع مهم همه دوستان کم و بیش مسبوقند لازم دانستم باز وقت عزیز خوانندگان عزیز و ارجمند را گرفته و آثاری که از حضرت بهاء اللہ و حضرت عبدالبهاء و حضرت ولی امرالله در دست هست و البته دوستان آنها را مطالعه فرموده اند باز برای اطلاع و اگاهی بیشتر، این آثار ذیقیمت را مورد مطالعه قرار دهیم . در هیچیک از ادیان سالفه موسيقی باین نحو مورد توجه قرار نگرفته و حتی بعضی آنرا مکروه و مذموم دانسته اند . حضرت بهاء اللہ جل اسمه الاعلی میفرمایند :

انا جعلناه مرقاۃ لعروج الارواح الى الافق الاعلی . یعنی ما موسيقی را نرdbانی برای ترقی ارواح بسوی افق اعلی قرار دادیم و حضرت عبدالبهاء میفرمایند " موسيقی یکی از بهترین هنر هاست و تأثیر شدید در روح انسانی دارد " و باز میفرمایند "نوابی موسيقی و نغمات، قلوب منتجذبه را حیات میبخشد " و در لوحی خطاب به میرزا عبدالله خان معلم موسيقی و استاد تار که در زمان ناصر الدین شاه یکی از نوازندهان مخصوص دربار بود میفرمایند " ای عبد بها موسيقی از علوم ممدوحه درگاه کبریاست تا در جوامع کبری و صوامع عظمی بابد نغمات ترتیل آیات نمائی و چنان آهنگی از مشرق الاذکار بلند کنی که ملا اعلی باهتزاز آید ملاحظه کن که نظر باین جهت فن موسيقی چقدر ممدوح و

میهند و از سخنان سخنور بهره میگیرند در موقع اجرای برنامه موسیقی هم باید خود بخود احبابی عزیز سکوت را مراعات نموده و احتیاجی به تذکر نباشد و اینرا جزو وظائف خود بدانند .

حضرت عبدالبهاء میفرمایند " در این دور بدیع نور مبین در الواح مقدس تصریح فرمود که آهنگ و آواز رزق روحانی قلوب و ارواح است فن موسیقی از فنون ممدوده است و سبب رقت قلوب " و همچنین در سال ۱۹۰۹ در عکا راجع به موسیقی و اهمیت آن بیاناتی ایراد فرموده اند . فرمودند : " یونانیان و فلاسفه ایران خطابه های خود را بترتیب ذیل ایراد و اجراء میکردند اول نغمات موسیقی مینوختند و وقتی که مستمعین قابلیت درک بیشتری پیدا میکردند آن آلت موسیقی را رها کرده با ایراد خطابه میپرداختند . و باز میفرمایند : " در این امر هنر موسیقی اهمیت فراوان دارد "

حال باید توجه کرد و به موقعیت و اهمیت موسیقی در این امر اعظم بی برد . سرمایه هنرمند احساسات اوست نباید آنرا جریحه دار کرد موسیقی اصیل ایران به تحقیق از موسیقی سایر ملل رویا انگیز تر است و در این زمان کیفیت محسوس آن به نیمی از ساکنین جهان مقبول افتاده بخصوص که این موسیقی از وطن جمال مبارک است .

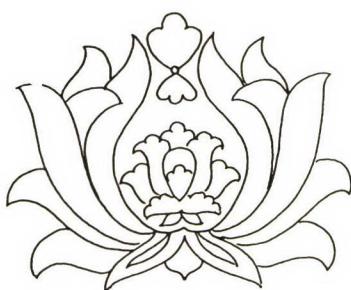
با موسیقی تهذیب اخلاق میتوان کرد موسیقی حتی در حیوانات اثر میگذارد قلیل اند اساتید فرنگی که از روح موسیقی ما آگاه باشند ترتیب کلمات و طرز گفتار هر قومی با موسیقی آن قوم دست بگردن است موسیقی از لازم ترین عوامل پرورش روحی است همچنین که ریاضیات در تحکیم استدلال و منطق اثر دارد موسیقی در توسعه فکر سکوت را مراعات بفرمائید همه گوش فرا

مشارق الاذکار و کانونشن ها و یا در مدارس تابستانه و یا زمستانه امری بتدریج موسیقی را جزو برنامه های اصلی خود محسوب و در برنامه ها گنجانیده است اما متأسفانه هنوز آنطور که باید و شاید احبابی عزیز قدر هنر را نمیدانند و آنچه را که هنرمند انتظار دارد انجام نمیهند این حقیر که خود را در عالم هنر کمترین میشمارم ولی سالهاست که از دوران کودکی این هنر ناچیز خود را در اختیار دوستان عزیز گذاشته و افتخار داشته ام که در بیشتر جلسات شرکت کنم تجربیاتی دارم که لازم میدانم باطلاع سوران عزیز برسانم و همانطوریکه ذکر شد بنام گله هنرمند برشته تحریر در آورم و خواهران و برادران عزیز بهائی را به انتظارات بیک هنرمند آشنا سازم بنظر من مهم نیست چه کسی هنرنمایی میکند ، در فن خود استاد است و یا تازه کار مثلی است معروف میگویند (نور هرچه هم ضعیف باشد بالاخره روشنائی است) اجراء کننده موسیقی آنچه در توان دارد در اختیار شنوندگان میگذارد باید با آن اهمیت داد و باعث تشویق هنرمند شد باید بمقام موسیقی و جدی بودن آن در عالم امر پی برد الواح و آثاری که موجود هست مطالعه نمود حضرت عبدالبهاء بسیار موسیقی را دوست داشتند و در ضمن بیانات خود در یکی از شهای پائیز در ارض اقدس داستان ذیل را بیان فرمودند .

موسیقی در من اثر فراوان دارد مدت‌ها بود که نوای دلکش سازی شنیده بودم هنگامیکه از بغداد به اسلامیوں میرفتم شبی در کنار دجله در چادر و خیمه ها ماندیم قدری آنطرف تر شبانان خیمه داشتند شبانی نی میزد انقدر من تحت تأثیر قرار گرفتم که تا صبح نغوابیدم . مقام موسیقی را از این بیان مبارک میتوان دریافت همانطوریکه برای اجرای سخنرانی به شنوندگان عزیز نمیگویند و متذکر نمیشوند که سکوت را مراعات بفرمائید همه گوش فرا

موسیقی اصیل ایران که از موسیقی سایر ملل رویا انگیز تراست . حضرت ولی امرالله فرموده اند ". برای اثر بخشیدن در روح انسانی موسیقی وسیله مهمی است که ما را در ارتباط روحی کمک مینماید " باید هنرمندان عزیز بهائی دارای همکاری و هدف مشترک باشند و سعی شود که آثار و تصانیف هنرمندان ضبط و نگهداری شود متأسفانه آثار و اشعار امری که بهمت موسیقیدانان و استادان بهائی در گذشته بوجود آمده بود در دسترس نیست و با وجود اینکه در ایران عزیز لجنه موسیقی فعالیت مینمود و اینجانب هم افتخار عضویت آنرا داشته ام میسر نشد که آثار امری اساتید محفوظ بماند اما امیدواریم با وسائلی که امروزه موجود هست بتوان آثار جدید را برای آیندگان نگاهداری کرد . دنیای هنر بی انتهاست . بخل و حسد در هنر راه ندارد زیرا فقط احساسات عالیه انسان هنرمند ، زیبائی را بوجود میآورد و بهمین علت اکثر هنرمندان بزرگ انسانهای بزرگی بوده اند و آثار آنها جلوه عالیترين آرزوهای انسانی شده است . هنر در دیانت بهائی بینهایت پر ارزش و هنرمند محترم است امیدوارم احبابی عزیز قدر هنرمند را بدانند و همیشه مشوق آنها باشند کما اینکه در شعار هنر دوستان این مطلب بچشم میخورد .

آنجا که زبان باز ماند موسیقی آغاز میگردد .



و تصور مؤثر است اما در این دور اعظم که در جریان تحول بزرگی قرار گرفته این ناچار باید راهی انتخاب کنیم که ما را زودتر بمقصد برساند و آن مطالعه الواح و آثاریست که در این مورد موجود است هنرمندان عزیز بهائی باید برای بینان هنر موسیقی و اهمیت آن در این دوره از هنر دنیا آگاه باشند و تقليد ناقص و ناشیانه را کنار گذاشته و برای اشعار و مطالب امری از موسیقی اصیل ایرانی استفاده کنند اگر بعضی از گوشه های اجنبي مثل قطعات عربی را داخل الحان میکنند ممکن است با طبع ایرانی موفق افتد اما تبع بسیار میخواهد و احتیاط عالمانه .

حضرت ولی امرالله میفرمایند : "یک فرق بسیار مهم و اساسی بین سرودهای تصنیف شده توسط یاران و تلاوت آثار الهی با صوت باید قائل شد " چقدر بجا بود که اگر مقامات مسئول برای تلاوت الواح و مناجات کلاسی ترتیب میدادند که اهل فن میتوانستند به آنها ایکه دارای ذوق و الحان خوشی هستند طرز تلاوت آثار الهی را بیاموزند چون خواندن آواز با تلاوت آثار الهی فرق بسیار دارد و طرز اجراء کلمات بسیار مهم . حضرت ولی امرالله در یکی از توقعاتشان بیکی از یاران موسیقیدان آمریکائی که توسط مشی مبارک تحریر شده فرموده اند : " حضرتشان امیدوارند که با استعانت از موسیقی ، شما قادر شوید که پیام الهی را بمردم ابلاغ کنید و قلوبشان را مجدوب سازید " .

موسیقی در امر تبلیغ بسیار مهم و مؤثر است برای معرفی موسیقی ایران عزیز مسافرتها ایکه بیشتر جنبه تبلیغی داشته و کنسرتها ایکه بهمت و کمک احبابی عزیز در اروپا و آمریکا و کانادا و روسیه و هندوستان داده ام ثابت شده که موسیقی چه اثری در امر تبلیغ دارد بخصوص

اطلاعیه مؤسسه معارف بهائی بلسان فارسی

از آنجا که عده ای از دوستان اظهار علاقه بدریافت کلیه نشریات مؤسسه نموده و در ضمن بعلت اشکالات ارسال ارز تعیین حق اشتراک ثابتی را پیشنهاد کرده اند و با توجه باینکه در حال حاضر انتشارات مؤسسه بفوایل زمانی ثابتی منتشر نمیشود تا بتوان حق اشتراک سالانه ای معین نمود . عجاله از تعیین حق اشتراک خودداری نموده و آنرا موكول بآئیه مینماید .

با اینکه برای اینکه از زحمت مراجعت مکرر دوستان ببانک برای ارسال وجه کاسته شود مؤسسه برای آنانکه مایلند نشریات را مرتبًا دریافت دارند حسابی مستقل باز خواهد کرد و پس از انتشار هر کتاب و یا نشریه جدید نسخه ای از آنرا همراه با صورت موجودی حساب ایشان ارسال خواهد داشت .

برای افتتاح این حساب ممتنع است مبلغ یکصد دلار توسط حواله بانکی (MONEY ORDER) ارسال فرمایند . وصول این مبلغ بعنوان تقاضای اشتراک منظور خواهد شد و تقریباً با ارسال هر نشریه وضعیت موجودی نیز باطلاع عضو مشترک خواهد رسید . بدیهی است انتشارات مؤسسه کماکان بصورت تکفروشی نیز در اختیار علاقمندان قرار خواهد گرفت . ضمناً باطلاع میرساند که نشریات ذیل آماده برای فروش است :

۱- "الوان در آثار بهائی" اولین شماره از دوره دوم "مطالعه معارف بهائی" بقیمت ۶ دلار آمریکائی .

۲- "عقل ، دین و جامعه در اندیشه بهائی" دومین شماره از دوره دوم "مطالعه معارف بهائی" بقیمت ۵ دلار آمریکائی .

۳- مجموعه آثار مبارکه درباره "عهد و میثاق" بقیمت ۵ دلار آمریکائی .

۴- برای ممالک آمریکای جنوبی ، افریقا و آسیا (و باستثناء ژاپون) قیمت "الوان در آثار بهائی" ۴ دلار و قیمت "دین و جامعه در اندیشه بهائی" ۳ دلار و قیمت مجموعه مبارکه "عهد و میثاق" ۳ دلار آمریکائی میباشد .

۵- در کانادا قیمتهای نامبرده بدلار کانادائی است .

۶- مخارج پست در قیمتهای بالا منظور شده است .

۷- شماره دوم "نفحات فضل" حاوی جزو و نوار صوتی که برای فراغرفتن زیارت‌نامه جمال اقدس ابهی و حضرت نقطه اولی ، لوح قد احترق المخلصون ، و لوح انت الکافی (لوح شفا) و سه مناجات صادره از قلم حضرت بهاء الله جل اسمه الاعلی تهیه شده است بزودی در اختیار علاقمندان قرار خواهد گرفت . "نفحات فضل" (۱) عجاله تمام شده و در دسترس نمیباشد .

ممتنع است وجه را به آدرس ذیل ارسال فرمائید :

PERSIAN INSTITUTE FOR BAHAI STUDIES

P.O. BOX 8464, DUNDAS, ONTARIO CANADA

L9 H 6M2

بیش از هر چیز قابل توجه است ضیافت رسمی عظیمی است که از طرف محفل روحانی ملی با حضور جمع کثیری بهائی و غیر بهائی ترتیب یافته بمناسبت تصویب رسミت آئین بهائی از طرف پارلمان و چند تن اولیای امور که موید این فتح و ظفر بودند دعوت داشتند . مهمان مخصوص علاوه بر امّه‌البها یکی از اعضای شورای عالی مقننه که پیشنهاد کننده این رای بنفع بهائیان بود و عضو دیگر شوری تائید کننده‌ای این رای . همچنین بسیاری از معاریف هنگ کنک . علاوه بر بهائیان محلی بسیاری بهائیان از خارج مانند یک عضو محفل روحانی ملی ژاپن نیز حضور داشتند . برنامه با مراسم سنتی چینی که عبارتست از رنگ کردن چشم شیر the Lion Painting The Eye of شروع گردید ئیس نطق‌های امّه‌البها و دو عضو هیئت مشاورین و موسیقی و اظهار تشکر و بالاخره یک شام بسیار عالی چینی بر مسرت و انبساط جمع افزود و یک بشقاب چینی که هنرمند معروف چینی روی آن نقاشی کرده بود به امّه‌البها بعنوان هدیه تقدیم نمودند . بعد از شام ویدیوی کنفرانس صلح سافرانسیسکو نشان داده شد که بی اندازه مورد تقدیر و تمجید حاضرین بخصوص مهمنان گردید .

سه روز توقف امّه‌البها در ماکائو Macao مملو از فعالیت بود . از جمله افتتاح حظیره القدس جدید ماکائو در محلی پر جمعیت که مقدمه تشکیل محفل روحانی محلی دیگر و بالاخره تشکیل محفل روحانی ملی بوده است و قبل از آن برسم سنتی چینی رقص شیر Lion Dance اجرا گردید و با آتش بازی در شهر همراه بود و نیز امّه‌البها در یک جلسه با جمع کثیری بهائیان ملاقات و اهمیت تبلیغ امر را در ماکائو و نواحی مجاور گوشزد یاران نمودند امر مهمی که امّه‌البها در ماکائو انجام دادند افتتاح رسمی مدرسه بهائی بود که به " مدرسه مل " معروف

خبر و پیشرات امرّه

اقتباس و ترجمه از اخبار بین المللی بهائی
شماره ۱۸۴ - ۳۰ سپتامبر ۱۹۸۸

سیر و سفر امّه‌البها روحیه خانم در ممالک آسیای شرقی

امّه‌البها روحیه خانم بهمراهی سرکار ویلت خانم نخجوانی و راهنمائی یکی از دوستان که با کشور چین آشنا بودند ۱۹ جولای ارض اقدس را ترک نموده عازم سفر به آن کشور آسیائی شدند . از شهر کانتون Cantone شروع نموده در بلاد ارومکی Urumqi و بیجینگ Beijing و شانگهای Shanghai و سوزو Suzhou و گویلین Guilin به سیر و سفر پرداخته به کانتون مراجعت کردند . امّه‌البها موافقت نمودند که بعد از مراجعت از چین دو هفته با بهائیان هنگ کنک و ماکائو و تایوان نیز ملاقات نمایند .

پنج روز توقف امّه‌البها در هنگ کنک مملو از فعالیت بود که از اینقرار است : یک کنفرانس مطبوعاتی با خبر نگار بهائی یکی از جرائد مهم کشور Hong Kong Trattper و مصاحبه ای بمدت یکساعت و نیم با نویسنده یک مجله معروف Southern Post و یک مجلس عظیمی با بهائیان هنگ کنک و بلاد مجاور که اهمیت فوق العاده تبلیغ را در این ایام خاطر نشان دوستان نمودند همچنین با مبلغین سیار از مالزیا و چین ملاقات و مذاکره کردند . در ضیافت ناهار که از طرف محفل روحانی ملی ترتیب یافته بود امّه‌البها و مشور قاره ای جناب بیژن فرید و چند عضو هیئت معاونت حضور داشتند و باز راجع به اهمیت امر تبلیغ مذاکره شد . آنچه

امه‌البها مجدداً تاکید فرمودند هیچ چیز نباید از اهمیت تبلیغ دسته جمعی بگاهد.

در حاکم نشین تایوان شهر Taipei امه‌البها از طرف وزیر امور خارجه مستر لین شان Mr. Lien Chan پذیرائی شدند و یک جلد کلمات مکنونه بزبان انگلیسی و چینی در جعبه‌ای از پارچه زرین باو دادند. حاکم تحت تاثیر واقع شد و تعجب کرد که این کتاب در مؤسسه مطبوعاتی بهائی در تایوان بطبع رسیده بود. همچنین نسخه‌ای از بیانیه صلح بیت العدل اعظم بزبان چینی باو دادند و مخصوصاً خاطر نشان نمودند که بهائیان مطیع حکومت متبعه هستند و در سیاست مداخله نمی‌کنند. در پایان امه‌البها اظهار تشکر نمود که اورا پذیرفته اند ولی حاکم گفت: "من باید از شما تشکر کنم که افتخار این مصاحبه را به من دادید". امه‌البها با محفل روحانی ملی ملاقات و مذاکره مفصلی داشتند و از دیدن بعضی از اعضاء در ملاقات سابق خود نه سال پیش دیده بودند بی‌اندازه محظوظ شدند.

از هر چیز مسرت بخش تر برای امه‌البها ملاقات با بهائیان جدید بود در بلاد مرکزی که محل تبلیغ دسته جمعی بوده است در شهر Keelung ابتدا بهائیان محل با صرف ناهار در حظیره القدس از امه‌البها پذیرائی کردند سپس جمیع دوستان از بیانات امه‌البها مستفیض شدند. در شهر Taitung رئیس کلائری ناحیه که خود شهردار نیز هست امه‌البها را رسماً پذیرفت و از بهائیان ناحیه خود تقدير و تمجید نمود.

مسرت و انبساطی که حضور امه‌البها در این نفوذ ایجاد کرد آتیه درخشنایی را برای تایوان نوید می‌دهد.

با دستخط‌های تشویق آمیز بت العدل اعظم و روح اعتماد و اطمینانی که امه‌البها در قلوب

است. این مدرسه که تمام طبقه دوم یک عمارت جدید را مقابل اقیانوس اشغال کرده است چند ماهی است که شروع به کار نموده ولی خواستند از حضور امه‌البها استفاده نموده افتتاح رسمی آن را جشن بگیرند و یک روز هنگام صبح در هوای صاف و آفتابی با تزئین خیابان مقابل عمارت با اوراق قرمز و طلائی رنگ که دوستانی علاقه مند به افتتاح مدرسه فرستاده بودند انجام گرفت و دسته‌های گل و بیرق‌ها داخل و خارج عمارت جلب توجه می‌کرد. نفوس مهمه و اولیای امور کشوری جزو مهمانان بودند. یک کشیش کاتولیک که وقوف کامل به تاریخ ماکائو دارد یکی از مهманان افتخاری بود امه‌البها در نقط خود بین جمیع مهمانان راجع به اهمیت شخصی که نقش معلم را در جامعه ایفا می‌نماید چنانکه در آثار بهائی تاکید شده صحبت نمودند بخصوص اهمیت تعلیم و تربیت روحانی و اخلاقی اطفال و باین نکته اشاره نمودند که هرچند مدرسه توسط بهائیان اداره می‌شود ولی تربیت اخلاقی و روحانی انجام می‌کردد و بهائیان هرگز عقیده خود را به اطفال تلقین نمی‌کنند و اعتقاد مذهبی اطفال را تغییر نمی‌دهند.

اخبار و بشارات اقبال دسته جمعی نفوس در تایوان امه‌البها را بی‌اندازه مشتاق به سیر و سفر در آن ناحیه کرده بود و با وجود ضعف مزاج یک سفر پنج روزه در بعضی نقاط آن ناحیه جزو برنامه قرار دادند و خواستند شخصاً اعضاء محفل روحانی ملی را ملاقات و تشویق نمایند و با چند تن مؤمنین جدید اخلاط کنند.

هیئت مشاورین قاره‌ای در آسیا از حضور امه‌البها استفاده نموده یک کنفرانس سه روزه برای اعضاء هیئت معاونین و مساعدین ترتیب دادند. سه تن مشاورین مخصوص این ناحیه حضور داشتند: روح الله ممتازی و بیژن فرید و سرکار خانم شانتا ساندرام

شورای بهائی ایالتی آندره پرادرش

بوسیله تلکس مورخ ۱۵ سپتامبر باطلاع مرکز جهانی میرساند که امر تبلیغ در نواحی قبیله ای موفقیت کامل حاصل کرده است در یک ناحیه ۱۲ مرکز فتح شده با ۱۰۹ نفر و در نواحی دیگر ۱۸۹ نفر در ظل امر وارد شده تعداد مؤمنین جدید را در دو ماه گذشته به ۲۹۸ نفر بالغ کرده است

اقبال دسته جمعی نقوس با مر در کشور پرو امریکای جنوبی اخیرا مساعی مشترک مشاور محترم مسعود خمسی از دارالتبیغ مرکزی و یک مشاور قاره ای امریکا ایزابل کالدرون Isabel Calderon و چهار عضو هیئت معاونت و اعضاء محفل روحانی ملی پرو و بلموی ناحیه دریاچه تیتیکاکا Lake Titicaca را مشتعل کرده است . دو روز متوالی با شرکت ۶۰ نفر مبلغین سیار و بدنبال آن پنج روز اقدامات تبلیغی سبب شد که ۱۸۶۴ تن مؤمنین جدید - ۲۳۸ جوان و ۱۰۲۶ بزرگسال که قریب نصف آنان نسوان بودند در ظل امر وارد شدند . یک واقعه درخشنان تاریخی تبلیغ در دبیرستان یک قریه بود که نظام و تمام معلمین و محصلین تسجیل شدند . در پایان در یک کنفرانس دو روزه نتایج حاصله رسیدگی شد و مسیر اقدامات آتی پیشنهاد گردید . ده نفر داوطلب شدند بکار تحکیم و تقویت ادامه دهند .

نقشه تبلیغ مردم چین توسط بهائیان اروپا طبق تلکس مورخ ۱۳ سپتامبر که بارض اقدس مخابره شده هشتاد نماینده بهائیان از ۱۴ کشور اروپا در هلند مجتمع و راجع با مر تبلیغ در چین مشورت و تبادل نظر نمودند . این اقدام مورد لطف بیت العدل اعظم واقع شد و دو عضو لجنه بین المللی تبلیغ چینی راهنمای مشورت

یاران دمیده است انشاء الله جامعه بهائی در تایوان به پیشوائی لشکر نوربهاء الله در فتح و ظفر متوالی ادامه خواهد داد .

اقتباس از راپورتی بقلم سرکار ویلت خانم نججوانی

" مذاکرات صلح " بهائیان آلاسکا در رادیو تلویزیون جلب توجه میکند . جامعه بهائی آلاسکا تحت عنوان " مذاکرات صلح Peace Talks چهار اعلان هر کدام یک دقیقه در تلویزیون و رادیوی عمومی پخش میکند : این اقدام از ۱۹۸۷ شروع شده و از نکات مندرجه در بیانیه صلح بیت العدل اعظم استفاده میشود هر اعلان موضوع " صلح بیشتر از پایان جنگ است " را از یک جنبه بیان میکند و بیان نتیجه میرسد که صلح حقیقی مستلزم تغییرات در جنبه های مختلف ارتباط بشر است . از قرار معلوم این اقدام محفل روحانی ملی سبب شده است که جائزه مخصوص از طرف " موسسه صلح جهانی " در آلاسکا به جامعه بهائی داده شود .

نتیجه مطالعه پیام رضوان بیت العدل اعظم در جامعه بهائی ها و ائم

در ها و ائم تمام آخر هفته ۹ - ۱۱ سپتامبر وقف مطالعه پیام رضوان بیت العدل اعظم و تهیه جوابی از طرف جامعه بهائی گردید . طبق تلکسی که بارض اقدس مخابره شده مطالعه پیام باعث تقویت روحی احبا و حصول ادراکی جدید از مقصد و منظور اصلی تبلیغ گردید و نشان داد چگونه مندرجات پیام بهترین وسیله انجام این وظیفه است مراسله ای خطاب به افراد یاران از طرف لجنه ملی تبلیغ صادر شد و خواسته اند هر فردی توجه کامل با مر تبلیغ نموده بیانیه صلح را به طبقات مختلفه جامعه در جزائر ها و ائم بررساند

تبلیغ دسته جمعی نقوس در هندوستان ادامه دارد

در مالاوی :
در قریه چیمتا Chimeta یک روز یکشنبه بعد از احتفال معمولی تمام بهائیان قریه حرکت کرده با خواندن سرودهای بهائی و طی مسافت بعیدی به قریه ای دیگر رسیدند و در آن قریه به هر خانه رفته و یک جلد بیانیه صلح بیت العدل اعظم به اهل خانه دادند.

اقتباس و ترجمه از اخبار بیین المللی بهائی
شماره ۱۸۵ - ۱۵ اکتبر ۱۹۸۸

اسفار تبلیغی حضرات ایادی امرالله

ایادی امرالله کالیس فدرستون و قرینه محترمه سفری بمدت دو ماہ و نیم در آسیای جنوب شرقی انجام دارند. سه هفته اول را صرف دیدار مدارس و ملاقات با اولیای امور و بهائیان در اردوهای پناهندگی و جوامع محلی در نقاط سرحد شمالی تایلند نمودند. بعد از ورود به فرودگاه بانکوک Bangkok از ۲۶ اگوست مدت دو روز بمقابلات با احبا پرداختند از آنجا با هواپیما به ایالتی در جنوب شرقی تایلند رفته بعد از یک شب ملاقات با احبابی محلی مستر فدرستون بدیدن فرماندار رفته یک نسخه بیانیه صلح بیت العدل اعظم با چزوی ای در وصف آئین بهائی هر دو بزبان محلی تای Thai به فرماندار دادند و همان روز دو نطق یکی در مدرسه ای و دیگری در مجمع بهائیان ایراد نمودند روز بعد قبل از مراجعت به بانکوک در قریه‌ای بنام کومنگ Kumngan هنرهای دست باف هنرمندان را دیده مورد پذیرائی و مهمان نوازی محبانه دوستان واقع شدند. روزهای اول ایادی امرالله در مجالس احبا وظیفه مهم تبلیغ امر را کوشند یاران نمودند و خانم فدرستون در گروه های نسوان و رجال راجع به تساوی حقوق زن و مرد صحبت کردند.

بودند. همچنین از آراء دو عضو هیئت مشاورین قاره ای اروپا استفاده شد. از بین شرکت کنندگان در این مجمع ۱۸ نفر تصمیم گرفتند طبق توصیه امّالبها روحیه خانم به حمایت از نهضت تبلیغی در تایوان کشوری که تبلیغ دسته جمعی در آن پیشرفت نمایانی دارد اقدام نمایند.

نقشه تبلیغی "روح بدیع" در جزیره زلاند جدید طبق تلکس مورخ ۲۷ سپتامبر که از طرف ماحفل روحانی ملی بارض اقدس مخابره شده در زلاند جدید نقشه تبلیغی وسیعی شروع کرده اند که نام آن را "روح بدیع" of Badi گذاشته اند و بلاشک مقدمه تبلیغ دسته Spirit جمعی خواهد بود. بیش از ۹۵ نفر بزرگسالان، جوانان و اطفال ۱۹ هیئت تبلیغی تشکیل داده در تمام جزیره جنوبی South Island به سیر و سفر پرداختند.

اقبال دسته جمعی نفووس به امر در کشور هائیتی

طبق رایرت ماحفل روحانی ملی که ۲۹ سپتامبر بوسیله تلکس بارض اقدس ارسال شده در کشور هائیتی طی مرحله اول نهضت تبلیغی در تابستان تعداد ۲۳۷ تن بزرگسالان، جوانان و اطفال در ظل امر وارد شدند. در مرحله ثانی لجنه ملی تبلیغ در نظر دارد به تحکیم و تقویت مؤمنین جدید اقدام نماید یک دارالتعلیم تزئید معلومات برای هشت روز دائز خواهد شد.

اخبار و بشارات کوتاه و مختصر
در کینیا طبق تلکس مورخ ۱۹ سپتامبر که ماحفل روحانی ملی بارض اقدس مخابره نموده نهضت تبلیغی که اخیراً در آن کشور شروع شده موفق شده است پائزده ماحفل روحانی محلی جدید تشکیل و ۴۴۸ تن مؤمنین جدید در ظل امر وارد نمایند.

سپتامبر که مصادف است با انعقاد جلسه سالیانه مجمع عمومی " جشن روز جهانی صلح " در ژنو برگزار خواهد شد و از سازمان ها و عموم مردم خواستند که در این جشن با سازمان ملل متحد همراهی نمایند. سال جاری برای ششمين بار بهائيان در جشن مزبور شرکت کردند اين اقدام پاپتکار محفل روحاني محلی ژنو از چند سال قبل شروع شد و سال گذشته علاوه بر تلاوت دعا و مناجات نطق جناب دکتر شاپور راسخ قسمتی از برنامه را تشکيل داد. در سال جاري جامعه بين الملل بهائي با محفل روحاني محلی ژنو در اين امر اشتراك مساعي نموده در برنامه دو واقعه قابل ذكر سازمان ملل متعدد خاطر نشان گردید يكى چهلمين جشن سالیانه اعلام جهانی حقوق بشر (۱۹۸۸) و دیگرى شروع دهه و توسعه فرهنگی (۱۹۸۸ - ۱۹۹۲) .

اقدامات تبلیغی در استرالیا نتایج عظیمه بار آورده است .

طبق راپورت واصله از محفل روحاني ملي استرالیا در ۴ اکتبر شش تن مبلغين سيار با يك هوپپيمای کوچک روز ۱۹ سپتامبر به ناحيه باماکا Bamaga در يكى از جزائر اقیانوسیه رفتند. يكى از آنان بخصوص برای هدایت خویشان خود در این جزیره آمده بود . در نتيجه یازده نفر مومنین جدید در ظل امر وارد شدند و در فرستنده راديو مصاحبه اى پمدت نهمساعت راجع با مر بهائي با گروه مبلغين سيار الجام یافت .

در پنکلا遁 ابلاغ امر به اولیاه امور دولتی و نفوں مهمه کشوری پنحوی موثر انجام گرفته است

در ۱۴ اگوست هیئتی بنمايندگی جامعه بهائي با نایب رئيس جمهور Justice Nurul Islam قاضی نورالاسلام ملاقات و راجع به كيفيت آئين

طی سير و سفر متمادي در قسمت هاي مختلف کشور عده بيشتری جلسات و اجتماعات منعقد و حاضرين از بيانات جناب فدرستون و خانم محظوظ شدند. ۱۰ سپتامبر آقا و خانم فدرستون باردوی پناهندگان که قريباً ۱۸۰۰۰ نفوس بيشتر از اهالي Cambodia مبياشند هدایت گشته با محفل روحاني محلی و جامعه بهائي اردو جلسه اى داشتند همچنین با پناهندگان از ویتنام Vietnam و خمر Khmer و مردم چينی زبان ملاقات نمودند . روز بعد در اردوی دیگرى که تازه محفل روحاني محلی تشکيل شده بود صد نفر مجتمع و به بيانات مهمان عاليقدر گوش دادند در مواسم افتتاح حظيره القدس محلی اياadi امرالله و قرينه محترمه شركت نمودند در مراجعت از اردوهای پناهندگى آقا و خانم فدرستون به ماليت چيانگ مای Chiang Mai در شمال تایلند تشریف برده به تبلیغ و ترويج امرالله ادامه دادند و در اثر ملاقاتي با صاحب جريده معروف تاي مقاله منفصل راجع بامر با عکس طبع و نشر گردید. در همان روز جلسه اى با نایب فرماندار ايالت چيانگ مای ترتيب داده شد و نسخه مجلدي از بهائيه صلح بيت العدل اعظم با جزوه اى در وصف آئين بهائي هر دو بزيان محلی قاي باو دادند که مورد تقدير او واقع شد و بخطاط آورد در سفری که بعضاً كرده بود با امه الها روحيه خانم ملاقات نموده است . آقا و خانم فدرستون سفر خود را بطرف شمال ادامه داده تا زاين رفته و در ماه نوامبر به استراليا مراجعت كرددند .

شرکت بهائيان در جشن روز جهانی صلح World Peace Day Celebration ژنو

در مجمع عمومی سازمان ملل متعدد سنه ۱۹۸۱ اعلن شد که هر سال در سومين سه شنبه ماه

اقدامات تبلیغی سبب شده است که هزاران نفوس اقبال با مر میکنند در ناحیه مورنا Movena District قریب بیست هزار نفس (۲۰۰۰) مومنین جدید تسجیل شده اند که در بیشتران دو مامور دولتی تعلیم و تربیت و یک کارمند عالی رتبه شهرداری میباشد . سرجلسه اعلان و ترویج امر الله در دو داشنکده منعقد گردید و کتب و آثار بهائی بمعرض نمایش گذاشته شد . سینماهی تحت عنوان مسومومیت طبقه پندی مردم و علاج آن تشکیل شد که در آن نفوس از طبقه های بالا شرکت کردند . تبلیغ دسته جمعی اکنون در دو ناحیه دیگر در قسمت غربی مادهیا پراوش دائیر است . در آیالت اوتار پراوش Uttar Pradesh یک سفر تبلیغی توسط شورای بهائی ایالتی طرح و اجرا گردید . گروهی از نه ۹ نفر شامل اعضاء هیئت مشاورین قاره ای و هیئت معاونت و محفل روحانی ملی در شش قریه به سیر و سفر پرداختند . در یک قریه که عده کثیری نسوان جزو مهمنان بودند ناچار برای اولین دفعه زنان در ردیف مردان نشستند . معمولاً زنان وقتی فیلم گرفته میشود بالای سقف می نشستند که دیده نشوند . قریه ای به نام راجا کا پوروا Rajja-Ka-Purwa که تمام اهل قریه بهائی هستند قریه نمونه شناخته شده محفل روحانی محلی مرتب دارد ضیافت نوزده روزه صندوق اعانت و کلاس درس اخلاق اطفال و در التعلم بزرگسالان دائیر است و از زنان برای اولین بار با لباس های مزین خود در ردیف مردان نشستند پوستر هایی در منع مشروبات الکلی نصب کرده اند . از زنان سوال شد آیا مردان مشروب میخورند در جواب یکی از آنها گفت : " از وقتی که مردان در ظل امر وارد شده اند از آشامیدن الکل دست برداشته اند و ما پیشرفت و ترقی کرده ایم " . مبادی و تعالیم امری و ادعیه و منتجات به زبان هندی Hindi و تاریخ امر بهائی و عهد و

بهائی یعنوان یک دین مستقل و اطلاعات بهائیان نسبت به حکومت وقت و عدم مداخله در امور سیاسی بحث و گفتگو نمودند . مشارالیه از حضور نمایندگان بهائی ابراز مسرت نموده مشتاقانه یک جلد کتاب عالم بهائی جلد هیچدهم و جزوی اطلاع راجع با مر دریافت نمود . نمایندگان بهائی در ضمن بیانیه صلح و آثار امری دیگر به مامورین دولتی و سایرین دادند و حضرات از جمله یک عضو پارلمان یک بودائی و یک جریده نگار و پیشوای کلیسا معرفت و اشخاص دیگر شوالاتی راجع با مر بهائی کرده جواب شنیدند .

درمانگاه حکیم در کشور چاد - افریقا -

جلب توجه میکند عالیجناب سفیر کانادا در کشور چاد با یک عضو سفارت کانادا در آن کشور بدین Moissala درمانگاه حکیم در شهر مواسala رفتند . درمانگاه حکیم سال ۱۹۸۵ در حظیره القدس با تصویب اولیای امور بهداشتی افتتاح یافته و بخصوص اصول نگاهداری اطفال را به والدین تعلیم میلهند و کارگران بهداشت دهات را کارآموزی نموده است و در یک طرح توزیع غذا هنگامی که آن ناحیه دچار قحطی بود شرکت کرده است . اعضاء سفارت کانادا درمانگاه دائیر و قسمتی را که در حال ساختمن است بازدید نموده از پیشرفت حاصله تحت تاثیر سفیر کانادا پذیرائی نموده راجع بفعالیت های اقتصادی و اجتماعی بهائیان در ناحیه مواسala صحبت کرد و یک نسخه بیانیه صلح بیت العدل اعظم به جناب سفیر اهدا نمود .

اقبال دسته جمعی نفوس با مر بهائی در هندوستان ادامه دارد . در یکی از ایالتات پرجمعیت هندوستان مادهیا پراوش Madhya Pradesh ماه سپتامبر

بودند که یک جلسه دعا با ملکه داشته باشند. گروه های مذهبی صیهونیست و بهائیان سرود نواخته دعا خواندند و ایراد نطق کردند. بعد از اجرای برنامه بسیاری نفوس از ادعیه بهائی تقدیر و تمجید نمودند و علیا حضرت ملکه از محبت و اتحادی که در جامعه بهائی در عین تنوع وجود داشت تعریف کرد و با اصل وحدت ادیان که در آئین بهائی تشریح شده موافقت کرده از مساعی بهائیان در تامین صلح جهانی تمجید نمود و از هدیه ای که باو داده اند تشکر کرد . این واقعه در رادیوی محلی سوازیلند پخش گردید .

توزيع بیانیه صلح بیت العدل اعظم در یکی از بلاد ایالات متحده امریکا

در ایالات متحده امریکا بهائیان شهر گراهام در تگزاس Texas بیانیه صلح را با نامه ای بعنوان " همسایه عزیز " درب هر خانه گذاشتند . موضوع را قبلاً باطلاع داروغه و کلانتری محل رسانده بودند و در روزنامه و رادیو نیز اعلان و از مردم تقاضا کرده بودند مندرجات بیانیه را در منازل و کلیساها موردن بحث و گفتگو قرار دهند. بعداً محفل روحانی محلی در نامه ای باطلاع روزنامه محلی رساند و از اینکه مردم مشتاقانه بیانیه صلح را پذیرفته بودند تمجید و تقدیر نمود.



میثاق و نظم اداری تماماً به لحن سرودهای محلی در کاست رادیو درج شد و تکمیر گردیده است برای انتشار بین قری و قصبات بعلاوه نمایش هائی به طرح روستائی ترتیب داده شده که موضوع های بهائی در بردارد .

امر بهائی در کشور رواندا پرسمیت شناخته شده است در کشور رواندا - افریقای شرقی - مساعی متمادی سبب شده است که اخبار مربوط با مر بهائی در رادیو منتشر گردد این فتح و ظفر نتیجه ملاقات هیئتی بنمایندگی بهائیان با مدیر دفتر اطلاعات در دسامبر ۱۹۸۷ حاصل شده است در این ملاقات بهائیان اطلاعاتی راجع به آئین بهائی ابلاغ نموده کتب درخواست کرده اند اجازه داده شود برنامه بهائی هر دو هفته یک بار در رادیو رواندا پخش گردد . در ۱۵ اگوست سال جاری باطلاع جامعه بهائی رسید که هر دو شنبه میتوانند در رادیو اعلان کنند. همچنین در ماه جولای سال جاری برای اولین دفعه مقاله ای از طرف مقامات دولتی راجع با مر بهائی در مطبوعات درج گردید .

واقعه جالب در دربار سلطنتی سوازیلند بر اعتبار جامعه بهائی میافزاید

محفل روحانی محلی در کشور سوازیلند (افریقا) از در بار سلطنتی درخواست کرد که در جلسه مشترکی با عائله سلطنتی برای دعا و مناجات شرکت نمایند . علیا حضرت ملکه ایندلو وکاتی Indlouvcati حضور داشت و بیش از دویست نفر احبا که در رادیو خبر را شنیده بودند در جلسه دعا شرکت نمودند . برنامه شامل ادعیه به انگلیسی و زبان محلی سیسوواتی Siswati و مختصی راجع به امر بهائی و تعالیم آن به هر دو زبان بود و یک چراغ الکتریکی که از چوب و سنگهای نفیس ساخته شده بود به ملکه هدیه داده شد . گروه صیهونیست مسیحی نیز در خواست کرده



↑

LUCRETIA MANCHO بالا : ملاقات جناب WARREN عضو محترم هیئت مشاورین از بوتسوانا با اعضای هیئت معاونت

از سمت چپ پترتیپ جناب THOZI ، خانم WARREN و خانم گهتی NOMVETE روحانی در عکس دیده موشوند .

پائین : گروهی از بهائیان Bushmen در یک محل مسکولی بوتسوانا برای گرفتن عکس جمع شده اند .



أخبار مصور

بالا : اولین ازدواج بهائی در یک کمب پناهندگان بهائی در ۷ اکتبر ۱۹۸۲ در تایلند .

پائین : عده ای از بهائیان شرکت کننده در چشم سال نو چین ملیس به پیراهن های با مارک بهائی دیده میشوند . جمع مذکور ساکنین خانه های کمب پناهندگان را ملاقات کرده و از دفتر وابسته چینی ها بازدید بعمل آوردهند .

↓





عکس فوق قسمتی از مدرسه بین المللی ماکسول را که در حال حاضر بطور رسمی آغاز پکار نموده است نشان می‌دهد.

این مدرسه شبانه روزی که در منطقه زیبائی در ساحل دریاچه *Shaunigan* در وانکور (بریتیش کلمبیا کانادا) واقع شده است توسط محقق روحانی ملی کانادا اداره میگردد. تا کنون ۴۵ شاگرد از ۱۲ کشور در این مدرسه نام دویسی نموده اند.



یکی از اعضای محقق روحانی محلی *Ndola* در کشور زامبیا پیام صلح را به چنان دکتر *Kenneth Kaunda* کشور زامبیا هنکام بازدید ایشان از نمایشگاه بین المللی تجارت *Ndola* تسلیم می نماید.



خانم Beatrice Ascare عضو محترم هیئت مشاورین قاره ای پیام صلح را به فرماندار یکی از ایالت‌گان تسلیم می‌نمایند در این مراسم نماینده محفل روحانی ملی نیز حضور دارند.



عکس فوق گروه رقص و موزیک امریکای لاتین را قبل از شروع تور اروپائی نشان میدهد. گروه مذکور که از موزیسمین‌های پرو، مکزیک، امریکای شمالی و انگلیسی تشکیل شده است تا کنون در ده کشور برنامه اجرا کرده و انتظار عده زیادی را به دیانت بهائی جلب نمودند.



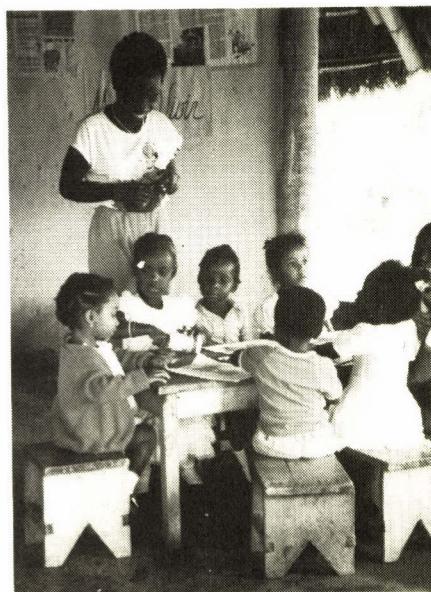
در عکس ایادی عزیز امرالله چناب فدرستن در بازدید خالصتان هنگام بازدید یک کلاس در کمب پناهندگان تایلند دیده میشوند .

ایادی عزیز امرالله چناب فدرستن در بازدید اخیری که از جنوب شرقی آسیا داشتند از کمب پناهندگان بازدید نموده بعضی از این کمب‌ها حدود ۱۸۰۰۰ جمعیت دارد که تعداد بهائیان در آنها روز بروز در حال افزایش است .



↑ عکس فوق مراسم تسلیم جلد ۱۸ عالم بهائی را
توسط نماینده جامعه بهائی به چناب *Narul Islam*
معاون محترم رئیس جمهوری بنگلادش
نشان می‌دهد. در این مراسم نماینده جامعه
بهائی پکری پذیرفته شد و به سوالات معاون
ریاست جمهوری درباره امر، جواب داده شد .

علم و شاگردان در یک مدرسه بهائی در کلمبیا
دیده میشوند . این کلاس وابسته به مؤسسه
روحی در کالی میباشد که در آن معلمین برای
تدریس در کودکستانها آموزش می‌بینند .



نامه هشتر از جهستان

آنچه نایاب است در عالم صفا و مهر ماه
ورته در گلزار هستی سرو و گل نایاب نیست
رهی معیری

عشق برتدبیر خندد زانکه در صحرای عقل
هرچه تدبیر است جز بازیجه تقدير نیست
سنائی

معشوق هزار دوست را دل ندهی
ور میدهی آن دل به جدائی بنهی
سعدي

رقط مرا ببخش و مگو او وفا نداشت
راهی بجز گریز برایم نمانده بود
فروغ فرخزاد
مرا زحلقه عشاق خود نمی راندی
اگر به نزد توام قدر و اعتباری بود
ملک الشعرا پهار
جای آسايش چه میجوئی رهی در ملک عشق
موج را آسودگی در بحر بی پایان نیست
رهی معیری

۴ - سرکار خانم باهره نجمی ضمن نامه ای
مباحث منشره در عنديليب را ستوده و متذکر
شده اند که در شماره ۲۳ قسمت آخر نامه
هائی از دوستان دو خط از اشعار ارجالی
جناب امان الله زائر شرقی در کنفرانس تاریخی
دهلی درج شده و در آخر آن شعری که مطلع
آن:

من از عشق بها مستم
ز مهرش شد دل از دستم

نوشته شده از جناب نوربخش منزوی است .
از تذکر سرکار خانم نجمی مشکریم ضمناً یادآور
میشویم که اشعار منشره بطريقی بوده که بدفتر
مجله واصل شده است .

۱ - یکی از دوستان نامه ای بدون امضاء
بعنوان هیئت تحریریه فرستاده و از یکی از
اخبار منتشره در عنديليب بعنوان عدم اهمیت آن
انتقاد کرده و ترجمه مکتوب سنت لوا را به
همسر خود دکتر کتسینگر از کتابی فتوکپی و
ضمیمه نموده و پیشنهاد کرده که از این قبیل
مطلوب و مباحث در عنديليب چاپ شود .

xxxx

خواننده گرامی

نظرات و پیشنهادات ارزنده شما مورد توجه این
هیئت قرار گرفت امیدواریم که با همکاری
مدام خود با این هیئت بر رونق مطالب منتشره
در عنديليب بیافزایید . وضمناً به شما اطمینان
میدهیم که این هیئت همواره انتقادات صحیح و
خوب را کاملاً قبول داشته و از شنیدنش نیز
خشند میشود و نیز یادآور میشویم که ارسال
نامه بدون امضاء مباین با امر صراحة است .

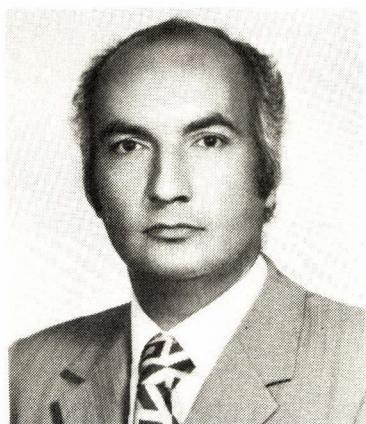
۲ - یکی از خوانندگان خوش ذوق و دوستدار
عنديليب از تأخیر و احياناً عدم وصول عنديليب
گلایه نموده و با نوشتن چند بیت از اشعار
حافظ ما را شرمنده نموده است که بیتی از آن
چنین است .

صد هزاران گل شکفت و بانگ مرغی برنخاست
عنديلیبان را چه پیش آمد هزاران را چه شد

۳ - سرکار خانم ناهید رضوانی ضمن اظهار
تعزیف و تمجید از قسمت اشعار و ادبیات
فارسی منتشره در مجله چند بیتی از شعرای
نامدار ایران فرستاده اند که ذیلاً نقل میگردد .

عکسی نیز از احبابی سنگال که در نوروز برداشته
اند فرستاده اند که عکس مزبور در پشت جلد
(داخل) چاپ شده است

۹ - سرکار خانم مليحه صفا جو از استرالیا
ضمن نامه مفصل تأثیرات قلبیه خود را از صعود
همسر گرامی اش حبیب الله صفا جو بیان و شرح
خدمات امریه او را نیز با ارسال عکسی
بدینگونه نوشته است که متصاعد الی الله در
ابتدا مهاجر دهات ازکل رستم آباد، سلطنت
آباد در ایران بوده و بعد از ازدواج بجزایر
سلیمان در هنیارا هجرت نموده و ۱۳ سال اخیر
در نقطه مهاجرتی در استرالیا بسر برده و
سرانجام در بهار ۱۹۸۷ بمرض سرطان مغزی در
گذشته است و بیت العدل اعظم الهی نیز عنایتاً
در اعتاب مقدسه برای شادی روح او دعا
فرموده اند. این هیئت صعود جناب حبیب الله
صفا جو را بسرکار خانم تسليت گفته و امیدوار
است که خانم مليحه و اولادان متصاعد الی الله
بر اثر اقدام پدر بزرگوار حرکت و بر اقدامات
مجданه خود در خدمات امریه بیافزايند تا روح
پدر در ملکوت نورا شاد گردد.



جناب حبیب الله صفا جو علیه صفوان است

عندلیب از جمیع دوستانیکه مکاتبه نموده اند
صمیمانه تشکر مینماید و جواب بقیه نامه ها را
بعلّت محدودیت صفحات به شماره بعد موکول
مینماید .

۵ - جناب . ب . انصاری شعری از نظام وفا
فرستاده اند که مطلع آن چنین است .
بهار آمد و برقع گل از نقاب فکند
بنا ز چهره برانداز پرده گل مانند

۶ - جناب حسین میرکاظمی مهاجر عزیز تاسمانیا
که بقول خودشان آخر دنیا است نوشته اند
اخرین شماره مجله هنوز بدستشان نرسیده و
امیدوارند که " بزودی موفق بزیارت مجله
عندلیب شوند " ضمناً اضافه نموده اند که در
جزیره مزبور شصت نفر بهائی زندگانی میکنند
که ۳۸ نفر ایرانی بوده و مشتاق مجله عندلیبند.

دفتر مجله، فوراً شما رهائیکه مورد تقاضای این
خوانندگان عزیز و مشترکین گرامی بود فرستاد و
ضمناً امیدواریم که این دوستان رحمانی نیز
مکاتبات خود را با عندلیب قطع ننموده و مرتباً
اخبار خوش آخر دنیا را با عکس و تفصیلات
برای عندلیب پفرستند .

۷ - سرکار خانم عهدیه شهید یزدانی نوشته اند
که دلخوشی ما در این دیار آنست که از
مجلات فارسی استفاده کنیم و پیشنهاد نموده
اند که اگر مجلات فارسی خصوصاً عندلیب ترجمه
نطقهای امة البها روحیه خانم و جناب علی
نخجوانی عضو محترم بیت العدل اعظم را منتشر
سازند احبابی که زبان انگلیسی را کامل
نمیدانند البته با مطالعه ترجمه نطقهای مذبور
استفاده وافر خواهند برد .

خواننده گرامی پیشنهاد شما از هر حیث خوب و
قابل اجراست مسلماً پس از وصول متون اینگونه
نطقه و خطابات با تصویب و نظر ناطقان
ارجمند مبادرت بترجمه و نشر خواهد شد .

۸ - خانم پوران ممتحن ایوب زاده ضمن شرح
هجرت خود در سنگال افريقا زحمات و خدمات
امری جناب جنیدی و همسرشان پروین خانم را
در کشور نیجر مورد تحسین وفير قرار داده و



‘ANDALÍB

